



شماره ۳۸۱

بریده جراید



از تاریخ: ۹۶/۰۵/۲۹ تا تاریخ: ۹۶/۰۶/۰۴

فهرست مطالب بریده جراید (شماره ۳۸۱)

عنوان مطلب	روزنامه	صفحه روزنامه	تاریخ چاپ
بخش خصوصی، قدرت نرم ایران برای صلح و ثبات در منطقه	سایت تاجران	-	-
هدینگ سازی راهبرد جهانی برای پیوستن به بازار بین المللی	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۲۹
سیکل معیوب اقتصاد ایران	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۲۹
زیرپوست حمایت از تولید	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۹
وزیر؛ برنامه نویس باشد یا عملگرا	گسترش صمت	۳	۹۶/۰۵/۳۰
اقتصاد در انتظار معجزه	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۳۰
افق شاخص های اقتصادی ایران تا ۲۰۲۰	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۳۰
شریعتمداری به رشد بخش خصوصی کمک کند	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۳۱
دولت فرمانده می شود	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۳۱
سه سطح رقابت بنگاه ها	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۳۱
تکاتی در باب صادرات که وزیر جدید باید بداند	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۶/۰۱
اطاعت بانک ها زیر فشار دولت	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۶/۰۱
مدل ترکیه در مهارت سازی صنعتی	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۶/۰۱
رشد تجارت تولید را به حرکت در می آورد	گسترش صمت	۷	۹۶/۰۶/۰۲
چرخش اقتصادی دولت دوازدهم	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۶/۰۲
گران ترین کالاهای صادراتی ایران	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۶/۰۲
افزایش نرخ ارز تنگنای تولید	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۶/۰۴
توهم صادراتی مسوولان	جهان صنعت	۱۲	۹۶/۰۶/۰۴
حرکت آرام رقابت صنعتی ایران	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۶/۰۴

قابل ذکر است کلیه مطالب عنوان شده در فهرست فوق در سایت انجمن به نشانی www.aiti.ir در بخش «برگزیده نشریات» قابل رویت می باشد.

بخش خصوصی، قدرت نرم ایران برای صلح و ثبات در منطقه

علیزاده

سیاستمداران و دولت‌های کارآمد همواره در حال باز تعریف خود و شرایط موجود و چشم‌اندازهای پیش رو هستند تا امکان تأمین حداکثری منافع ملی را فراهم کنند. ارزیابی این سیاستمداران بر اساس سه مؤلفه شکل می‌گیرد: فلسفه سیاسی که به آن معتقدند، ظرفیت‌های موجود داخلی و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی. امتزاج این مؤلفه‌ها، در واقع امتزاج عملکردی و اصولگرایی است که در شکل اعتدالگرایی تحقق می‌یابد. این اعتدالگرایی را می‌توان در سیاست خارجی و اقتصادی دولت دوازدهم هم ردیابی کرد که در ذیل گفتمان «آزادی و امنیت؛ آرامش و پیشرفت» طرح شده است.

تصویری که تیم دکتر روحانی درباره وضعیت کنونی بین‌المللی ارائه می‌کند حکایت از جهانی چند قطبی و گذار از جهان غرب محور دارد. همانطور که در طرح ارائه شده از سوی دکتر ظریف آمده، در دوران پساغربی، مفهوم قدرت دچار دگرگونی شده و قدرت معنایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. هرچند که عناصر سخت‌افزاری قدرت هنوز هم مهم هستند، ولی اکنون دوران اهمیت یافتن عناصر معنایی قدرت است. معناسازیها، روایت‌پردازیها و گفتمان‌سازیها، قدرت و ارزش راهبردی یافته‌اند و مؤلفه‌های قدرت سخت به تنهایی برای مقبولیت و مشروعیت بین‌المللی کافی نیست.

در همین چهارچوب اهمیت یافتن قدرت نرم است که برنامه دولت دوازدهم، با تأکید بر تغییر موازنه‌های منطقه‌ای، از بازخوانی و بازسازی دیپلماسی عمومی کشور سخن می‌گوید و خواستار پیگیری این روند با تکیه بر تداوم سیاست پیشگیری از ایران هراسی، ارائه تصویر سازنده و مسئول‌نظام در برابر مسائل و بحران‌های منطقه‌ای، تقویت جنبه‌های گفتمانی و ادبیات تولیدی برای ارتقای جایگاه الگویی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این راستاست که وزارت امور خارجه تأکید دارد که دوران انزواجویی ارادی و داوطلبانه در روابط بین‌المللی سپری شده و بر همین سیاق، گفتمان اعتدال باید در سیاست خارجی ما و در مسیر تعامل سازنده با جهان نیز متحقق شود.

بسیاری از کارشناسان نیز قبول دارند که واقعیت‌های موجود نشان از شکل‌گیری یک نظم نوین جهانی تک‌قطبی دارد. در این دیدگاه، شرق و به ویژه آسیا در این نظم نوین جهانی جایگاه قدرتمندی خواهد داشت. در ضمن موقعیت ژئوپولیتیکی ایران در آسیا به عنوان یکی از کنشگران قدرتمند حائز اهمیت است. بنابر این اگر ما بخواهیم در صحنه پر آشوب سیاست منطقه و بین‌الملل موقعیتی داشته باشیم باید در عین توجه به قدرت نظامی و امنیتی، به عنوان یک کشور صلح‌طلب و اهل مذاکره تلقی‌گردیم زیرا که در غیر این صورت، قدرت سخت ایران تصویری منفی از کشور ارائه خواهد داد و راه تعامل و برونگرایی را خواهد بست. چنین رویکردی در عمل به معنی احترام بیشتر به قوانین بین‌المللی، مشارکت در دیپلماسی عمومی و سازمان‌های بین‌المللی به منظور ایجاد یک منطقه امن و باثبات است.

در عین حال باید توجه داشت که شکل‌گیری دنیای چند قطبی و پساغربی به این معنی نیست که کشورهایی همچون چین و روسیه به استیلا منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بی‌میل شده‌اند. وقوف به این نکته که در واقع شرط لازم رویکرد علمگرایانه همه‌دلسوزان نظام و کشور باید باشد، ما را به متحدی مشروط در مناسبات با همه کشورها بدل خواهد کرد. دکتر روحانی در دوران مبارزات انتخاباتی مجدداً تأکید کرد که هیچ تفکری در درون جامعه قابل حذف نیست. به همین سیاق، هیچیک از قدرت‌های جهان تک قطبی یا چند قطبی هم در تعاملات بین‌المللی قابل حذف نیستند. بنابر این بر ماست که با تکیه بر خرد جمعی و در راستای صیانت از منافع ملی با رویکردی برد-برد به تعامل با جامعه بین‌المللی بپردازیم.

چندقطبی شدن صحنه جهانی به این معنی نیز هست که کنشگران غیر دولتی هم نقش پررنگ‌تری در مناسبات بین‌المللی و شکل‌دهی به جو سیاسی و اقتصادی جهانی ایفا می‌کنند. این امر به معنی مهم‌تر شدن نهادهای غیر دولتی و بخش خصوصی نیز هست. در چند ماه منتهی به خردادماه ۱۳۹۲ شاهد به ثمر نشستن تلاش‌های جمعی فعالان اقتصادی در مسیر بسط گفتمان

اقتصادی بودیم که در سرمقاله ای به قلم آقای هادی حدادی با عنوان پیروزی بخش خصوصی در تغییر گفتمان اقتصادی کشور از آن یاد شد. از آن تاریخ شاهد رشد محسوسی در افزایش سطح تعاملات میان بخش خصوصی، دولت و مجلس بوده ایم. سند مطالبات بخش خصوصی تدوین شد و نگاه و رویکرد فعالان اقتصادی به رابطه تشکل های اقتصادی و سیاسی نیز در طول سال های اخیر تحول مثبتی داشت. با توافق تاریخی برجام، گذار ما به دوران پساتحریم آغاز شد و این دوران جدید، عرصه دیگری از حیات ایرانی را با ملزومات اندیشه ای متفاوت گشود. از شاخصه های این اندیشه متفاوت جایگزین شدن سیاست محوری به جای سیاست بازی و نیز اقتصاد محور شدن سیاست است. تلاش فعالان اقتصادی بخش خصوصی در این مسیر، عمومی سازی سیاست های مورد نظر و اصولی است.

در آذرماه ۱۳۹۴، مسعود نیلی، همزمان با فراخوان کارشناسان تاجران برای ارائه بسته پساتحریم بخش خصوصی از ضرورت شکل گیری گفتمان ملی پساتحریم سخن گفت و متخصصین، کارآفرینان، اصحاب رسانه و دیگر صاحبان فکر و اندیشه را دعوت به همکاری کرد. محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، اخیراً از برنامه ریزی جدید دولت برای انسجام تیم اقتصادی سخن گفت. رئیس سازمان برنامه و بودجه با تأکید بر اینکه نیاز به شورا و وحدت تصمیم گیری داریم، گفت: بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی با حضور رئیس جمهوری و با تشکیل حلقه ای هفت یا هشت نفره، تصمیماتی را بر حسب موضوع می گیرند که بقیه دستگاهها باید اجرا کنند. نوبخت درباره وظایف معاونت اقتصادی رئیس جمهور هم گفت: آقای نهادندیان اقتصاددان هستند و وی می تواند در جهت انسجام و هماهنگی بیشتر اقدام کند و این موضوع سبب می شود تصمیمات اقتصادی دولت جدی تر گرفته شود و مردم و فعالان اقتصادی هم به این تصمیمات بیشتر اعتماد می کنند. از سوی دیگر و در بخش خصوصی نیز شاهد تشکیل دبیرخانه مشترک اتاق های بازرگانی، اصناف و تعاون و بنیانه های مشترک آنها بوده ایم. برای اینکه بخش خصوصی نیز بتواند پس از تبادل افکار در درون خود با صدایی واحد با دولت و در خصوص سیاست گذاری ها سخن بگوید می توان از رویکرد پیشنهادی محسن جلال پور برای حرکت اتاق از «عضومحوری» به «تشکل محوری» استقبال کرد. جلال پور معتقد است باید شرایطی ایجاد شود که نهادها و تشکل های متعدد از کف و سطح به تعداد زیاد در صنوف مختلف و نقاط جغرافیایی کشور ایجاد کنیم و به بالا برسایم تا جوابگوی نیازها از جهت جمع بندی و ارائه نظرات نهایی در اقتصاد کشور بشوند. محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در جمع فعالان اقتصادی اتاق بازرگانی تأکید کرد که صدای بخش خصوصی باید در مجلس و سایر دستگاه های دولتی شنیده شود. اما به اعتقاد کارشناسان تاجران، نقش کلیدی بخش خصوصی محدود به سیاستگذاری های داخلی نیست. راهکارها و مطالبات بخش خصوصی و جامعه مدنی باید در سیاستگذاری های منطقه ای هم لحاظ شود. تغییر رویکرد سیاست خارجی نظام به سیاست خارجی اقتصاد محور و نوید احیای معاونت اقتصادی در این راستا، نقطه عطفی برای بخش خصوصی است. اتاق بازرگانی بارها خواستار مشارکت فعال در تعیین و ارزیابی ریزنان اقتصادی شده است و همواره از حرکت های سازنده وزارت امور خارجه چه در طی ماه های پرتلاشی که منتهی به توافق عزتمند برجام شد و چه در مسیر توسعه دیپلماسی تجاری و اقتصادی حمایت کرده است. بخش خصوصی یکی از بهترین ساز و کارهای جذب سرمایه گذاری خارجی در اختیار دارد که در نهایت به اشتغالزایی و توسعه پایدار می انجامد.

یکی از نمونه های عملی برای حضور فعال تر بخش خصوصی و جوامع مدنی در سیاستگذاری های منطقه را می توان در مقاله اخیر نایب رئیس اتاق ایران، پدram سلطانی دید. وی می گوید: وقت آن است که جامعه مدنی و بخش خصوصی در کشورهای منطقه، در همین حد و اندازه ای که هستند، به غیبت جبری و تاریخی خود پایان دهند و برای حفظ صلح و توقف واگرایی و خصومت در این منطقه پا پیش نهند. مردم خاورمیانه، اعم از جامعه مدنی و بخش خصوصی، می توانند قواعد کهنه و تکراری بازی را در این منطقه بهم بزنند و طرحی نو در اندازند.

هلدینگ‌سازی راهبرد جهانی برای پیوستن به بازار بین‌المللی

منیر حضوری: هلدینگ‌ها و شرکت‌های بزرگ توان بالایی برای صادرات دارند و می‌توانند در شکل‌گیری ارتباط مفید بین تولیدکنندگان داخلی و متقاضیان خارجی موثر باشند. شرکت‌های هلدینگ با شناخت بازارهای بین‌المللی، اطلاعات لازم از جمله قیمت‌های هدف، خدمات، پشتیبانی مالی و اعتباری، خدمات پس از فروش، قوانین کشورها در پذیرش کالا را در اختیار صنایع تولیدی قرار داده و در کاهش هزینه‌ها نسبت به اقدام مجزای هر واحد صنعتی تاثیرگذار هستند. در این بین ما باید بتوانیم شرکت‌هایمان را گسترش داده و تقویت کنیم تا وارد بازارهای بین‌المللی شده و با شرکت‌های بزرگ خارجی کار کنیم.

با هلدینگ‌سازی می‌توانیم در دنیا حرف بزنیم

سیدعبدالوهاب سهل‌آبادی، رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران با بیان اینکه برای جامعه ایران و مدیران صنعتی هلدینگ‌سازی از نان شب هم واجب‌تر است اظهار کرد: ما باید بتوانیم شرکت‌هایمان را گسترش داده و تقویت کنیم و یکی از راه‌های آن مشارکت با شرکت‌های بزرگ خارجی است. او ادامه داد: متأسفانه شرکت‌های تولیدی در ایران به طور عمده شرکت‌های کوچکی هستند و در این بین شرکت‌های بزرگ انگشت شمارند. در این بین باید تلاش کنیم که تعداد شرکت‌های بزرگ را بیشتر کنیم. سهل‌آبادی بهترین اقدام برای توسعه صادرات را در ایجاد شرکت‌های بزرگتر ایرانی، معرفی تولیدات ایران به جهان، مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی دانست. او در این باره بیان کرد: امیدوارم شرکت‌های ما بتوانند هلدینگ‌هایی ایجاد کنند که در مقابل شرکت‌های بزرگ دنیا هم‌تراز شوند و با آنها هم‌خوانی داشته باشند. این مدل فعالیت بسیار پسندیده است و ما بارها گفته‌ایم که به دنبال آن هستیم. یکی از پیشنهادات ما به وزیر جدید صنعت، معدن و تجارت همین است که در این راستا تلاش کند. شرکت‌ها سعی کنند هلدینگ‌هایی را تشکیل دهند که بتوانند در دنیا حرفی بزنند.

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در پاسخ به این سوال که در چه صنایعی می‌توانیم قابلیت رشد داشته باشیم اظهار کرد: خوشبختانه ما در صنایع مختلف فعالیت‌هایی داشته‌ایم و موفقیت‌هایی را هم کسب کرده‌ایم. به طور مثال صنایع نساجی حوزه خوبی است یا در صنایع مصالح ساختمانی، تاسیسات لوازم ساختمانی و کارخانجات قطعه‌ساز بسیار می‌توانیم موفق باشیم و مشارکت‌هایی داشته باشیم تا قوی‌تر عمل کنیم. همچنین در صنایع پتروشیمی برای مثال در لاستیک‌سازی باید اقداماتی را انجام دهیم اما به دلیل کوچک بودن خیلی نتوانسته‌ایم موفق عمل کنیم. سهل‌آبادی با تاکید بر اینکه چنین اقداماتی مورد نیاز اقتصاد کشور است گفت: تشکل‌های صنعتی باید سعی کنند این مسیر را دنبال کنند البته همه در این مهم نقش دارند و باید بتوانند فرهنگ و امکاناتش را ایجاد کنند. او با اشاره به مشکل فرهنگی و کار جمعی در کشور ادامه داد: متأسفانه در کشور ما فرهنگ شراکت مقداری سخت است، ما هنوز نمی‌توانیم با هم کار کنیم و در این حوزه مشکلات خاص خودمان را داریم. این در حالی است که اگر بخواهیم زنده بمانیم و رشد کنیم باید از چنین اتفاقاتی استقبال کنیم.

او در آخر بر لزوم بهبود شرایط بنگاه‌های داخلی اشاره و تاکید کرد: تا ما قوی نباشیم شرکت‌های خارجی وارد ایران نمی‌شوند. به این ترتیب باید هلدینگ‌های بزرگ و قوی ایجاد کنیم تا خارجی‌ها هم عضو و شریک ما شوند.

هلدینگ‌سازی، عاملی کلیدی برای فروش و صادرات

فرشاد مقیمی، معاون فنی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی هلدینگ‌سازی را عاملی کلیدی برای فروش و صادرات محصولات صنعتی دانست و در گفت‌وگو با صمت بیان کرد: برای اینکه واحدهای صنعتی بتوانند خود را به بازارهای بزرگتر نزدیک کنند مکانیزم‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آنها همین بحث هلدینگ‌سازی است.

او ادامه داد: برای یکپارچه شدن واحدهای صنعتی دو راه عمودی و افقی وجود دارد. به طور معمول برای ترکیب شرکت‌ها از چند استراتژی استفاده می‌کنند که یکی از آنها توجه به بازار صادرات است. واحدهایی هستند که در یک زمینه خاص تولیدی خود را به حدی از تولید می‌رسانند و برای اینکه بتوانند کالای خود را به بازارهای خارجی برسانند باید یکسری امور را رعایت کنند. به همین دلیل شرکت‌ها با هم همراه می‌شوند و یکی از روش‌هایی که می‌توانند یکدیگر را کامل کنند بحث هلدینگ است. شرکت‌ها در واقع یک شرکت بالادستی ایجاد می‌کنند که سهام آن را به خود اختصاص می‌دهند و همه زیرمجموعه یک سیاست قرار می‌گیرند تا بتوانند به بازارهای بیرونی هم دسترسی داشته باشند.

معاون فنی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی به مزیت دیگر هلدینگ‌سازی اشاره کرد و گفت: وقتی به بازار صادرات وارد می‌شوید با یک محصول یا خدمات نمی‌توانید وارد شوید. مثل یک فروشگاه که اگر فقط به طور خاص یک محصول را بفروشید خیلی نمی‌تواند موفق باشد و باید یکسری لوازم‌جانبی هم داشته باشد. به این ترتیب کالاهای جانبی یا کالاهای تکمیلی آن محصولی که صادر می‌شود هم باید مورد توجه قرار گیرد تا بتواند نیازهای طرف خارجی را رفع کند. خیلی از بازرگانان ترجیح می‌دهند با شرکت‌های بزرگتری در ارتباط باشند تا شرکت‌های کوچکتر چرا که می‌توانند با آن بازاریابی کرده و اعتباری بین مشتریان خود به دست می‌آورند. او ادامه داد: خوشبختانه ما در خیلی از صنایع قابلیت رشد داریم، صناعی که به بلوغ کامل نرسیده‌اند و صنایع کوچک همه قابلیت رشد دارند. به عبارتی صنایع مختلف در کشور ما مزیت رقابتی در جاهای مختلف دارند. به طور مثال در جنوب کشورمان شیلات و خرما مزیت رقابتی دارد، در جاهایی که پرآب‌ترند و صنایع یا معادن قوی‌تری داریم، صنایع معدنی مرتبط با آنجا می‌تواند مزیت رقابتی داشته باشد. در جاهایی صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند مهم باشد مثل قطب صنایع غذایی که در مشهد یا آذربایجان غربی اتفاق افتاده و به واسطه وجود ظرفیت کشاورزی به عنوان مزیت رقابتی توسعه دارد. بازارهای صادراتی به کشورهای همسایه هم یکی از دلایلی است که این قطب‌ها شکل بهتری گرفته‌اند. او در پاسخ به این سوال که چطور می‌توانیم کمک کنیم صادرات این صنایع توسعه پیدا کند گفت: این یک مسئله فرهنگی است. اینکه بپذیریم با هم می‌توانیم همکاری داشته باشیم خود یک مانع و مسئله بزرگ است. مناسبانه ما همواره فکر می‌کنیم هر چیزی را خودمان باید تولید و صادر کنیم در صورتی‌که به تخصص نیاز داریم. در این بین می‌توانیم کنسرسیوم‌هایی را شکل دهیم و محصولاتمان را به شرکت‌های مدیریت صادرات بسپاریم تا برای ما صادر کنند. یادمان نرود که هر فرد تولیدکننده به الزام صادرکننده موفق نمی‌تواند باشد.

روزنامه جهان صنعت / یکشنبه ۹۶/۰۵/۲۹ شماره ۲۷۰۹ صفحه ۲

سیکل معیوب اقتصاد ایران

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- یارانه نقدی بار سنگینی بر دوش اقتصاد ایران به شمار می‌رود و تاکنون لطمات جبران‌ناپذیری به بدنه اقتصادی وارد کرده است؛ حال که کابینه اقتصادی تغییر کرده است مطالبه بسیاری از فعالان اقتصادی کشور در جهت تغییر مسیر دولت برای رسیدن به یارانه‌ای هدفمند است. اما با توجه به برنامه‌های وزیر پیشنهادی اقتصاد جای اصلاح قانون هدفمندی یارانه‌ها خالی است و هنوز مشخص نیست برنامه دولت دوازدهم برای پرداخت یارانه‌های نقدی چیست و از چه سازوکاری قرار است وضعیت یارانه‌ها به شکل هدفمند دنبال شود یا حذف کامل آن در دستور کار قرار گیرد؟

هم‌اکنون که دولت دوازدهم روی کار آمده و طی چند روز آینده تکلیف کابینه اقتصادی روحانی مشخص خواهد شد، گویا برنامه غیرهدفمند پرداخت یارانه‌های نقدی در این دولت هم ادامه خواهد یافت و مشخص نیست در دولت جدید به چه نتیجه‌ای خواهد رسید؛ به خصوص اینکه هنوز هیچ برنامه مشخصی از سوی وزرای پیشنهادی برای اجرای

دقیق و زمان‌بندی شده قانون هدفمندسازی یارانه‌ها اعلام نشده است و به نظر می‌رسد طی چهار سال آینده نیز همچنان حرکت‌های عوام‌گرایانه در حوزه یارانه‌های نقدی ادامه پیدا خواهد کرد. از سویی دیگر که وعده‌های دولت یازدهم مبنی بر هدفمندسازی یارانه‌ها و قطع یارانه نقدی افراد ثروتمند جامعه، در طول چهار سال گذشته عملی نشد و صرفاً محدود به حذف عده‌ای از لیست یارانه‌بگیران در برهه‌های زمانی مختلفی شد که آن هم با سعی و خطا و بدون هدفمندی صورت گرفت و نتوانست نتیجه مطلوب را حاصل کند.

توپ در زمین افشار آسیب‌پذیر

با توجه به این مسایل، در سال جاری مطابق با تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۶، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مجاز است، فقط ۳۳/۵ هزار میلیارد تومان از منابع خود را صرف پرداخت یارانه نقدی به خانوارها کند. به عبارت دیگر، اگر قرار باشد در سال ۱۳۹۶ ماهیانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به هر نفر یارانه پرداخت شود، دولت فقط می‌تواند به ۶۱ میلیون یارانه نقدی پرداخت کند و این در حالی است که در اسفندماه ۱۳۹۵ به حدود ۷۵ میلیون یارانه پرداخت می‌شد؛ این یعنی در سال ۱۳۹۶، دولت باید یارانه حدود ۱۴ میلیون نفر را قطع کند. با این حال تا به امروز و با گذشت حدود پنج ماه از سال ۱۳۹۶، دولت هنوز یارانه هیچ شخصی را قطع نکرده است. در همین زمینه عبدالله رضیان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در رابطه با عدم اقدام دولت برای قطع یارانه‌ها در بازه زمانی انتخابات ۹۶ عنوان کرد: طی ماه‌های گذشته، به دلیل انتخاباتی شدن فضای کشور، حذف یارانه دهک‌های بالای درآمدی به تعویق افتاد. گفتنی است درست هفته‌های پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم بود که حسن روحانی به هم تیمی‌هایش این چراغ سبز را نشان داد که یک‌بار دیگر یارانه نقدی افرادی که تا پیش از این نام آنها در فهرست متمولان و متمکنان قرار گرفته بود، بار دیگر بدون ملاحظه مشمول دریافت یارانه نقدی شوند و بتوانند همین رقم اندک را هم دریافت کنند؛ رقمی که البته شاید جمع آنها می‌توانست وضعیت بسیاری از خانوارها را بهبود بخشد. طبق آمار منتشر شده، یارانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر خانوار که حدود چهار میلیون نفر است در ماه‌های پیش از انتخابات ریاست جمهوری قطع شد که این کار عمدتاً از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت گرفت، اما در بحبوحه انتخابات یارانه تمام این افراد واریز می‌شد، در حالی که دولت پیش از آن اعلام کرده بود که قطع یارانه برای افرادی همچون پزشکان، وکلا، اعضای هیات علمی، دارندگان خودروهای لوکس، هیات‌مدیره بانک‌ها و افرادی از این دست صورت گرفته بود که البته در بین حذف‌شدگان، افرادی نیز حضور داشتند که نامشان اگرچه در فهرست پردرآمدها عنوان شده بود، اما در حقیقت جزو افشار آسیب‌پذیر بودند.

یک میلیون و سیصد هزار شغل بر باد رفته

گفتنی است یارانه مردادماه در حالی به عنوان هفتاد و هشتمین یارانه نقدی به حساب سرپرستان خانوارها واریز شده است که پیش از این مقرر بود پرداخت یارانه شصت ماه در ایران تداوم یابد. در واقع در شرایط کنونی بیش از یک سال و نیم است که پرداخت یارانه نقدی از برنامه مصوب انحراف داشته است. این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد در شش سال و نیم گذشته هزینه ایجاد بیش از یک میلیون و سیصد هزار شغل در قالب یارانه نقدی میان ایرانیان توزیع شده است. پرداخت یارانه نقدی با هدف جبران بخشی از هزینه‌های ناشی از رشد قیمت سوخت در کشور، در دستور کار قرار گرفت، اما در عمل به دلیل در رفتن لنگر نرخ ارز، نرخ تورم نیز به شدت رو به افزایش نهاد و در نتیجه یارانه‌ها نتوانست کمکی برای افشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد جامعه شود چراکه به صورت مساوی میان جمعیت برخوردار و فقیر توزیع می‌شود. در نتیجه پرداخت یارانه نقدی که بخشی از قانون هدفمندی یارانه‌ها در ایران بود، در سال‌های گذشته نتوانسته به اهداف از پیش‌تعیین شده دست یابد و در شرایط کنونی آنچه از بار سنگین اجرای نادرست این قانون بر دوش اقتصاد ایران مانده، تنها یارانه نقدی است که به جای توزیع هدف‌دار، بی‌هدف به حساب سرپرستان خانوار در کشور واریز می‌شود. از سوی دیگر بارمالی یارانه توزیعی در ماه هزینه سنگینی را به دولت

تحمل می‌کند و مانع از اجرای سیاست‌های اصلاحی با هدف ایجاد شغل و... می‌شود. اعتباری که طی هشتاد و هشت ماه گذشته در قالب یارانه‌های نقدی توزیع شده است، بیش از ۲۶۲ هزار و ۶۲۶ میلیارد تومان است. به این ترتیب اگر هزینه ایجاد یک شغل پایدار در کشور رقمی برابر با ۲۰۰ میلیون تومان برآورد شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هزینه ایجاد بیش از یک میلیون و سیصد هزار شغل در ایران در کشور توزیع شده است.

مقاومت اجتماعی در برابر قطع یارانه‌ها

شمار بیکاران ایران بنا بر بررسی‌های صورت گرفته رقمی در حدود سه میلیون نفر است. به این ترتیب در صورتی که برنامه درستی برای تخصیص این اعتبار در نظر گرفته می‌شود، یک سوم بیکاران مطلق در کشور صاحب شغل می‌شوند. بیکاری یکی از مهمترین چالش‌های اقتصاد ایران در شرایط کنونی و طی سال‌های پیش رو است. نرخ بیکاری در ایران بنا بر برآوردهای صورت گرفته از سوی مرکز آمار ایران بیش از دوازده درصد است. در این میان بالا رفتن نرخ بیکاری در میان تحصیلکردگان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد و اجتماع ایران تلقی می‌شود. هر چند تجربه پرداخت یارانه سراسری در هیچ کشوری جز ایران آزموده نشده است، اما کشورهایی که با تخصیص یارانه به گروه‌های هدف درصددند قدرت خرید و امکان زندگی را برای آنها ایجاد کنند، در کنار پرداخت یارانه، آن هم به صورت موقت، توانمندسازی اقشار هدف را نیز مدنظر قرار می‌دهند این در حالی است که در سال‌های گذشته هیچ برنامه‌ای برای توانمندسازی فقرا اجرایی نشده است. برآوردهای خوشبینانه نشان می‌دهد بیش از ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران هیچ نیازی به دریافت یارانه ندارند، اما در سال‌های گذشته تلاش دولت برای انصراف داوطلبانه از دریافت یارانه بی‌ثمر مانده است. ارزیابی‌ها حکایت از نوعی مقاومت اجتماعی در برابر قطع یارانه‌های سراسری دارد این در حالی است که تن دادن دولت‌ها به این خواسته کوتاه‌مدت می‌تواند آتیه نسل آینده را با خطری جدی مواجه کند. با این حال در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برخی از کاندیداها تلاش کردند با وعده پرداخت یارانه‌های بیشتر، نظر رای‌دهندگان را به خود جلب کنند. این در حالی است که ترکیب آرا نشان داد اجتماع ایران به درستی تشخیص داده است که افزایش رقم یارانه‌ها تاثیری در بهبود معیشت ندارد. با این تفاسیر بسیاری از کارشناسان معتقدند دولت دوازدهم راه سختی را برای اصلاح انحراف موجود در اجرای قانون هدفمندی در پیش دارد. نکته اینجاست که قرار بود اعتباراتی از محل افزایش هزینه کالاهای یارانه‌ای، خصوصا سوخت در اختیار تولید و بخش بهداشت و درمان قرار گیرد اما حجم یارانه‌های نقدی برای شهروندان به حدی بالا بود که سر این دو بخش از نمد یارانه‌ها بی‌کلاه ماند.

روزنامه دنیای اقتصاد/ یکشنبه ۹۶/۰۵/۲۹ شماره ۶۱۲۳ صفحه ۳

چرا قوانین انبوه حمایت‌گرایی در ایران نتیجه عکس داده است؟

زیرپوست حمایت از تولید

دنیای اقتصاد: قوانین انبوه حمایت‌گرایی در ایران نتیجه عکس به دنبال داشته است. بررسی قوانین مربوط به حمایت از تولید، در ۶ قانون برنامه توسعه نشان می‌دهد که استراتژی کلی اقتصاد ایران اگرچه در ظاهر رویکرد حمایت از تولید را مدنظر داشته، اما در باطن به دلیل نگاه بخشی و بوروکراتیک، این موضوع پیگیری نشده است. آنچه همواره به‌عنوان دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور مطرح شده، حمایت از تولید ملی است. تقریباً این اجماع نیز شکل گرفته که با تقویت تولید رقابت‌پذیر و دانش‌بنیان، می‌توان شاخص‌های اقتصادی، به‌ویژه اشتغال را بهبود بخشید و اقتصاد کشور را در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی مصون داشت. این در حالی است که قوانین انبوه کشور در جهت حمایت از تولید نبوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی زیرپوست حمایت از تولید را بررسی کرده است. ارزیابی‌های این نهاد پژوهشی نشان می‌دهد که درک روشنی از منافع ملی و به تبع آن منافع جمعی تولیدکنندگان

در تصویب قوانین وجود نداشته است. به نظر می‌رسد مشکل در کشورهای نظیر ایران به بستر و ساختار انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی بازمی‌گردد؛ به این معنا که اگر احتمال داشته باشد که یک قانون یا مقرره، منافع گروهی را تهدید می‌کند، یا آن قانون به تصویب نمی‌رسد یا به نحو مناسبی تدوین نمی‌شود.

استراتژی کلی اقتصاد ایران اگرچه حمایت از تولید را دنبال می‌کند، اما در باطن این‌گونه نیست. تصویب انبوه قوانین حمایت‌گرا در ایران نتیجه معکوس به دنبال داشته است، این مشکل به دلیل نگاه بخشی و بوروکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها است که ثمره آن به حمایت از تولید منجر نمی‌شود. رویکردها و روش‌های حمایت از تولید در ۶ قانون برنامه توسعه کشور در گزارشی پژوهشی بررسی شد. ارزیابی روند قانونی حاکی است طی اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، ۲۵۸ حکم مربوط به حمایت از تولید در انواع بیست‌گانه رقم خورده است، اما نوع حمایت‌ها و بخش‌های حمایت شده نشان‌دهنده وجود «تشتت آرا در سیاست‌گذاران»، «نبود یک نگرش منظم و واحد درباره راهکارهای رشد تولید داخلی»، «فقدان وجود یک استراتژی مشخص توسعه صنعتی»، «نبود یک نهاد مرکزی مدیریت‌کننده و تعیین‌کننده نوع حمایت‌ها» است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تصویب انبوه قوانین و مقررات صرفاً بخشی از منظومه ضروری برای تحقق حاکمیت قانون است و نه تنها برای حمایت از تولید کافی نیست، بلکه باید بستر و زمینه اجرای «عادلانه و بی‌طرفانه» این قوانین را در نظر داشت تا بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت. یافته‌های این تحلیل پژوهشی نشان می‌دهد زمانی قوانین تصویب‌شده برای حمایت از تولید به نتیجه مطلوب خواهند رسید که سه پارامتر «درک روشن قانون‌گذار از منافع تولیدکنندگان»، «ارجحیت منافع ملی و عمومی بر منافع بخشی» و «اعمال قوانین بدون تبعیض و اعمال سلیقه شخصی» در نظر گرفته شود.

بیراهه نیست اگر بگوییم دغدغه اصلی این روزهای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور، حمایت از تولید ملی است؛ دغدغه‌ای که به باور تحلیلگران اقتصادی با تقویت تولید «رقابت‌پذیر» و «دانش‌بنیان» می‌توان شاخص‌های اقتصادی، به‌ویژه اشتغال را بهبود بخشید و اقتصاد کشور را در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی مصون نگه داشت. در تازه‌ترین گزارش «مرکز پژوهش‌های مجلس» روند حمایت از تولید طی برنامه اول تا ششم توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. براین اساس انواع حمایت‌ها از تولید به ۲۰ نوع دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از حمایت‌های «ارزی»، «بیمه‌ای»، «تامین مالی»، «ترجیحی»، «تشکیلاتی»، «تضمین خرید محصولات»، «تعرفه‌ای»، «دسترسی به بازار»، «دیپلماتیک»، «رسانه‌ای-تبلیغاتی»، «رقابت و تسهیل ورود»، «زیرساختی»، «فنی و آموزشی»، «قضایی»، «کلی»، «مالکیت معنوی»، «مالیاتی»، «مقرراتی»، «منطقه‌ای» و «پارانه نهاده‌ها». یافته‌های این پژوهش حاکی است که از مجموع (۸۷۲) قانون مصوب در برنامه توسعه اول تا ششم، ۱۶۰ ماده (حدود یک‌پنجم؛ ۱۸ درصد) به حمایت از تولید اختصاص داده شده است. بیشترین مواد حمایت از تولید در قانون برنامه چهارم توسعه (۲۵ درصد) و کمترین این نوع حمایت در قانون برنامه اول (۱۵ درصد) مقرر شده است. علاوه بر این، ۲۵۸ حکم مربوط به حمایت از تولید در انواع ۲۰گانه در ۶ قانون برنامه توسعه وجود دارد که بیشترین احکام حمایت از تولید در قانون برنامه چهارم توسعه (۹۸ حکم) و کمترین احکام با هدف مورد بحث در قانون برنامه اول توسعه (۱۱ حکم) مقرر شده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بیشترین نوع حمایت، «حمایت از طریق تامین مالی» در مجموع ۷۹ حکم؛ ۲۲ درصد و کمترین نوع حمایت، «حمایت دسترسی به بازار» در مجموع ۲ حکم؛ یک درصد بوده است. به این ترتیب، به لحاظ کمی، قانون‌گذاران در برنامه‌های شش‌گانه، حدود یک پنجم از احکام حمایت از تولید را به تامین مالی به‌ویژه از طریق تسهیلات بانکی به تولید اختصاص داده‌اند.

حامیان بیست‌گانه

براساس این گزارش یکی از راه‌های درک و تحلیل نوع حمایت سیاست‌گذار از تولید، آسیب‌شناسی حمایت‌ها و بررسی نقش واقعی آنها در رونق تولید تبیین رویکرد قانون‌گذار در این خصوص است. در نظام حقوقی ایران، این رویکرد

به‌ویژه در قالب قوانین برنامه توسعه تجلی می‌یابد. دولت نیز باید براساس ریل‌گذاری که در بازه پنج‌ساله از سوی قانون‌گذار صورت گرفته است، برنامه‌ها و سیاست‌های اعلامی را پیش برد. در این میان مقوله حمایت از تولید از منظرهای مختلف و در تقاطع علومی از جمله مدیریت، حقوق، سیاست و همچنین رویکردهای بین‌رشته‌ای به ویژه اقتصاد سیاسی و حقوق اقتصادی طبقه‌بندی می‌شود. در این پژوهش، ۲۰ نوع حمایت که در متن احکامی برنامه‌های پنج‌ساله اول تا ششم مطرح شده‌اند، استخراج و بررسی شده است. حمایت اول، «حمایت ارزی» است که منظور از آن حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری از طریق تخصیص ارز با نرخ کمتر از نرخ بازار آزاد یا تسهیلاتی برای نقل و انتقالات ارزی است. در گام دوم «حمایت بیمه‌ای» قرار دارد که هرگونه کمک دولت به پوشش گسترده‌تر بیمه‌ای و ارائه خدمات بیمه‌ای برای حمایت از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی با عنوان حمایت بیمه‌ای مانند بیمه محصولات کشاورزی را شامل می‌شود. شایع‌ترین نوع حمایت از تولید توسط دولت‌ها، از طریق «حمایت تامین مالی» به‌ویژه از طریق تسهیلات بانکی صورت می‌گیرد؛ تسهیلاتی که براساس اولویت‌ها، نیازها و سیاست‌های هر دولت به بخش‌ها یا همه کسب‌وکارها اختصاص می‌یابد. این نوع حمایت که در پله سوم حمایتی قرار گرفته به منظور پشتیبانی از تولید، به‌کارگیری امکانات تولیدی داخل کشور و حمایت از تولیدات داخلی انجام شده است.

در مواردی دیگری هم دولت مکلف شده است در راستای حمایت از تولید، رویه‌های تبعیض‌آمیز و ترجیحی به نفع تولیدکنندگان داخلی را در پیش بگیرد که به آن «حمایت ترجیحی» گفته می‌شود. مواردی از قبیل مکلف بودن دولت به خرید از داخل (ماده ۸۷) قانون برنامه سوم توسعه، یکی از مهم‌ترین حمایت‌های ترجیحی بوده است. «حمایت تشکیلاتی» پنجمین نوع از حمایت محسوب می‌شود. براساس این گزارش آنچه بسیار در کشور شایع است، ایجاد کمیسیون، شورا، سازمان و نهاد برای پیشبرد امور است که به‌کندی صورت می‌گیرد. حمایت از تولید نیز یکی از ضرورت‌هایی است که همواره در تشکیل و تاسیس انواع نهادها مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته که از آن به‌عنوان حمایت تشکیلاتی یاد شده است. اما در موادی، حمایت دولت از تولید از طریق تضمین خرید محصولات داخلی صورت می‌گیرد. «حمایت تضمین خرید محصولات» که در ششمین نوع حمایتی قرار گرفته در سال‌های گذشته بیشتر مورد توجه بوده است. «حمایت تعرفه‌ای» و «حمایت دسترسی به بازار» به ترتیب هفتمین و هشتمین نوع حمایت از تولیدکنندگان در کشور هستند. در حمایت تعرفه‌ای اقسام مختلفی از تعیین تعرفه حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی تعریف شده، این در حالی است که در حمایت دسترسی به بازار، تمهیداتی برای تولیدکنندگان کالاها و خدمات به دسترسی و مذاکره تجاری با خریداران بالقوه محصولات از سوی دولت فراهم شده است. «حمایت دیپلماتیک» هم در مواردی که در حمایت از تولید داخلی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نیاز به رایزنی و مذاکره وجود دارد، وزارت امور خارجه و نهادهای مربوطه به یاری تولیدکنندگان خواهند آمد.

دهمین نوع حمایت «حمایت رسانه‌ای- تبلیغاتی» است که براساس آن گاهی قانون‌گذار در قوانین برنامه توسعه، مفادی را به رویکردهای حمایتی رسانه‌ای-تبلیغاتی از تولید اختصاص می‌دهد. البته با توجه به آنکه قانون‌گذار نمی‌تواند در چارچوب قانون اساسی، مستقیماً تکلیفی را برای صداوسیما مقرر کند، اتخاذ و اجرای چنین حمایت‌های رسانه‌ای نیازمند هماهنگی‌های کلان سیاسی است. «حمایت رقابت و تسهیل ورود داوطلبان کسب‌وکار به بازارهای مورد علاقه» یکی از موثرترین راهکارها برای رقابتی کردن اقتصاد محسوب می‌شود که یازدهمین نوع حمایت از تولیدکنندگان است. در جایگاه بعدی «حمایت زیرساختی»، «حمایت فنی و آموزشی» و «حمایت قضایی» قرار دارد. در مواردی که قانون‌گذار از طریق مکلف کردن دولت به ایجاد تاسیسات و زیرساخت‌های فیزیکی و اجرای طرح‌های زیرساختی به حمایت از تولید می‌پردازد، با عنوان حمایت زیرساختی دسته‌بندی شده است. همچنین هر نوع حمایت از تولید و ارتقای دانش و فناوری، آموزش نیروی انسانی، اعزام کارشناس متخصص، تدابیر تحقیقاتی و پژوهشی و به‌طور کلی امور مربوط به ارتقای فناوری تولید، در زمره حمایت‌های فنی و آموزشی قرار گرفته‌اند. در موارد معدودی هم در قوانین

برنامه توسعه، تکالیفی برای قوه قضائیه در جهت حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان مقرر شده که با عنوان حمایت قضایی از آنان یاد شده است. از سوی دیگر برخی مفاد حمایتی قوانین توسعه حاوی احکام دقیق و قابل ارزیابی نیستند و اغلب ضمانت اجرای روشنی هم ندارند و به نوعی، «حمایت کلی» محسوب می‌شوند. در واقع در این نوع احکام قانونی، سیاست‌هایی در قالب جملاتی کلی بیان می‌شوند که دقیقاً نمی‌توان از آنها حکمی لازم‌الاجرا و تکلیفی عینی برای دولت استخراج کرد. یکی از مشخصه‌های اصلی حمایت «کلی» آن است که حکم به گونه‌ای تنظیم شده که نمی‌توان ارزیابی عینی و قابل سنجش و همچنین قابل اجماع توسط صاحب‌نظران، قانون‌گذاران و مجریان، از اجرا یا عدم اجرای آن حکم ارائه داد. به عبارت دیگر، اصطلاحاتی نامفهوم یا تفسیرپذیر، غیرقابل سنجش یا بدون شاخص، مبهم یا دارای مفاهیم مختلف و قابل بیان در همه زمان‌ها و مکان‌ها به کار برده می‌شود که قابلیت اجرایی‌سازی آنها به شدت محل تردید است. «حمایت از مالکیت معنوی» نیز یکی دیگر از روش‌های پشتیبانی از تولید محسوب می‌شود که به نوعی حمایت از نشان‌های تجاری و همچنین مالکیت معنوی ثبت شده فعالان اقتصادی است. «حمایت مالیاتی»، «حمایت مقرراتی»، «حمایت منطقه‌ای» و «حمایت یارانه نهاده‌ها» ۴ ضلع آخر حمایت از تولیدکنندگان هستند. در حمایت مالیاتی انواع تخفیف‌ها، معافیت‌ها و بخشودگی مالیاتی در قوانین به منظور حمایت از فعالان اقتصادی در نظر گرفته شده است. اما یکی از مهم‌ترین تمایزها و کارکردهای قانون برنامه توسعه، مکلف کردن دولت به تهیه و ارائه لوایح و دیگر مقرراتی است که با اهداف خاص برنامه‌ای صورت می‌گیرد.

در موضوع حمایت از تولید نیز بسیاری از مواد قوانین برنامه توسعه، ارائه لوایح خاص یا تدوین و ابلاغ برنامه‌های خاص حمایتی از سوی دولت را پیش‌بینی کرده‌اند. مجموع چنین تدابیری با عنوان «حمایت مقرراتی» دسته‌بندی شده است. در «حمایت منطقه‌ای» هم قانون‌گذار به منظور جبران عقب‌ماندگی برخی مناطق محروم کشور و برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، سیاست‌هایی را با رویکرد تبعیض مثبت اعمال می‌کند. این رویه در خصوص تدابیر حمایتی خاص در خصوص تولید نیز صورت می‌گیرد. اما در بیستمین نوع حمایتی، انواع و اقسام یارانه‌ها برای نهاده‌هایی که در راستای ارتقای تولید ملی به تولیدکنندگان و فعالان اقتصاد گام برداشته، تعلق می‌گیرد که در دسته‌بندی «حمایت یارانه نهاده‌ها» قرار گرفته است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد قوانین تصویب شده برای حمایت از تولید برای اینکه به نتیجه مطلوب مدنظر برسد، به محیط و شرایط خاصی نیاز دارد؛ شرایطی که باید برای رسیدن به آن به سه پارامتر توجه بیشتری شود. در وهله نخست، قانون‌گذار باید درک روشنی از منافع ملی و به تبع آن، منافع جمعی تولیدکنندگان داشته باشد و این منافع برای وی قابل تشخیص است. در وهله دوم؛ گروه‌های منفعت‌جوی خاص (بخش‌های غیرمولد و رانت‌جویان) در تصویب و اجرای نابرابر این قوانین و مقررات، اعمال نفوذ و فشار نکنند و بالاخره در وهله آخر؛ قوه مجریه و نظام اداری نیز بدون تبعیض و اعمال سلیقه شخصی، قوانین را اعمال کنند، یعنی قوانین به صورت برابر برای همه اجرا شوند. اما جدای از مسائل مربوط به کیفیت قوانین در نظام قانون‌گذاری ایران از لحاظ رعایت اصول قانون‌گذاری در مراحل پیش از تصویب، در حین تصویب و پس از تصویب، می‌توان عدم تحقق اراده قانون‌گذار در حمایت از تولید را از منظر اقتصاد سیاسی نیز مورد توجه قرار داد. به نظر می‌رسد مشکل اصلی در کشورهایی نظیر ایران، به بستر و ساختار انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی بازمی‌گردد؛ به این معنا که اگر احتمال برود یک قانون یا مقرره، منافع سیاسی و اقتصادی صاحبان قدرت را تهدید کند آن قانون یا به تصویب نمی‌رسد و اگر هم تصویب شود، به نحو مناسب پیاده یا واقعا اجرایی نمی‌شود و بهانه‌های متعدد برای اجرا نشدن آن مطرح می‌شود.

برعکس، اگر یک قانون یا مقرره‌ای با منافع محسوس ذی‌نفعان سیاسی کلیدی و مجریان قانون همسو باشد، احتمال بالایی وجود دارد که تنفیذ و اجرا شود. وقتی قوانین با ابهام و قابلیت تفسیرهای متعدد تدوین می‌شوند، این احتمال وجود دارد که به نحو گزینشی، مطابق با منافع سیاسی و اقتصادی شخصی و گروهی، اجرا شوند. به عبارت روشن‌تر، در چنین حالتی، اجرای قوانین در بستر ساختار انگیزش سیاسی و اقتصادی معنا پیدا می‌کند و این منافع سیاسی و

اقتصادی است که تعیین می‌کند کدام قانون اجرا شود و کدام قانون اجرا نشود. نتیجه اینکه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، مشکل اصلی به فقدان حاکمیت قانون بازمی‌گردد. حاکمیت قانون به معنای این است که قوانین، شفاف و قابل پیش‌بینی باشند و به نحوی برابر بر همگان بدون توجه به درجه نفوذ و قدرت سیاسی و اقتصادی اشخاص اعمال شوند. مساله دیگر، به ظرفیت و توانایی حکومت مربوط می‌شود؛ دولت‌های ضعیف و فاقد ظرفیت که نمی‌توانند خدمات و حمایت‌های ضروری را در اختیار جامعه بگذارند، یکی از علل اصلی کم‌رشدی و عقب‌ماندگی کشورها محسوب می‌شوند. بدون نظام اداری قوی و سالم، مقررات و اجرای آنها به درستی صورت نمی‌گیرد و بنگاه‌های اقتصادی به‌سختی و با هزینه زیاد قادر به فعالیت هستند. علاوه بر این، بدون وجود دادگاه‌های صالح و کارآمد، هیچ تضمینی نیست که کارآفرینان و نوآوران موفق شوند پاداش زحمات و ایده‌های نو خود را مطالبه و دریافت کنند.

روزنامه گسترش صمت / دوشنبه ۹۶/۰۵/۳۰ شماره ۸۴۴ صفحه ۳

وزیر؛ برنامه‌نویس باشد یا عملگرا

منیر حضوری: بحث این است که وزیری که در وزارت اقتصاد یا وزارت صنعت، معدن و تجارت بر سر کار آمده آیا به طور حتم باید برنامه‌نویس باشد یا عملگرا؟

تخصص و دانش آن حوزه را داشته باشد یا داشتن روحیه مدیریتی و اجرایی کفایت می‌کند؟ آیا وزیر باید رشته مربوط را در دانشگاه خوانده باشد یا برای پست وزارت کارنامه کاری‌اش بیشتر مورد توجه است؟ به باور کارشناسان، آن زمان که فرد باید رشته تحصیلی‌اش با کارش تطابق داشته باشد گذشته است و آنچه برای فعالیت در یک وزارتخانه کفایت می‌کند توان مدیریتی و عملگرایی است. در همین زمینه با کارشناسان حوزه اقتصاد به گفت‌وگو نشستیم.

تجربه مدیریتی کلیدی است

مسعود دانشمند، عضو هیات‌رئیس‌خانه اقتصاد در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: بحث اینکه وزیر در حوزه‌ای که بر سر کار آمده به طور حتم باید صاحب تخصص باشد دیگر گذشته و قدیمی شده است. زمان قدیم بود که باید یک سرهنگ و ژنرال وزیر دفاع می‌بود اما امروز چیزی که برای تعیین وزیر در هر حوزه‌ای مهم است فقط بحث مدیریت است. او تاکید کرد: وزیر بیش از هر چیزی باید مدیر باشد و توان اینکه گروه کارشناسی را دور خودش جمع کند داشته باشد. در کشورهای دیگر برای اینکه فردی بر سر کار بیاید و پست مهمی را بگیرد باید بتواند مدیریت خوبی داشته باشد. به طور مثال، در اسپانیا خانمی وزیر دفاع شده بود که باردار بود و چون مدیر و توانمند بود، موارد دیگر مانعی برای کار او ایجاد نکرده بود. اینکه ما فکر می‌کنیم رئیس بیمارستان باید پزشک باشد درست نیست بلکه این مهم است که بتواند مدیریت کند و کاربلد باشد. بنابراین امروز باید در کابینه به آدم‌هایی نگاه کنیم که مدیر باشند و سوابق مدیریتی موفق داشته باشند. اینکه می‌خواهیم فردی مثل کرباسیان را در وزارت اقتصاد بگذاریم خیلی لازم نیست که بگردیم ببینیم تحصیلات و تخصص لازم را دارد یا خیر بلکه همین که مدیر موفق و توانمندی بوده است کفایت می‌کند چراکه مدیر موفق می‌تواند گروه کارشناسی را به عنوان اتاق فکر برای خود در نظر بگیرد. عضو پیشین هیات‌رئیس‌خانه اتاق بازرگانی تهران با اشاره به سابقه کاری ۸ ساله محمد شریعتمداری در وزارت بازرگانی بیان کرد: او در آن دوره به عنوان وزیر خوب شناخته شد. اکنون هم که به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت معرفی شده است خیلی‌ها به توانمندی او باور دارند. هرچند برخی به دلیل اینکه تخصصی در حوزه معدن ندارد ابراز نگرانی کرده‌اند. اما به باور من ممکن است وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم به هیچ معدنی نرفته باشد اما درست نیست که ما سابقه مدیریتی‌اش را زیر سوال ببریم! سابقه مدیریت وی نشان می‌دهد که آدم موفق بوده است و می‌تواند در این حوزه خوب کار کند. انتظاری که از شریعتمداری وجود دارد این است که وقتی در آن حوزه مشغول به کار شد از گروه کارشناس و متخصص بهره ببرد. کسانی که اقتصاد و دارایی را خوب بلد هستند باید از نظرهای تخصصی‌شان به عنوان مشاوره استفاده شود. دانشمند

ادامه داد: شریعتمداری به دلیل شناختی که از مجموعه دارد و مدیریتی که سالها داشته می‌تواند تیم متخصص خوبی را دور خود جمع کند. از آنجایی که کار وزارتخانه گسترده است، شریعتمداری باید ۴ تیم تخصصی و مشورتی را شکل بدهد که در بخش‌های بازرگانی، معدن، صنایع کوچک و بزرگ مشغول به کار شوند. عضو هیات‌رئیس‌خانه اقتصاد عنوان کرد: امروز وزیر نقش هماهنگ‌کننده بین وزارتخانه و هیات دولت را دارد. او باید نظرات دولت را در وزارتخانه ببرد و نتایج تصمیم‌گیری‌های وزارتخانه را به هیات دولت ببرد. در نتیجه برای این کار باید مدیر خوبی باشد. باور دارم که شریعتمداری و کرباسیان در این مسئله موفق می‌شوند.

تقویت همدلی با اعتماد به وزیران

ابراهیم جمیلی، رئیس خانه اقتصاد ایران در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: وزیران پیشنهادی دولت دوازدهم باید عملگرا باشند. امروز دیگر شرایطی نیست که فقط سخنرانی کنند و فکر کنند که می‌توانند کشور را اداره کنند. ما باید نتیجه‌گرا باشیم و ببینیم که نتیجه کارمان چه است؛ اگر منفی بود، باید هر چه سریع‌تر تغییرش داد. او ادامه داد: همه چیز مشخص است، نقاط ضعف و قوت را فهمیده‌ایم و ما برای حل آن به وزیرانی نیاز داریم که به دنبال حل مسئله باشند و نه اینکه پیوسته یک مبحث را تکرار کنند. وزیران باید تلاش کنند حرکتی که می‌کنند در چارچوب درست باشد. به این ترتیب عملگرایی و نتیجه‌گرایی جزو کارهایی است که باید در صدر اولویت‌های دولت قرار بگیرد.

رئیس خانه اقتصاد ایران با مثبت دانستن پرونده وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت اظهار کرد: خوشبختانه در وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت امور اقتصاد و دارایی کسانی معرفی شده‌اند که سابقه خوبی دارند. وظیفه ما این است که به وزیران معرفی شده از سوی رئیس‌جمهوری اعتماد و کمک‌شان کنیم تا موفق شوند. ما باید به آنها فرصت کار کردن بدهیم تا برنامه‌های‌شان را اجرا کنند، کمتر نقد کنیم و بیشتر آنها را راهنمایی کنیم. او با اشاره به اهمیت همکاری در کشور گفت: اعتماد به وزیران پیشنهادی رئیس‌جمهوری نخستین اساسی است که می‌تواند همدلی را در کشور تقویت و اختلافات را کاهش دهد. ما باید به این سمت و سو برویم تا کمک کنیم همدلی در کشور تقویت، اختلافات کاهش و برنامه‌ها اجرایی شوند. با توجه به اینکه برنامه ششم، سند چشم‌انداز و بودجه سالانه را هم داریم باید در قالب این ۳ محور حرکت کنیم. نه خواسته‌های‌مان را باید آنقدر بالا ببریم که دولت از انجام آن ناتوان باشد و نه دولت باید آنقدر سستی کند که برنامه‌هایی که در بودجه در نظر گرفته شده به سرانجام نرسد. در این روند باید در قالب حرکت متوازن پیش برویم. اگر رشدی هست باید متوازن و مربوط به تمام بخش‌ها باشد. اگر کاهش بودجه‌ای هست نباید به یک بخش فشار آید بلکه باید کل سیستم درگیر باشد. عضو پیشین هیات‌رئیس‌اتاق بازرگانی اظهار کرد: ما باید فضای انتخابات را فراموش کنیم، هر کسی از هر گروهی باید به فکر این باشد که چگونه می‌توان به رشد ۸ درصدی رسید و از رکود اقتصادی خارج شد. دیگر زمان انتقاد نیست. اکنون زمان کمک کردن است و همه وظیفه دارند کمک کنند. باید فرصتی به دولت داده شود که حرکت‌هایش را بازنگری و بررسی کند. در آخر عملکرد وزیران و سازمان‌ها باید مورد بررسی و کارشناسی قرار گیرد و وزیران باید بتوانند جوابگو باشند. او در آخر با اشاره به اهمیت دادن فرصت به جوانان گفت: تیم مدیریتی کشور به پوست‌اندازی نیاز دارد و باید از کسانی که صاحب‌نظر و سابقه‌دار هستند به عنوان مشاور و اتاق فکر استفاده کرد. زمانی که به جوانان اعتماد بیشتری شود تیم مدیریتی قالب جدیدی به خود می‌گیرد و می‌تواند بهتر پیش رود.

روزنامه جهان صنعت / دوشنبه ۹۶/۰۵/۳۰ شماره ۳۷۱۰ صفحه ۲

اقتصاد در انتظار معجزه

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- مسعود کرباسیان با کسب ۲۴۰ رای اعتماد از نمایندگان مجلس توانست سکندار یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین وزارتخانه‌های دولت یعنی وزارت امور اقتصادی و دارایی شود و بار سنگین آن را برای چهار

سال آینده بر دوش خواهد داشت؛ باری که دشواری‌ها و چالش‌های زیادی برای رساندن آن به مقصد وجود دارد و اوضاع اقتصادی کشور را در برهه حساسی از تاریخ تعیین می‌کند. از همین رو با شروع به کار دولت دوازدهم، وظیفه خطیر وزیر اقتصاد نیز آغاز شده است که در راس آنها ساماندهی مسایل کلان اقتصادی کشور همچون رکود فعالیت‌های تولیدی، بیکاری، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری، خصوصی‌سازی، مالیات‌ستانی، مشکلات نظام بانکی، تک‌نرخی شدن ارز و... قرار دارد. قابل توجه است که وزارت اقتصاد شامل سازمان‌های متعددی است به طوری که هر کدام می‌توانند یک وزارتخانه جداگانه قلمداد شوند اعم از سازمان امور مالیاتی، گمرک، خصوصی‌سازی و بیمه‌ها و بانک‌ها. از سوی دیگر مسوولیت سیاستگذاری مالی که بر شاخص‌های رشد و بیکاری و همچنین تورم تاثیرگذار است، برعهده وزیر این وزارتخانه است که این مولفه‌ها نقش حیاتی این وزارتخانه و سکاندار آن را گوشزد می‌کند. کرباسیان نیز که پیش از این سوابق متعددی در معاونت وزارتخانه‌های مختلف داشته و عملکرد قابل قبولی در گمرک از خود بر جا گذاشته است، از لحاظ اجرایی گزینه بسیار مناسبی برای تصدی‌گری وزارتخانه عریض و طویل اقتصاد به نظر می‌رسد اما عدم تحصیل در حوزه اقتصاد باعث بروز تردیدهایی نسبت به بنیه کارشناسی و علمی برنامه‌های وی در سیاستگذاری مالی شده است. با این حال با توجه به روحیات شخصی وی، به نظر می‌رسد تشکیل جلسات پی‌درپی با حضور فعالان بخش خصوصی و مدیران وزارتخانه و سازمان‌های اقتصادی و نیز حضور کارشناسان و مشاوران جوان در تیم اقتصادی کرباسیان از طریق استفاده از نظرات و عقاید تمام صاحب‌نظران راه را برای ادامه مسیر هموارتر سازد. کارشناسان حوزه اقتصاد نیز بر این باورند دولت با توجه به مشکلات اقتصادی و خواسته‌های مردم باید راهبرد و برنامه‌های جدیدی در زمینه اقتصادی ارائه کند؛ تغییر راهبردی که نه تنها به معنای حفظ ثبات اقتصادی چهار سال گذشته در کشور است بلکه باید در راستای شکوفایی اقتصادی و رونق تولید شکل گیرد تا بتواند به برآورده‌سازی مطالبات مردم از روحانی منتهی شود.

عمق‌بخشی به بازار بورس

در این مسیر یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که از نخستین روزهای دولت دوازدهم باید در دستور کار قرار گیرد، مساله اشتغال و کاهش نرخ بیکاری است که خود نیازمند بسترهای فراوان از جمله بازگشت رونق به فضای اقتصادی کشور است. اگر بخواهیم رونق را به کشور بازگردانیم، لازم است نخست زمینه‌های رونق تولید و خروج از رکود را فراهم سازیم تا بتوانیم شاخص بیکاری در کشور را کاهش دهیم. در این بین جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود روابط بین‌المللی شبکه بانکی یکی از اساسی‌ترین پیش‌شرط‌های دستیابی به رونق خواهد بود. از طرفی تا زمانی که نرخ سود بانکی اصلاح نشود، به یقین سرمایه‌گذاران ریسک‌تزیق مالی در پروژه‌های کشور را نخواهند پذیرفت و در این شرایط رکود در تولید و نرخ بیکاری همچنان بالا خواهد ماند؛ بنابراین کاهش نرخ سود بانکی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های تیم اقتصادی دولت دوازدهم خواهد بود که نقش بانک مرکزی را در کنار وزارت اقتصاد بیش از پیش پررنگ می‌کند. در همین راستا در برنامه کرباسیان روی عمق‌بخشی به بازار بورس تاکید شده است و در حال حاضر که بار ۸۰ درصدی تامین مالی بخش‌های اقتصادی کشور بر دوش نظام بانکی است، رونق بخشی و هدایت سرمایه‌ها به بازار بورس می‌تواند یکی از اقدامات فوری برای زمینه‌سازی کاهش نرخ سود و هدایت دقیق نقدینگی مورد توجه قرار گیرد. موضوع بدهی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی دولتی، کسری ۷۰ هزار میلیاردی بودجه دولتی، مشکلات ساختاری بانک‌ها، بحران صندوق‌های بازنشستگی، نفتی بودن صادرات کشور از جمله دیگر مشکلات مهم اقتصادی به شمار می‌آیند. به نظر می‌رسد کرباسیان با ادامه مسیر افزایش درآمدهای مالیاتی و مبارزه بیشتر با فرارهای مالیاتی می‌تواند در عین کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، زمینه‌ساز ایجاد شفافیت در اقتصاد که همواره به‌عنوان یکی از ریسک‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیز مطرح می‌شود، باشد. بسیاری از اقتصاددانان و فعالان بازار نیز امیدوارند کرباسیان

با توجه به آگاهی نسبت به ظرفیت مهمی که در این حوزه وجود دارد کار نیمه‌تمام طیب‌نیا را تکمیل کرده و اقدامات لازم برای رفع سرمایه‌گذاری خارجی را در وزارت اقتصاد پیگیری کند.

بستن پرونده ارزهای چندنرخی و رانتی

موضوع دیگری که امید می‌رود در چهار سال آینده به طور جدی پیگیری و اجرایی شود، بحث تک‌نرخی کردن ارز در کشور است؛ این در حالی است که اکنون برخی بر این باورند که یکسان‌سازی نرخ ارز، شجاعتی می‌خواهد تا یک بار برای همیشه، پرونده ارزهای چندنرخی و رانتی بسته شود. حال باید منتظر ماند و دید که دولت دوازدهم، کی و با چه شیوه‌ای یکسان‌سازی نرخ ارز را صورت خواهد داد و آیا این شجاعت در این دولت وجود خواهد داشت که کار را کلید زده و با کمترین تبعات اقتصادی و معیشتی برای مردم، اجرایی کند. اکنون نیز به نظر می‌رسد کاسبان و فعالان ارز در چهارراه استانبول منتظر تصمیم کابینه هستند و هر یک سیگنالی از حرف‌های وزرای پیشنهادی برداشت کرده‌اند بنابراین چشم انتظار روشن شدن تکلیف ارز برای سال‌های پیش‌رو هستند. با این حال کرباسیان معتقد است که هنوز زمان تک‌نرخی کردن ارز فرانسیده و باید الزامات و شرایط آن فراهم شود.

ولی‌الله سیف، رییس کل بانک مرکزی هم می‌گوید: تصور می‌شد پس از برجام، تبادلات و روابط بانکی کشور در شرایط مطلوبی قرار گیرد و براساس آن بتوانیم یکسان‌سازی نرخ ارز را عملیاتی کنیم اما به دلیل عدم وجود روابط بین‌المللی کافی، یکسان‌سازی نرخ ارز به تاخیر افتاد. در واقع بانک مرکزی، هم‌اکنون شرایط را مهیا برای یکسان‌سازی نرخ ارز نمی‌داند و همچنان وعده می‌دهد که این عملیات که به زعم بسیاری از کارشناسان، واقعی کردن ارز به سمت افزایش نرخ آن است باید در شرایط خاص خود پیاده‌سازی شود تا بلکه بتواند ماندگاری داشته باشد؛ نه اینکه همچون گذشته، یکسان‌سازی نرخ ارز برای مدت زمان کوتاهی اجرایی شده و پس از آن، ارز به جای دو نرخی پس از یکسان‌سازی، سه نرخی شود و بازار سیاه برای آن شکل گیرد. یقیناً تیم اقتصادی دولت دوازدهم نیز نسبت به این امر آگاهی کافی دارد که نرخ ارز موضوعی فرادستگاهی و فراوزارتخانه‌ای است که باید با هماهنگی کامل وزرا در شورای پول و اعتبار و نهادهای تصمیم‌گیر، تعیین شود و به این راحتی قابلیت اجرای اثربخش را ندارد.

چاره‌ای جز اصلاحات ساختاری نیست!

در این میان همگان چشم‌انتظار انجام یک جراحی اقتصادی از سوی دولت روحانی و اعضای کابینه‌اش هستند و مطالبه بسیاری از مردم و فعالان اقتصادی، پیاده‌سازی اصلاحات گسترده در جهت بهبود اوضاع اقتصادی از سوی دولت اصلاحات است و آنچه اهمیت بسیاری پیدا می‌کند بازگرداندن شفافیت و از بین بردن رانت و فساد در بازارهای پولی و مالی است. کرباسیان نیز خود با اشاره به رانتی بودن، سیاست‌زدگی، نفتی و دولتی بودن اقتصاد کشور، اعلام کرده است: چاره‌ای نداریم جز اصلاحات ساختاری برای حل مشکل تاریخی اقتصاد بنزیم. این کاری بزرگ و خطیر است. این کار در دولت یازدهم آغاز شده و باید با سرعت بیشتری تداوم یابد. عملیاتی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در چهار سال آینده باید انجام شود. این مساله در برنامه ششم توسعه تجلی یافته است. برنامه ششم توسعه برنامه‌ای میان‌مدت در چارچوب سیاست‌های بلندمدت است که همگی در برنامه‌های اقتصادی دولت دوازدهم تجلی یافته است. در همین راستا در دستور کار قرار گرفتن اقتصاد مردمی و سالم، می‌تواند زمینه‌ساز رفع بسیاری از معضلات موجود باشد و به نظر می‌رسد با توجه به پیشینه کرباسیان و اعتقاد وی به بازار آزاد، شاهد تغییراتی در نحوه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در دولت دوازدهم خواهیم بود. با استناد به صحبت‌های وزیر اقتصاد، گسترش «رقابت مثبت» برای دستیابی به اقتصادی سالم و مردمی را می‌توان از محورهای مورد توجه تیم اقتصادی دولت در نظر گرفت. همچنین دستاوردهای دانش اقتصاد نشان داده که محیط کسب‌وکار بر واگذاری بنگاه‌های اقتصادی اولویت دارد و نظام مالیاتی باید اصلاح شود. بهبود فرآیند واردات و صادرات در یک پنجره واحد، لغو مقررات مخل رونق کسب‌وکار، تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و استفاده از نظرات شورای گفت‌وگو نیز از دیگر اقداماتی است که باید به شکل جدی در

دستور کار قرار گیرند. براساس آنچه گفته شد و با توجه به این که از امروز مسعود کرباسیان در راس وزارتخانه اقتصاد مسوولیت سیاستگذاری‌ها و تصمیمات کلان اقتصادی را برای چهار سال آینده برعهده خواهد داشت، باید شاهد فعالیت دوچندان دولت دوازدهم در حوزه اقتصاد نسبت به دیگر حوزه‌ها باشیم و لازم است در این راه، انرژی تمام اعضای تیم اقتصادی در جهت برآورده‌سازی خواسته جامعه و نیاز شهروندان به شکلی همراستا و موثر به کار گرفته شود.

روزنامه دنیای اقتصاد/ دوشنبه ۹۶/۰۵/۳۰ شماره ۴۱۲۴ صفحه ۳

وزارت صنعت، معدن و تجارت منتشر کرد

افق شاخص‌های اقتصادی ایران تا ۲۰۲۰

دنیای اقتصاد؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت در گزارشی آینده برخی شاخص‌های اقتصادی ایران تا سال ۲۰۲۰ را بر اساس ارزیابی‌های بین‌المللی اعلام کرده است. این گزارش که براساس اطلاعات منتشر شده موسسه «Economics»، تهیه و تنظیم شده، شاخص‌های مرتبط با ایران در ۱۰ حوزه «بازار»، «پول»، «تولید ناخالص داخلی»، «کار»، «قیمت‌ها»، «مصرف‌کننده»، «تجارت»، «مالیات»، «دولت» و «کسب‌وکار» را مورد بررسی قرار داده است. در گزارش پیش‌رو افق شاخص‌های «تجارت» در ۷ بخش و «کسب‌وکار» در ۵ بخش مختلف تا سال ۲۰۲۰ ارزیابی شده است. آمارها در حوزه تجارت نشان می‌دهد ایران در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۶، «مازاد تجاری» خود را با رقم ۵۲۸۷ میلیون دلار به ثبت رسانده و متوسط تراز تجاری آن طی سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۶ برابر با ۷۶۱۷ میلیون دلار بوده است. این در حالی است که براساس پیش‌بینی‌ها، تراز تجاری ایران در متوسط فصلی سال ۲۰۲۰، به رقم ۴۶۷۶ میلیون دلار خواهد رسید که حکایت از کاهش تراز تجاری کشور دارد. اما در مقابل کاهش تراز تجاری ایران، افق «صادرات» کشور روشن خواهد بود. براساس آمارها، ارزش صادرات سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۶ نسبت به سه ماهه سوم سال ۲۰۱۶ از رقم ۱۹۲۳۹ میلیون دلار به ۲۲۱۴۸ میلیون دلار افزایش یافته و متوسط آن طی سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۶ برابر ۲۸۴۰۴ میلیون دلار بوده است. البته ارزش صادرات ایران در متوسط فصلی ۲۰۲۰ رقمی برابر با ۲۱۷۸۲ میلیون دلار پیش‌بینی شده که از متوسط سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۶ کمتر خواهد بود. همچنین براساس آمارهای منتشر شده، ارزش «واردات» در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۶ با افزایش نسبت به سه ماهه سوم سال ۲۰۱۶ از ۱۵۱۱۲ میلیون دلار به ۱۶۷۶۱ میلیون دلار رسیده و متوسط آن طی سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۶ برابر ۲۰۷۸۷ میلیون دلار بوده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد بخش واردات تا متوسط فصلی سال ۲۰۲۰ به ۱۷۲۰۲ میلیون دلار برسد که بیانگر افزایش ارزش این بخش است. «مازاد حساب جاری» یکی دیگر از شاخص‌های حوزه تجارت است که روند آن در این گزارش مورد توجه قرار گرفته است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۶، مازاد حساب جاری ایران برابر ۳۲۲۵ میلیون دلار ثبت شده و متوسط آن طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۶ نیز به میزان ۵۷۷۸ میلیون دلار رسیده است.

این در حالی است که افق این شاخص تا سال ۲۰۲۰ افزایشی خواهد بود و به عدد ۴۵۲۵ دست خواهد یافت. روند «نسبت مازاد حساب جاری به تولید ناخالص داخلی» تا سال ۲۰۲۰ نیز در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است؛ آمارها حاکی است در سال ۲۰۱۶، مازاد حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی به میزان ۶/۳۰ درصد به ثبت رسیده و متوسط آن نیز طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶ به میزان ۱/۴۹ درصد بوده است. پیش‌بینی می‌شود این شاخص تا سال ۲۰۲۰ روند صعودی را طی کند و به ۶/۵ درصد دست یابد. ششمین شاخصی که در حوزه تجارت مورد واکاوی قرار گرفته «تولید نفت خام» است که براساس آمارها تولید آن در ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ با کاهش نسبت به ماه مه سال ۲۰۱۷ از ۲/۸۹۳ میلیون بشکه به ۳/۸۸۰ میلیون بشکه رسیده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد تولید نفت خام

ایران تا متوسط فصلی سال ۲۰۲۰ به ۰/۱۲ / ۴ میلیون بشکه در روز برسد. «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» که به‌عنوان آخرین شاخص تجارت مورد بررسی قرار گرفته است در سال ۲۰۱۵ به میزان ۱۲۶۲ میلیون دلار افزایش یافته و متوسط آن طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۵ برابر ۲۲۷۷ میلیون دلار بوده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد میزان سرمایه‌گذاری خارجی تا افق ۲۰۲۰ روند صعودی را دنبال کند.

بر اساس آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت در حوزه کسب‌وکار نیز پنج زیرمجموعه مورد بررسی قرار گرفته است. براساس داده‌های منتشر شده «رشد تولید صنعتی»، در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۶ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۱۴/۶۰ درصد افزایش یافته و متوسط آن طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۶ برابر ۵/۹۴ درصد بوده است. این در حالی است که بنا بر پیش‌بینی‌ها رشد تولید صنعتی تا سال ۲۰۲۰ به ۱۰/۲۳ درصد خواهد رسید. «تولید ماهانه فولاد» نیز در ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ نسبت به ماه مه همان سال، از رقم ۱/۷۲۳ میلیون تن به ۱/۷۸۵ میلیون تن افزایش یافته و متوسط تولید ماهانه آن طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ برابر با ۷۶۷/۲۳ هزارتن بوده است. طبق پیش‌بینی‌ها تولید ماهانه فولاد در افق ۲۰۲۰ با جهشی ۱/۷۰۰ میلیون‌تنی روبه‌رو خواهد شد. یکی دیگر از شاخص‌های بخش کسب‌وکار که از سوی وزارت صنعت مورد ارزیابی قرار گرفته، «سهولت کسب‌وکار» است. براساس آخرین ارقام سالانه بانک جهانی در مقایسه با ۱۹۰ کشور، ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار، در سال ۲۰۱۶ با رتبه ۱۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۵ با رتبه ۱۱۷ موقعیت ضعیف‌تری کسب کرده و متوسط آن طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ برابر با ۱۳۶ بوده است. این در حالی است که براساس پیش‌بینی‌ها روند رو به افول شاخص سهولت کسب‌وکار در ایران همچنان ادامه‌دار خواهد بود و در افق ۲۰۲۰ به ۱۲۹ خواهد رسید. شاخص «ادراک فساد» نیز یکی دیگر از شاخص‌هایی است که در پیش‌بینی‌ها توفیق چندانی کسب نکرده است. در گزارش «Transparency International»، رتبه و امتیاز ایران در شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۱۶ به ترتیب ۱۲۴ و ۲۶ بوده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد رتبه و امتیاز ایران در شاخص ادراک فساد تا سال ۲۰۲۰ به ترتیب به ۱۶۵ و ۲۹ خواهد رسید. شاخص «رقابت‌پذیری» که به‌عنوان آخرین شاخص بخش کسب‌وکار مورد ارزیابی قرار گرفته است، همانند دو شاخص قبلی در افق ۲۰۲۰ در شرایط خوبی به سر نمی‌برد. در گزارش «Global Competitiveness Report»، رتبه و امتیاز ایران در شاخص رقابت‌پذیری در سال ۲۰۱۶ به ترتیب ۷۶ (۱۳۸) و ۴/۱۲ از (۷) بوده و متوسط آن طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ به ترتیب ۷۳ و ۴/۲۵ بوده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد امتیاز شاخص رقابت‌پذیری در افق ۲۰۲۰ به ۱/۴ خواهد رسید که تفاوت چندانی با امتیاز کسب شده در سال ۲۰۱۶ نخواهد داشت.

روزنامه گسترش صمت / سه شنبه ۹۶/۰۵/۲۱ شماره ۸۴۵ صفحه ۴

شریعتمداری به رشد بخش خصوصی کمک کند

محمدرضا بهرامن - عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی

از اقدام‌های محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم قدردانی می‌کنم چرا که ایشان زحمت زیادی در این وزارتخانه کشیدند و تلاش‌های زیادی را اعمال کردند.

در ادامه امیدوارم با آمدن آقای محمد شریعتمداری این مسیر ادامه یابد و به طور خاص بخش خصوصی بیشتر از گذشته در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار بگیرد. با توجه به مزیت‌هایی که بخش خصوصی برای اقتصاد کشور ایجاد کرده این مورد دور از انتظار نیست و می‌توان گفت که بخش خصوصی به ویژه معدن این توانایی را دارد که به رونق کشور کمک کند. در این بین، محمد شریعتمداری، وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم با روحیه و توانمندی‌هایی که دارد می‌تواند در کنار فعالان بخش خصوصی و تشکلهای از مدیرانی توانمند استفاده و به رشد بخش خصوصی کمک

کند. خوشبختانه در دولت یازدهم پای بخش خصوصی به پروژه‌های بزرگ باز شد که در این راه دولت به طور عام و وزیر صنعت، معدن و تجارت به طور خاص زحمت زیادی کشیدند. امیدوارم این رویه در دولت دوازدهم هم ادامه پیدا کند تا فعالان بخش خصوصی بتوانند از مشکلات قانونی و سنتی رها شوند و در جهت بالا بردن تولید ناخالص داخلی کشور و ایجاد اشتغال، نقش بیشتری داشته باشند. ما در کل خواهان بهبود فضای کسب و کار، ثبات در اقتصاد کلان، واقعی کردن نرخ ارز و دوری از هرگونه رانت با بکارگیری بخش خصوصی توانمند در اقتصاد کشور هستیم.

روزنامه جهان صنعت / سه شنبه ۹۶/۰۵/۳۱ شماره ۳۷۱۱ صفحه ۳

دولت فرمانده می‌شود

صفحه اقتصاد: «جهان‌صنعت»- فربه شدن دولت و نفوذ آن در تمام سازوکارهای اقتصادی در جامعه انتقادی است که از سالیان گذشته تاکنون همواره از سوی کارشناسان و فعالان اقتصادی نسبت به دولت وارد بوده است و به نظر می‌رسد که کابینه دوازدهم نه تنها برای مقابله با این امر و کوچک شدن دولت قدمی برنخواهد داشت، بلکه تعریف پست‌ها و معاونت‌های جدید از سوی حسن روحانی این سیگنال را می‌رساند که دولت قصد دارد در زمینه‌های مختلف به ویژه حوزه اقتصاد، تصدی‌گری امور را در دست گیرد و از آزادی عمل و استقلال نهادهای سیاستگذار اقتصادی که در تضاد با منافع دولت هستند، بکاهد. ماجرا از جایی آغاز می‌شود که حسن روحانی طی یکی از اولین اقدامات خود در دولت حاضر، معاونت جدیدی تحت عنوان معاونت اقتصادی رییس‌جمهور را ایجاد و برای آن فرماندهای اقتصادی تعیین می‌کند؛ معاونتی که اگرچه ممکن است کمک حال تصمیمات و اقدامات اقتصادی اعضای دولتی و حکومتی باشد اما تجربه نشان داده است که ایجاد چنین مراکز تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار متعدد، نتیجه‌ای جز موازی‌کاری بیشتر، پیچیده شدن فرآیندها و بوروکراسی‌های اجرایی به همراه نخواهد داشت. در این میان ایجاد بی سر و صدای این معاونت به فاصله چند ساعت پس از مشخص شدن سکандار وزارتخانه‌های اقتصادی به ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی و عدم توضیح درباره ضرورت‌های تشکیل آن از سوی دولت، واکنش‌های بسیاری را در پی داشته است و به نظر می‌رسد آنچه در ذهن رییس‌جمهور می‌گذرد قرار دادن یک گزینه به عنوان سایه‌ای در کنار وزرای اقتصادی جهت تقویت قدرت تصمیم‌گیری و فرماندهی امور اقتصادی از سوی دولت و محدودتر کردن حیطه فعالیت نهادهای دیگر همچون بانک مرکزی یا سازمان‌های فعال زیر نظر دیگر ارگان‌های غیردولتی، خواهد بود.

مطابق قانون دولت باید سعی خود را مبنی بر کوچک شدن خود به مرور زمان به کار بندد اما قدرت‌طلبی و گسترده‌تر شدن تصدی‌گری امور اقتصادی توسط دولت باعث شکل‌گیری چنین ارگان‌ها و نهادهای سیاستگذاری شده است که بعضاً وظایف و مسوولیت‌هایی موازی و مخل با یکدیگر دارند؛ این در حالی است که از سوی این معاونت تازه‌تاسیس یعنی محمد نهاوندیان اعلام شده است این معاونت به دنبال برداشتن موانع کسب‌وکار و فاصله گرفتن دولت از تصدی‌گری و گسترده‌تر کردن فضای فعالیت اقتصادی برای مردم است اما توضیح دقیقی مبنی بر چگونگی سازوکار و چارچوب فعالیت‌های آن داده نشده است. نهاوندیان می‌گوید: اولویت جدی حذف موانع کسب و کار از سر راه مردم است؛ مقررات هرچه کمتر شود، شتاب برای تولید و اشتغال با کم کردن مجوزها و محدودیت‌های مقرراتی و بوروکراسی اقتصادی شتاب کار بیشتر خواهد شد. معاون اقتصادی رییس‌جمهور در پاسخ به این سوال که آیا معاونت اقتصادی مسوولیت تیم اقتصادی دولت را برعهده دارد و رابطه وزرای اقتصادی با آن چگونه خواهد بود، گفت: درباره سازوکار این کار در ستاد اقتصادی دولت بحث خواهد شد و به موقع اطلاع‌رسانی می‌شود. نهاوندیان افزود: نکته مهم این است که ما از طولانی شدن مسیر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مباحث اقتصادی فاصله خواهیم گرفت و سرعت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی با مشورت نخبگان بیشتر خواهد شد.

تقلیل نقش وزارت اقتصاد

این در حالی است که تعدد دستگاه‌های اقتصادی اعم از وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وجود سمت‌هایی مانند دستیار اقتصادی رییس‌جمهور، مشاور اقتصادی رییس‌جمهور و تعدد ارکان تصمیم‌گیری مانند ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، شورای اقتصاد و... همواره دولت را با مشکل تصمیم‌گیری در حوزه اقتصاد مواجه کرده است. همچنان که بسیاری از اقتصاددانان از این مشکل تحت عنوان وجود چند پادشاه در یک ملک یاد می‌کنند. بسیاری نیز معتقدند که دولت باید بسیاری از این مراکز را در یک دستگاه تجمیع کند. مثلاً پیشنهادهای مطرح شده است مبنی بر اینکه دولت وظایف سازمان برنامه و بودجه را در وزارت اقتصاد تجمیع کرده و فرماندهی اقتصادی را نیز به وزیر این حوزه که سیاستگذاری مالی و بخشی از سیاستگذاری پولی را به عهده دارد، واگذار کند. نکته قابل توجه در این میان این است که تجربیات سالیان گذشته نشان می‌دهد تعدد وظایف و دستگاه‌ها که هر یک ساز خود را می‌زنند، تنها سبب چندپارچگی در سیاستگذاری‌های اقتصادی می‌شود. مثلاً در حالی که در یک بازه زمانی در دولت یازدهم، رییس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و وزیر اقتصاد خواهان کاهش نرخ سود بانکی به دلیل مشکلات رکود اقتصادی بودند، رییس کل بانک مرکزی با توجیهاتی مربوط به وضعیت نظم بانکی انتقاد جدی نسبت به نرخ سود بانکی نداشت و این اختلاف نظر در نهایت سبب می‌شد که تصمیم واحدی برای نرخ سود بانکی گرفته نشود. در چنین شرایطی ایجاد یک معاونت اقتصادی جدید سوالات بسیاری را در ذهن ایجاد می‌کند، از جمله اینکه مگر طبق قانون، بنا بر کوچک کردن دولت نبوده است، چگونه است که به جای کاستن از تعدد دستگاه‌ها حتی به تعداد آن اضافه می‌شود، معاونت جدید چگونه در اقتصاد ایران نقش‌آفرینی خواهد کرد، حیطه اختیارات و مسوولیت‌های آن چگونه خواهد بود، موضوع قابل توجه دیگر این است که این معاونت به چه نحوی تحت نظارت دستگاه ناظر خواهد بود و این نگرانی نیز وجود دارد که با ایجاد این معاونت تازه، نقش وزارتخانه‌هایی مانند اقتصاد کمرنگ شود و به این ترتیب نقش وزیر اقتصاد به جای سیاستگذاری به اداره امور گمرکی و مالیات‌ستانی تقلیل یابد. یکی دیگر از انتقاداتی که پس از ایجاد معاونت اقتصادی مطرح شده، مبنی بر این است که اگر معاونت جدید برای افراد خاصی تدارک دیده شده باشد، نتیجه چندان مطلوبی نخواهد داشت. عده‌ای با طرح این مساله که واکنش شدید مجلس نسبت به گزینه اولیه پیشنهادی رییس‌جمهور برای وزارت اقتصاد منجر به ایجاد معاونت اقتصادی شد، این موضوع را مطرح می‌کنند که چنین اقدامی درست است که می‌تواند برای اشخاصی که مدنظر دولت هستند مسوولیتی تعریف کند ولی به فربه‌تر شدن دولت منجر می‌شود. در همین زمینه یک اقتصاددان عقیده دارد با تشکیل معاونت اقتصاد قطعا با مشکل تداخل وظایف روبه‌رو خواهیم شد.

فلسفه وجودی معاونت اقتصادی

حسین راغفر اعلام کرد: ایجاد یک معاونت اقتصادی جدید بر خلاف آن بحث‌هایی است که از پیش مطرح بوده و آن کاهش اندازه دولت است. اکنون که یک معاونت موازی ایجاد شده است باید به این سوال پاسخ داده شود که نقش وزارت اقتصاد و سایر دستگاه‌های عریض و طویل چیست. راغفر همچنین گفت: تاکنون هر یک از اعضای تیم اقتصادی اعم از رییس کل بانک مرکزی، رییس سازمان برنامه و وزیر اقتصاد مسوولیت‌هایی داشتند. آیا اکنون معاونت اقتصادی قرار است موازی با این دستگاه‌ها تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کند، در چنین شرایطی قطعا با مشکل تداخل وظایف روبه‌رو خواهیم شد. وی افزود: وقتی مسوولان جابه‌جا می‌شوند به تناسب آنها ظرفیت سازمانی ایجاد می‌شود؛ در حالی که باید جوانب امر سنجیده شود که فلسفه وجودی چنین دستگاهی چه خواهد بود.

جابه‌جایی بیهوده افراد

همچنین عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی اظهار کرد: ممکن است رییس‌جمهور برای اجرای این اقدام تحت فشارهای سیاسی قرار گرفته باشد. محمدقلی یوسفی در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» گفت: متأسفانه وقتی در جامعه قانون حاکم نباشد و افراد نقش اصلی را ایفا کنند با مشکل مواجه خواهیم شد و بهتر است

به جای تغییر افراد به دنبال تغییر سیاست‌ها باشیم. وی افزود: بهتر بود به جای اینکه به جست‌وجوی افراد اصلح بپردازیم از مسوولان، رسانه‌ها، گروه‌های سیاسی و تمام کسانی که تریبون در اختیار دارند، خواسته می‌شد تلاش خود را برای برقراری هرچه بهتر نظم و قانون به کار گیرند. یوسفی تصریح کرد: باید شرایطی فراهم باشد که افراد بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد و علایق سیاسی، توانایی ایفای نقش داشته باشند و اگر این‌گونه بود می‌توانستیم بگویم قانون قوی حاکم است ولی متأسفانه هم‌اکنون قانون از جایگاه کافی برخوردار نیست و به همین دلیل این افراد هستند که بر سیاست‌ها تاثیرگذارند. این کارشناس اقتصادی گفت: مشکلی که دولت با آن دست و پنجه نرم می‌کند، تبدیل شدن دولت به یک شرکت سهامی عام است و به جای اینکه به فکر مردم باشیم و سعی خود را برای برآورده‌سازی مطالبات مردم به کار گیریم به دنبال رفع خواسته‌های گروه‌های سیاسی هستیم.

وی خاطرنشان کرد: به این طریق هم‌اکنون میان خواسته‌های مردم و عملکرد مسوولان تفاوت ایجاد شده و حسن روحانی نتوانسته است خود را از چنین اسارتی آزاد کند که بر اساس خواست ملت سیاست‌ها را دنبال کند. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد: با تغییر افراد یا جابه‌جایی آنها، عملاً این سیگنال ارسال می‌شود که شاید تغییرات عمده‌ای در زمینه مسایل اقتصادی در کار نخواهد بود. وی تأکید کرد: البته باید توجه داشت که برخی سیاستگذاری‌های دولت همچون سیاست خارجی از مطلوبیت قابل قبولی برخوردار بوده اما در زمینه سیاست‌های اقتصادی این توفیق حاصل نشده است. بنابراین دولت باید به مسایل اقتصادی توجه بیشتری نشان دهد.

یوسفی در زمینه انتصاب نهبان‌دیان به عنوان معاونت اقتصادی رییس‌جمهور اظهار کرد: برای این کار ممکن است دلایل زیادی وجود داشته باشد و شاید رییس‌جمهور برای این اقدام تحت فشارهای سیاسی قرار گرفته باشد. این کارشناس اقتصادی افزود: شاید در پس تصمیمات حسن روحانی این تفکر وجود داشته است که فرد دیگری را به عنوان رییس دفتر خود انتخاب و نهبان‌دیان را به شکلی محترمانه به عنوان یک گزینه دیگر در تیم اقتصادی خود منصوب کند. وی تصریح کرد: با این حال مساله اینجاست که جابه‌جایی افراد به طور کلی نمی‌تواند نشان‌دهنده تغییر سیاست‌ها باشد.

وضعیت اقتصادی بدتر می‌شود

ناصر موسوی‌لارگانی، نایب رییس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز درباره اهمیت محاصره اقتصاد از سوی دولت به «جهان‌صنعت» گفت: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور یا به تعبیری اساسی‌ترین مشکلی که در سال‌های اخیر شاهد بودیم جریان معیشتی کشور بوده است. به گفته لارگانی، در سال‌های اخیر به شدت با اولویت تولید و اشتغال مواجه هستیم از همین رو به نظر می‌رسد دولت در راستای این مسایل اقدام به چنین چپ‌پوشی کرده است. در چنین شرایطی انتخاب مشاور و معاون اقتصادی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. به اعتقاد این نماینده مجلس، اولین تصویری که در ذهن به وجود می‌آید اهمیت مسایل اقتصادی در بازه زمانی کنونی برای دولت است. این در حالی است که اگر این تصور را جدی نگیریم، چنین عملکردی از سوی دولت به نفع اقتصاد کشور نخواهد بود. همچنین نایب رییس کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: اگر تصور بر این باشد که دولت تلاش می‌کند تسلط بیشتری بر اقتصاد کشور پیدا کند باید خیلی جدی نگران روند اقتصادی کشور باشیم. به هر روی این افراد چه در رتبه‌هایی بالاتر از وزارتخانه و چه در زیردست وزارتخانه مشغول به کار شوند، خواسته و ناخواسته در روند کاری این وزارتخانه دخالت خواهند کرد. وی تأکید کرد: شرایط اگر به گونه کنونی پیش رود موجب افزایش مشکل رکود خواهد شد. از همین حیث امید است دولت قصد دخالت وسیع‌تر و بیشتر در مسایل اقتصادی را نداشته باشد تا در نهایت مصائب مربوط به معیشت مردم کمتر گریبان جامعه را بگیرد.

بر اساس درجه توسعه‌یافتگی کشورها بررسی شد

سه سطح رقابت بنگاه‌ها

دنیای اقتصاد: بنگاه‌ها برای باقی ماندن در میدان رقابت باید چه مولفه‌هایی را در نظر بگیرند؟ ارزیابی تئوری‌های اقتصادی نشان می‌دهد بنگاه‌هایی که از یک سیستم رقابتی قوی داخلی، وارد بازار جهانی می‌شوند به دلیل ارائه کالاهای دارای قیمت‌های پایین و کیفیت مناسب که از نتایج رقابت است؛ در بازارهای جهانی از شانس موفقیت بالایی برخوردارند. نتایج گزارش رقابت‌پذیری جهانی که هر سال از سوی مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود، نشان می‌دهد عوامل موثر بر بقا و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در ۱۲ رکن و در سه سطح توسعه تعیین شده است. به رغم اینکه ارکان رقابت برای تمام کشورها یکسان است، اما اثرات این عوامل بر کشورهای مختلف متفاوت بوده و بنا به سطح توسعه کشورها روش‌های متفاوتی برای ارتقای رقابت وجود دارد. سطح اول توسعه «نهادمحور» است که تنها بر اساس عوامل طبیعی یعنی منابع طبیعی و نیروی کار بدون مهارت ابتدایی رقابت صورت می‌گیرد. حفظ رقابت در این مرحله از توسعه در درجه نخست به «عملکرد خوب نهادهای دولتی و خصوصی»، «توسعه مناسب زیرساخت‌ها»، «فضای باثبات اقتصاد کلان» و «نیروی کار سالم که حداقل آموزش نخستین را دیده است»، بستگی خواهد داشت. سطح دوم توسعه «کارآیی محور» است. در این مرحله، رقابت از طریق «آموزش و تربیت در سطوح عالی»، «کارآیی بازار کالا»، «عملکرد خوب بازار کار»، «بازارهای مالی توسعه‌یافته»، «توانایی بهره‌برداری از مزایای فناوری‌های موجود» و «یک بازار بزرگ داخلی یا خارجی» صورت می‌گیرد. اما در سطح سوم توسعه، کشورها در مرحله «خلاقیت‌محور» (نوآوری) قرار می‌گیرند. در این مرحله بنگاه‌ها باید با تولید کالاهای جدید گوناگون با استفاده از پیچیده‌ترین فرآیندهای تولید و نوآوری‌های جدید رقابت کنند. تجارب تاریخی بیانگر این موضوع است که «اقتصادهای باز»، «غیرمتمرکز» و «رقابتی» عملکرد بهتری نسبت به سایر دستگاه‌های اقتصادی داشته‌اند. براساس گزارش فصلنامه «سیاست‌های مالی و اقتصادی» وزارت امور اقتصادی و دارایی مساله رقابت بنگاه‌ها با توجه به سطح توسعه‌یافتگی کشورها مورد بررسی قرار گرفته است؛ بر اساس این گزارش به‌طور کلی می‌توان گفت رقابت در تمام ابعاد سبب بهبود عملکرد اقتصاد و افزایش کارآیی آن می‌شود. رقابت به‌ویژه در بازارهای صنعتی باعث «کاهش قیمت‌ها»، «ارائه کالاها با خصوصیت‌ها و کیفیت‌های مختلف» و «بهبود دسترسی مصرف‌کنندگان به کالاها و خدمات» خواهد شد. از سوی دیگر در اقتصاد جهانی که با سرعت بالا به سمت جهانی شدن در حال حرکت است، کشورهایی در بازار جهانی موفق خواهند بود که در بازارهای داخلی خود بتوانند رقابت‌پذیری را تقویت کنند. در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، شاخص جهانی رقابت‌پذیری (GCI) به‌عنوان ابزاری جامع برای اندازه‌گیری اصول بنیادین اقتصاد خرد و کلان رقابت ملی مورد استفاده قرار گرفته است. بر این اساس، شاخص‌های متعدد و متنوعی مورد مطالعه قرار گرفته تا توان رقابت اقتصادی و توانایی کشورها برای فروش در تامین رفاه برای شهروندان مشخص شود. داده‌های مورد استفاده از پایگاه بررسی جهانی رقابت (GCI) استخراج شده و به‌صورت شاخص‌های رقابتی محاسبه شده درخصوص ۱۶۸ کشور توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌یافته (۲۰۱۴-۲۰۱۱) به کار رفته‌اند.

سطوح توسعه بنگاه‌ها

رقابت به‌عنوان دنیای ایده‌آل اقتصاددانان و شرط بهینه تخصیص منابع در اقتصاد شناخته می‌شود. رقابت در بازار موجب افزایش کارآیی و بهره‌وری می‌شود و رشد بهره‌وری به خودی‌خود، یکی از منابع رشد اقتصادی در کشورها به شمار می‌رود. بسیاری از مطالعات بیانگر رابطه مثبت بین «رقابت و کارآیی» و بین «رقابت و نرخ رشد بهره‌وری» بوده‌اند. براساس این گزارش در صورت وجود رقابت، بنگاه‌ها عملیات خود را برای افزایش کارآیی و در نتیجه حفظ سودآوری

تعدیل می‌کنند و بنگاه‌های ناکارآمد نیز راهی جز خروج از بازار ندارند. خروج این بنگاه‌ها موجب آزاد شدن منابعی می‌شود که بنگاه‌های کارآمدتر می‌توانند از آن استفاده کنند. اما به‌رغم اینکه ارکان رقابت برای تمام کشورها به‌طور یکسان به چشم می‌خورد، مشخص است که اثرات این عوامل بر کشورهای مختلف متفاوت بوده و بنا به سطح توسعه کشورها روش‌های متفاوتی برای ارتقای رقابت وجود دارد. در واقع، در کشورهای جهان دستمزدها ضمن حرکت در مسیر توسعه افزایش می‌یابد و به منظور حفظ این درآمد بالاتر، بهره‌وری نیز باید بهبود یابد. گزارش رقابت‌پذیری با معرفی ارکان دوازده‌گانه رقابت و ارتباط این ارکان با سطوح توسعه، کشورهای جهان را در سطح توسعه یا مراحل گذار از سطح یک به ۲ یا از سطح ۲ به ۳ قرار داده است. براساس تئوری‌های اقتصادی و به تعبیر گزارش رقابت جهانی، سطح اول توسعه بنگاه‌ها «نهادمحور» بودنشان است که مطابق با آن بنگاه‌ها تنها براساس عوامل طبیعی خود یعنی «منابع طبیعی» و «نیروی کار بدون مهارت ابتدایی» رقابت می‌کنند. همچنین در سطح نهاده‌محور بودن، بنگاه‌ها در فروش کالا و محصولات خود براساس قیمت‌های پایه رقابت می‌کنند که این بهره‌وری پایین آن‌ها به دستمزدهای پایین منجر خواهد شد. حفظ رقابت در این مرحله از توسعه، قاعدتا به مولفه‌هایی نیاز دارد که در درجه نخست به «عملکرد خوب نهادهای دولتی و خصوصی»، «توسعه مناسب زیرساخت‌ها»، «فضای باثبات اقتصاد کلان» و «نیروی کار سالم که حداقل آموزش نخستین را دیده است»، بستگی خواهد داشت. بهره‌وری اقتصادی که در مرحله بالاتری از رقابت قرار دارد، با بالا رفتن درجه توسعه‌یافتگی افزایش یافته و در نتیجه دستمزدها نیز افزایش می‌یابند، اما در این میان قیمت‌ها نمی‌توانند زیاد شوند. در این مرحله کشور به سوی سطح دوم توسعه یعنی «کارآیی‌محور» پیش می‌رود. با افزایش کارآیی تولید، کیفیت تولیدات و دستمزدها افزایش می‌یابد، اما قیمت‌ها نمی‌توانند زیاد شوند. در این مرحله، شاخص‌هایی همچون «رقابت از طریق آموزش و تربیت در سطوح عالی»، «کارآیی بازار کالا»، «عملکرد خوب بازار کار»، «بازارهای مالی توسعه‌یافته»، «توانایی بهره‌برداری از مزایای فناوری‌های جدید» و «یک بازار بزرگ داخلی یا خارجی» افزایش خواهد یافت. اما در کشوری که در مرحله نوآوری «خلاقیت‌محور» قرار می‌گیرد، دستمزدها تنها در صورتی که کسب‌وکار توان رقابت با محصولات جدید و منحصربه‌فرد را دارا باشد، افزایش خواهد یافت. در این مرحله بنگاه‌ها باید با تولید کالاهای جدید گوناگون با استفاده از «پیچیده‌ترین فرآیندهای تولید» و «نوآوری‌های جدید» رقابت کنند.

۱۲ رکن رقابت‌پذیری

براساس بررسی‌های انجام شده، ۱۰۶ کشور جهان اقدام به تدوین قانون رقابت کرده‌اند که علاوه بر کشورهای OECD، ۲۶ کشور از «آفریقا»، ۱۸ کشور از قاره «آسیا و اقیانوسیه»، ۱۷ کشور از «آمریکای لاتین و کارائیب» هستند. علاوه بر این کشورها، ۱۸ کشور در حال انتقال نیز اقدام به تدوین قانون رقابت کرده‌اند؛ بنابراین مساله‌ای که در این مطالعه مورد توجه بوده این است که در بازارهای صنعتی کشور، «تمرکز و انحصارهای فراوانی» وجود دارد. بانوجه به وجود نهادهای ناکارآمد نظیر نهادهایی که به‌جای تسهیل قواعد بازی، شدت مانع ورود در بازارهای اقتصادی را افزایش می‌دهند و هرچه شدت ارتفاع ورود در بازارهای اقتصادی بالاتر باشد، فضای کسب‌وکار انحصاری‌تر می‌شود. همچنین بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد هر قدر تعداد کشورهای دارای قانون رقابت طی زمان بیشتر شده، درآمد ناخالص ملی تجمعی کشورها با نرخ بالاتری افزایش یافته است.

شاخص رقابت‌پذیری کشورها در محدوده ارقام ۱ تا ۷ به‌طور کمی محاسبه می‌شود. بر این اساس هر چه شاخص به رقم ۷ نزدیک‌تر باشد، قدرت رقابت‌پذیری کشور بیشتر است. این شاخص متوسط وزنی اجزای گوناگونی است که جنبه‌های مختلف رقابت را اندازه‌گیری می‌کند. این اجزا در ۳ رکن کلی «نیازهای اساسی»، «عوامل افزایش کارآیی» و «عوامل نوآوری» جای می‌گیرند؛ البته ۳ رکن اساسی رقابت‌پذیری خود به ۱۲ زیرشاخه تقسیم می‌شوند.

این در حالی است که ارکان ۱۲ گانه رقابت‌پذیری نیز به بیش از ۱۱۰ زیرگروه تقسیم می‌شود. ۱۲ رکن تعیین‌کننده شاخص رقابت جهانی عبارت است از: «نقش نهادها»، «زیربنها»، «فضای اقتصاد کلان»، «بهداشت و آموزش در سطوح ابتدایی»، «آموزش در سطوح ابتدایی»، «آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی»، «کارآیی بازار کالا»، «توسعه بازار مالی»، «شعاع تکنولوژی»، «اندازه بازار»، «مهارت‌های نوآوری و کسب‌وکار». در این میان سهم هر زیرگروه از شاخص «نیازهای اساسی» ۲۵ درصد محاسبه شده است. اعضای تشکیل‌دهنده این شاخص که سهم‌های برابری به خود اختصاص می‌دهند شامل محیط اقتصاد کلان، زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت با نهادها هستند.

اجزای تشکیل‌دهنده شاخص محیط اقتصاد کلان که سهم ۲۵ درصدی از کل شاخص نیازهای اساسی را به خود اختصاص داده است شامل «توازن بودجه دولت»، «پس‌انداز ملی»، «تورم»، «بدهی دولت» و «رتبه‌بندی اعتبارات کشور» است که هر یک از این اجزا سهم ۲۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند.

اما یکی دیگر از اجزای تشکیل‌دهنده شاخص محیط اقتصاد کلان شاخص زیرساخت اقتصادی است که همان طور که بیان شد این جزء هم ۲۵ درصد از شاخص محیط اقتصاد کلان را به خود اختصاص می‌دهد؛ این جزء به دو زیرگروه «حمل و نقل و صنعت ارتباطات» تقسیم‌بندی می‌شود که هرکدام سهم ۵۰ درصدی را به خود اختصاص می‌دهند. دو زیرشاخه دیگر شاخص نیازهای اساسی شامل آموزش و بهداشت همراه با شاخص نهادها است که شاخص آموزش و بهداشت از دو بخش آموزش با سهم ۵۰ درصد در کنار بخش بهداشت با سهم ۲۵ درصدی، از شاخص نیازهای اساسی را به خود اختصاص داده‌اند. اما آخرین زیرشاخه نهادها هستند که این زیرشاخه از ترکیب نهادهای عمومی با سهم ۷۵ درصد همراه با نهاد خصوصی با سهم ۲۵ درصدی تشکیل شده است. در شاخص افزایش کارآیی که به صورت ترکیبی محاسبه می‌شود، سهم هر زیرشاخه از این شاخص ۱۷ درصد از کل شاخص را به خود اختصاص داده است. اولین زیرشاخه این شاخص؛ آموزش و پرورش است که خود این زیرشاخه از سه بخش با سهم‌های برابر ۳۳ درصد تشکیل شده است که عبارت از کمیت تحصیلات، کیفیت تحصیلات و آموزش در حین کار است. دومین بخش شاخص افزایش کارآیی؛ کارآیی بازار کالاها است که نحوه محاسبه و سهم دو بخش تشکیل‌دهنده آن یعنی رقابت و کیفیت به شمار می‌رود. کارآیی بازار کار؛ یکی دیگر از زیرشاخه‌های شاخص افزایش کارآیی است که از دو زیرگروه انعطاف‌پذیری و خلاقیت در کار تشکیل شده است. زیرگروه دیگر؛ شاخص افزایش کارآیی توسعه بازار مالی است که کارآیی و امنیت بازار مالی از اجزای این شاخص با سهم برابر است. اندازه بازار همراه با شاخص فناوری و تکنولوژی دو بخش پایانی تشکیل‌دهنده شاخص افزایش کارآیی را به خود اختصاص می‌دهند. شاخص اندازه بازار با دو بخش داخلی و خارجی با سهم‌های مساوی اجزای شاخص را تشکیل می‌دهند و شاخص فناوری و تکنولوژی از دو بخش اقتباس فناوری، استفاده از فناوری و ارتباطات با سهم‌های برابر تشکیل شده است. آخرین بخش شاخص رقابت‌پذیری یعنی شاخص پیشرفت و نوآوری است که پیشرفت کسب و کار همراه با بخش تحقیق و توسعه با سهم‌های برابر ۵۰ درصد این شاخص را به صورت ترکیبی ایجاد کرده‌اند.

رقابت‌پذیرترین کشورها

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، رقابت به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی که سطوح بهره‌وری را در یک کشور تعیین می‌کنند، تعریف می‌شود. براساس این گزارش، «سوئیس» با شاخص رقابتی ۵/۶۷ رقابت‌پذیرترین اقتصاد جهان محسوب می‌شود. اقتصاد کشورهای «سنگاپور»، «فنلاند»، «آلمان» و «ایالات متحده آمریکا» در رتبه‌های دوم تا پنجم جهان جای می‌گیرند. شاخص رقابت‌پذیری ایران نیز ۰/۷/۴ بوده که در بین ۱۶۸ کشور رتبه ۸۲ را به خود اختصاص داده است.

رتبه ایران در شاخص اندازه بازار ۱۹ بوده است که از بین شاخص‌های مورد بررسی بهترین رتبه را در این شاخص با اندازه ۵/۱۴ دارد. بدترین رتبه ایران (۱۵۴) در شاخص کارآیی بازار نیروی کار با اندازه ۳/۰۲ بوده است. از سوی دیگر

در میان کشورهای منطقه خاورمیانه بهترین رتبه‌ها به ترتیب به «قطر» با رتبه ۱۳، «امارات متحده» با رتبه ۱۹ و «عربستان سعودی» با رتبه ۲۰ تعلق دارد. در میان ۱۶۸ کشور مورد مطالعه در گزارش رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۴-۲۰۱۰) رتبه رقابت‌پذیری ایران ۸۲ و شاخص آن ۰۷/۰۴ بوده که نسبت به شاخص رقابت‌پذیری ۶۶ در بین ۱۶۸ اقتصاد جهان در سال گذشته، ۱۶ پله بدتر شده است. همچنین براساس نتایج به دست آمده از تخمین مدل رقابت‌پذیری بر درجه رقابت‌پذیری کشورها در بازارهای بین‌المللی تاثیر مثبت و معناداری دارد و نهادهای مورد بررسی باعث افزایش شدت رقابت در بازار کشورهای مختلف می‌شوند. بدترین رتبه ایران در بین شاخص‌های مورد مطالعه شاخص کارآیی بازار کالا با رتبه ۱۴۵ و اندازه ۰۲/۰۳ است. بهترین رتبه ایران در بین شاخص‌ها، شاخص اندازه بازار با رتبه ۱۹ و مقدار ۱۴/۰۵ است که بیانگر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کشور است.

روزنامه گسترش صمت / چهارشنبه ۹۶/۰۶/۰۱ شماره ۸۴۶ صفحه ۴

نکاتی در باب صادرات که وزیر جدید باید بداند

یحیی آل‌اسحاق - عضو هیات نمایندگان اتاق ایران

تولید باید صادرات محور باشد، در این بین واحدهای قدیمی که مجبور شدند تعطیل شوند به این خاطر بود که با همه سختی و محدودیت‌ها نتوانستند محصولی صادر کنند.

وقتی یک تولیدکننده نتواند محصولی صادر کند در بازار داخلی هم نمی‌تواند کالا بفروشد و در هزینه‌ها دچار مشکل و در نهایت ورشکسته و تعطیل می‌شود. براساس آمارها امروز ۵۰۰۰ واحد تولیدی در کشور تعطیل شده‌اند. البته این به آن معنی نیست که مردم کالاهای موردنیاز خود را تأمین نمی‌کنند بلکه نیاز در جامعه وجود دارد اما تولیدکننده مد نظر قدرت رقابت ندارد. از اولویت‌هایی که وزیر جدید صنعت، معدن و تجارت باید رعایت کند این است که تولیدات صادرات محور باشند و به بحث کیفیت و خدمات توجه کنند. او باید قدیمی‌ها را به این سمت هدایت کند که محصول به روز تولید کنند تا در رقابت کالایی چه در داخل و چه در خارج بتواند ماندگار باشند. نکته دیگر در رابطه با صادرات این است که همیشه می‌گفتم واردات برای تولید در جهت صادرات پس این را باید عملیاتی هم بکنیم. ما باید بستر، زمینه و الزامات صادرات را در کشور فراهم کنیم یعنی به بروکراسی، قوانین و مقررات، نظام مالی و بازاریابی توجه کنیم. یکی از مشکلاتی که الان کشور ما دارد مسئله بازاریابی در داخل و خارج است که کاملاً تخصصی، فنی و حرفه‌ای است. امروز باید کسی به تولیدکننده مشاوره بدهد که چه تولید کند، سفارش کالا را به چه کسی و برای کدام بازار و با چه قیمتی بدهد. ما برای اینکه کالا صادر کنیم باید بازارهای جهانی و منطقه‌ای و عوامل تاثیرگذار بر بازارها را بشناسیم. به طور مثال ساده‌ترین کالای صادراتی رب‌گوجه است و نزدیک‌ترین بازار هم امارات و عراق است. از بیشتر جاهای دنیا هم به این کشورها رب وارد می‌شود اما پایین آوردن رب خارجی از سوپر اماراتی به مراتب سخت‌تر از این است که یک رب را به بازار عرضه کنیم. اینکه کالایی در یک بازار بالا رفته کلی عوامل موثر داشته حالا باید کاری کنیم که همه ذی‌نفعان متقاعد بشوند که آن رب را بخرند. به این ترتیب بازاریابی کار تخصصی است که متأسفانه در دانشگاه‌ها ما یک درس فرعی است و چندان به آن بهایی داده نمی‌شود. یکی از کارهایی که وزیر جدید باید انجام دهد راه انداختن سازمان‌های بازاریابی مشاوره‌ای است که کار تخصصی کرده و بتوانند با سازمان‌های بازاریابی جهانی همکاری کنند. وظیفه دیگر وزیر جدید صنعت، معدن و تجارت در ساماندهی شبکه توزیع است. این بخش حدود ۴ میلیون شاغل دارد و باید در آن به طور جدی کار کرد. در حالی که نظام توزیع جهانی شکل دیگری دارد. وضعیت سنتی را به وضعیت مدرن منتقل کند. تنظیم بازار مصرف‌کننده وظیفه دیگر وزیر است، وزیر جدید باید بتواند منافع مصرف‌کننده را در مقابل تهدیدهای مختلف حفظ کند. چشم مصرف‌کننده در تعادل بازار، ذخیره کالا، قیمت، جلوگیری از انحصار و قاچاق کالا است و اینها همه وظیفه عمده‌ای را به گردن وزیر می‌اندازد.

اطاعت بانک ها زیر فشار دولت

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- در نظام اقتصادی کشور، نرخ سود سپرده‌های بانکی همواره به عنوان یکی از بحث‌برانگیزترین و چالشی‌ترین موضوعات در شبکه پولی و بانکی مورد توجه مسوولان، فعالان اقتصادی، بانک‌ها و به ویژه مردم کشور بوده است و این در حالی است که دولت تاکنون نتوانسته به هیچ نقطه تعادل پایدار و مورد رضایت برای تمام بخش‌های اقتصادی جامعه دست یابد و چاره‌ای جز اعمال فشار و اتخاذ سیاست‌های دستوری برای کنترل آن ندارد. با این وجود دولت و بانک مرکزی نسبت به تبعات و نتایج منفی تکلیف کردن بانک‌ها به تبعیت از یک نرخ مشخص، به خوبی آگاه هستند و گواه آن شرایط کنونی بانک‌هاست، به طوری که در طول دولت یازدهم شاهد عدول بسیاری از بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری کشور از نرخ سود مصوب بودیم. در شرایطی که شبکه بانکی به دلیل قفل شدن بخش عمده‌ای از منابع خود و همچنین بدهی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک‌ها، با مشکل تامین منابع مالی به شکل گسترده‌ای روبه رو است، باید به دنبال روش‌هایی برای پرداخت بدهی‌های خود و جبران نقدینگی از دست رفته باشد و یکی از ساده‌ترین و موثرترین راه‌ها برای بانک- که البته زیان‌های کلان در بلندمدت به همراه دارد- بالا بردن نرخ سود سپرده‌هاست تا به این طریق منابع مالی بیشتری از مردم به حساب‌های بانک وارد شده و مسکنی برای التیام بخشیدن به بحران‌ها و معضلات‌شان به طور موقتی باشد. دولت و بانک مرکزی نیز که نسبت به تنگنای اعتباری سیستم بانکی کشور، کاملا آگاه هستند، سعی می‌کنند با سکوت اختیار کردن و باز گذاشتن دست بانک‌ها برای دور زدن قانون، از زیر بار بدهی‌های کلان و سوءمدیریت خود شانه خالی کنند و تنها در صحبت‌ها و نشست‌های خود نسبت به الزام بانک‌ها برای پیروی از نرخ سود مصوب تاکید می‌کنند ولی به هیچ وجه برخورد قاطعانه‌ای با بانک‌های متخلف صورت نداده و نخواهند داد. این در حالی است که هم‌اکنون کمتر بانکی را می‌توان یافت که سودهای ۱۵ تا ۱۸ درصدی را رعایت کند و این رقم تنها عددی است روی کاغذ و با کمی جست‌وجو در شعب بانک‌ها در سطح خیابان می‌توان به طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا یک‌ساله دست یافت که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد بهره از سوی بانک به سپرده‌گذار اعطا می‌شود.

ملایمت دولت در برخورد با متخلفان

آنچه تاکنون باعث کنار آمدن نهادهای ناظر و سیاستگذار با این تخلف آشکار قانونی شده است را می‌توان در مساله دستاورد کنترل تورمی دولت یازدهم مورد بررسی قرار داد؛ مساله‌ای که باعث شد کابینه اقتصادی حسن روحانی تمام سیاست‌های اقتصادی خود را حول محور کنترل نرخ تورم بنا کند و یکی از راهکارهای دستیابی به این امر را می‌شد در جذب منابع مالی مردم به حساب‌های شبکه بانکی و جلوگیری از ورود این منابع به بازارهایی چون ارز و سکه که امکان بالا رفتن قیمت‌های سوداگرانه در بازار را دارد، جست و جو کرد. با این حال آنطور که از شواهد و قرائن بر می‌آید، فشاری که عمدتاً متوجه دولت دوازدهم می‌شود، دیگر در مقوله تورم خلاصه نمی‌شود و مطالبه مردم و فعالان اقتصادی بهبود رونق اقتصادی و افزایش میزان اشتغال در سطح جامعه است و به نظر می‌رسد در چهار سال آینده شاهد کنترل کمتری بر نرخ تورم خواهیم بود تا از این طریق این امیدواری ایجاد شود که رشد اقتصادی نسبی در جامعه به واسطه تورم حاصل خواهد شد، که البته فرضیات و موانعی که در عمل وجود دارد باید به دقت کارشناسی شده و مورد بررسی قرار گیرد. در واقع به نظر می‌رسد دولت قصد دارد با فشار بیشتر بر بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، به هر نحوی آنها را مجاب به تبعیت از نرخ سود مصوب کند تا بخشی از منابع مالی به سمت بازارهای مولد همچون بازار سرمایه یا مسکن هدایت شود، با این حال خطر ورود این منابع به بازارهای سوداگرانه همچون ارز و سکه به شدت می‌تواند سیاست دولت را با مشکل مواجه کند. حال باید دید دولت بر سر این دوراهی تصمیم‌گیری چه تدبیری از خود نشان خواهد داد.

عوامل برهم‌زننده تعادل

یک مقام مسوول در بانک مرکزی با اشاره به روند کاهشی نرخ تورم در دولت یازدهم عنوان کرد که با وجود کاهش تورم، چسبندگی نرخ سود در نظام بانکی از معضلات عمده کشور محسوب می‌شود و با توجه به بانک‌محور بودن اقتصاد، این چسبندگی در سود موجب تحت تاثیر قرار دادن تامین مالی از مجرای بانکی شده است. پیمان قربانی، معاون اقتصادی بانک مرکزی از دستورالعمل جدید این بانک در رابطه با سود بانکی خبر داد و گفت که از هفته آینده بانک‌ها مکلف خواهند بود نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های یک‌ساله را حداکثر ۱۵ درصد و برای سپرده‌های کوتاه مدت و روزشمار تا ۱۰ درصد تعیین کنند. وی در نشست خبری روز گذشته که با محوریت سود بانکی برگزار شد با تشریح ابعاد دستورالعمل جدید بانک مرکزی در رابطه با سود بانکی، گفت: وجود موسسات غیر مجاز، فعالیت غیرمتعارف خودروسازان در جذب سپرده یا فعالیت برخی نهادهای مالی غیر بانکی، برخی عوامل بر هم‌زننده تعادل در سود بانکی بودند که در راستای رفع این موانع اقداماتی انجام شد که اهم آن اصلاح نظام بانکی است. قربانی همچنین از اعلام نرخ تورم در یکشنبه هفته آینده بر اساس سال پایه ۹۵ خبر داد و گفت: دستاوردهای تورمی دولت یازدهم همچنان ادامه دارد اما باید توجه داشت با وجود کاهش نرخ تورم یکی از معضلاتی که اکنون با آن مواجه هستیم چسبندگی نرخ سود در نظام بانکی است که از این جهت اهمیت دارد که اقتصاد ایران بانک‌محور است. وی افزود: چسبندگی نرخ سود باعث می‌شود سرمایه‌گذاری و تولید از این نرخ اثر منفی بپذیرند که البته بانک مرکزی و نظام بانکی همواره تلاش دارند در مبارزه با تورم حداکثر مساعدت را داشته باشند و با توجه به پرداخت منابع به بنگاه‌های کوچک و متوسط امسال نیز قرار است ۵۰۰ هزار میلیارد تومان به بنگاه‌های کوچک و متوسط و طرح‌های با پیشرفت بالای ۶۰ درصد تخصیص یابد. معاون اقتصادی بانک مرکزی گفت: کماکان نرخ سود برای بانک مرکزی بسیار مهم بوده و البته چسبندگی نرخ‌های سود نیز به عواملی همچون انجماد دارایی‌ها، موسسات غیر مجاز و برخی اقدامات جذب سپرده توسط برخی نهادهای خارج از بانک‌ها از جمله خودروسازان بستگی داشت که منجر شد کاهش نرخ سود با وقفه مواجه شود.

جزئیات نرخ جدید سود بانکی

قربانی در تشریح نکات مهم بخشنامه بانک مرکزی در خصوص نرخ سود خاطرنشان کرد: یکی از موارد مهمی که لازم است در این بخشنامه مورد توجه قرار گیرد آن است که از ابتدای روز شنبه یازدهم شهریور ماه تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری موظفند نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری یک‌ساله را که در ۱۴ تیرماه ۹۵ حداکثر ۱۵ درصد اعلام شده بود، به صورت دقیق رعایت کنند. وی افزود: ضمن اینکه نرخ سود علی‌الحساب مذکور برای سپرده‌های کوتاه‌مدت حداکثر ۱۰ درصد سالانه خواهد بود لذا از ۱۱ شهریورماه جاری هر گونه افتتاح حساب بلندمدت یک ساله نرخ سود علی‌الحساب حداکثر ۱۵ درصد خواهد داشت و نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های کوتاه‌مدت عادی روزشمار نیز حداکثر ۱۰ درصد سالانه خواهد بود. این مقام مسوول اظهار داشت: برابر موازین بانکداری اسلامی، نرخ‌های سود پرداختی به سپرده‌گذاران به صورت علی‌الحساب بوده و تسویه کامل آن صرفاً پس از تسویه کامل و محاسبه سود قطعی و کسر سود علی‌الحساب از آنها امکان‌پذیر خواهد بود. قربانی خاطرنشان کرد: ارائه هر گونه محصول و خرید جدید از سوی بانک‌ها و موسسه اعتباری منوط به تأییدیه و نیازمند تأییدیه بانک مرکزی است.

تکلیف قراردادهای قبلی چه می‌شود

قربانی تصریح کرد: کلیه قراردادهای نظام بانکی با سپرده‌گذاران تا پایان مدت قرارداد به قوت خود باقی است اما قابلیت تمدید با نرخ‌های قبلی را ندارد و بخشنامه بانک مرکزی ناظر بر سپرده‌هایی است که از ۱۱ شهریورماه به بعد منعقد خواهد شد، ضمن اینکه تمدید قراردادهای قبلی نیز باید در چارچوب نرخ‌های جدید باشد و افزایشی نیز در رقم موجودی سپرده‌های سرمایه‌گذاری که در گذشته انجام شده امکان‌پذیر نخواهد بود.

وی گفت: در صورتی که سپرده‌گذار قبل از پایان مدت قرارداد اقدام به برداشت یا بستن حساب خود کند نرخ علی‌الحساب سپرده‌گذاران با نرخ جدید کوتاه‌مدت که در بخشنامه جدید لحاظ شده، خواهد بود. به عبارت دیگر اگر فردی سپرده‌ای یک‌ساله دارد و می‌خواهد پیش از سررسید آن را برداشت کند، نرخ سود علی‌الحساب سپرده کوتاه‌مدت که ۱۰ درصد است به او اختصاص خواهد یافت. ضمن اینکه حداقل ماندگاری سپرده در حساب‌ها باید یک ماه باشد.

کاهش هزینه تامین مالی

معاون اقتصادی بانک مرکزی گفت: بانک مرکزی و نظام بانکی همواره تلاش کرده تا طی سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به مقوله تولید و اشتغال داشته باشد و به همین منظور عملکردی مناسب در خصوص تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط صورت گرفته است که امسال نیز در بخشنامه‌های بانک مرکزی گام‌های بلندتری را برخواهد داشت، ولی در کنار این مقوله، تامین سود هزینه تامین مالی را برای اقتصاد ایران بالا می‌برد و به همین دلیل باید مجموعه اقداماتی صورت گیرد. وی تصریح کرد: طرح اصلاح نظام بانکی که یک مقوله کوتاه‌مدت هم نیست، در دستور کار قرار گرفته که از سال گذشته مقدمات آن فراهم شده است ضمن اینکه در زمینه معضل موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز نیز بانک مرکزی با برخورد جدی وارد عمل شده و توانسته این معضل را حل کند به نحوی که این موسسات همچون گذشته موجب اختلال در نظام بانکی نخواهند بود و در ماه‌های بعد کشور از وجود آنها پاک خواهد شد. قربانی به هماهنگی در بازار پول و سرمایه اشاره کرد و آن را به عنوان یکی از عوامل کاهش نرخ سود بانکی دانست و خاطرنشان کرد: در خصوص سحاب نیز هماهنگی‌هایی در حال انجام است ضمن اینکه بانک مرکزی به بازار بین بانکی نیز ورود جدی داشته است که همین امر سبب شده نرخ‌های سود در بازار بین بانکی نیز در روزهای اخیر به محدوده ۱۸ تا ۱۹ درصد کاهش یابد و این کاهش نیز کماکان در حال انجام است. معاون اقتصادی بانک مرکزی ادامه داد: تصمیم مهمی که طی هفته‌های گذشته در بانک مرکزی اتخاذ شد، تبدیل اضافه برداشت بانک‌ها به خطوط اعتباری بود که در این زمینه روی حوزه‌های نظارتی بانک مرکزی انجام شد، نرخ‌های سود تسهیلات و خطوط اعتباری که به جای اضافه برداشت در اختیار بانک‌ها قرار گرفته به ۱۸ درصد کاهش یافت و اگر این روند همواره ادامه یابد، به ۱۶ درصد هم خواهد رسید اما مشروط به منابع و مصارف است. وی خاطرنشان کرد: در این زمینه تلاش شده نرخ‌های سود مثبت باشد یعنی سپرده‌گذاری در نظام بانکی تورم را جبران کرده و قدرت خرید سپرده‌های مردم به خوبی حفظ خواهد شد، ضمن اینکه برای تسهیلات‌گیرندگان نیز هزینه تامین مالی کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر منافع سهامداران حفظ خواهد شد که در این راستا تصمیماتی که در بانک مرکزی اتخاذ شد، دارای آثار مثبتی در بازار سرمایه خواهد بود و رونق را در زمینه تولید و اشتغال فراهم می‌آورد.

نسخه فوری نجات بانک‌ها

در این رابطه یک اقتصاددان با اشاره به بدهی دولت به عنوان درد امروزه شبکه‌های بانکی اعلام کرد: نسخه فوری نجات بانک‌ها، پرداخت بدهی دولت است. غلامرضا سلامی گفت: دولت هیچ‌گاه فکر اساسی برای تبدیل بدهی خود به بانک‌ها و فعالان اقتصادی نکرده است. اگرچه دولت اقدام به انتشار اسناد خزانه کوتاه‌مدت با نرخ بهره خیلی بالا کرد، این کار نه تنها مشکل را حل نکرده، بلکه به مشکلات نیز دامن زده است. وی افزود: بانک‌ها می‌گویند یکی از رقبای ما اوراق اسناد خزانه است که با نرخ ۲۳، ۲۴ درصد در بازار معامله می‌شود، بنابراین دیگر کسی سراغ ما نمی‌آید. بر این اساس، برای ایجاد بازار بدهی با این‌که راه نیز در اختیار دولت گذاشته شد، اما متأسفانه راه را اشتباه رفت. سلامی به خبرنگار آلاین گفت: بانک‌ها حتماً موافق کاهش نرخ سود بانکی هستند، زیرا آنها تفاوت بین نرخ سود دریافتی و پرداختی را در نظر می‌گیرند، بنابراین هر چه نرخ سود سپرده پایین آید، نرخ سود تسهیلات هم پایین خواهد آمد.

این کارشناس اقتصادی اظهار کرد: اگر از تسهیلات‌گیرنده ۲۵ تا ۳۰ درصد سود بگیریم، بعد از دو سال این رقم دو برابر می‌شود و به همین دلیل پرداخت آن خیلی سنگین خواهد شد. این در حالی است که کسانی که واقعا کسب‌وکار دارند، چنین درآمدی را نمی‌توانند ایجاد کنند. بر این اساس، هم به صلاح بانک‌هاست که نرخ بهره را پایین آورند، هم به نفع‌شان است و هم به صلاح کل اقتصاد کشور. سلامی با اشاره به دلایل عدم کاهش نرخ سود در شبکه بانکی، اظهار کرد: در شرایط کنونی آشکار است که کاهش نرخ سود بانکی اجرا نمی‌شود و عامل آن این است که بانک‌ها با تنگنای اعتباری مواجه شده‌اند و مطالبات‌شان وصول نمی‌شود؛ این در شرایطی است که بدهی‌های خود را نیز باید پرداخت کنند. در واقع سود سپرده‌های مردم را باید بانک‌ها پرداخت کنند. وی افزود: بانک برای این‌که اعتبار خود را حفظ کند، سود سپرده‌های بالا می‌دهد. بر این اساس، یک کلاف سردرگم اتفاق افتاده و این ناشی از رکودی است که بر اقتصاد حاکم است. این‌که گفته می‌شود وقتی نرخ تورم پایین می‌آید، نرخ بهره نیز باید کاهش یابد، درست است و این یک قاعده است، اما استثناهایی هم وجود دارد؛ وقتی وضع اقتصادی دریافت‌کنندگان تسهیلات بابت کسب‌وکارشان خوب نیست و نمی‌توانند تعهدات خود را نسبت به بانک ایفا کنند، بانک‌ها ناچار می‌شوند نرخ سود بانکی را بالا ببرند. نرخ سپرده هم که بالا رود، نرخ تسهیلات بالا می‌رود و این روند به همین شکل ادامه پیدا می‌کند. سلامی تصریح کرد: این مُسکن به طور کلی برای یک دوره موقت لازم است، اما به شرطی که درمان ادامه پیدا کند و درمان اصلی شروع شود. این اقتصاددان خاطرنشان کرد: هم‌اکنون بدهی دولت معادل تولید ناخالص ملی کشور و معادل هزار میلیارد تومان است. البته وزارت امور اقتصادی و دارایی گفته نزدیک به ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت است. این رقم خیلی نگران‌کننده است. به عبارتی، پول بانک به طور مستقیم و غیرمستقیم دست دولت است، بنابراین پولی برای بانک نمی‌ماند که اعتبار جدید به فعال اقتصادی بدهد و زمانی که کمبود منابع وجود داشته باشد، بالطبع نرخ سود بانکی بالا می‌رود. وی ادامه داد: همه این موارد به طور زنجیره‌وار به یکدیگر مرتبط هستند. تا زمانی که دولت به بخش خصوصی و غیردولتی و نیز فعالان اقتصادی و بانک‌ها بدهکار است، روزه‌روز بزرگ‌تر می‌شود، چون روزه‌روز بخش‌های دیگر ورشکست می‌شوند و در حقیقت توان خود را از دست می‌دهند و توان توسعه‌ای ندارند. بر این اساس، دولت ناچار می‌شود که جور توسعه را بکشد. سلامی گفت: اگر دولت عزم خود را جزم کند که بدهی خود را به فعالان اقتصادی، بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی پرداخت کند، بخش زیادی از مشکلات حل می‌شود. این کارشناس اقتصادی با اشاره به گزارش‌های مختلفی که درباره ورشکستگی بانک‌ها منتشر می‌شود، گفت: به طور کلی وقتی که بانک‌ها نتوانند مطالبات‌شان را وصول کنند و درآمد نداشته باشند، دچار چالش می‌شوند. به نظر می‌رسد جلوی این وضعیت را می‌شود گرفت اما اگر این روند ادامه پیدا کند، این امکان وجود دارد که بانک‌ها به سمت ورشکستگی بروند.

روزنامه دنیای اقتصاد/ چهارشنبه ۹۶/۰۶/۰۱ شماره ۴۱۳۶ صفحه ۲

در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

مدل ترکیه در مهارت‌سازی صنعتی

دنیای اقتصاد: بحران اقتصادی جهانی و نوآوری‌های سریع فناوری که سبب تجدید سیستم‌های تولید در بخش صنعت شد تاثیر عظیمی بر بازار کار داشته است؛ روندی که موجب شد تا از منظر دقیق‌تر نه تنها بیکاران بلکه حتی شاغلان نیز نیازمند بهبود مهارت‌های شغلی خود و همگامی با فناوری‌های جدید شوند. رویکرد کشورها نسبت به مقوله بیکاری در مناطق مختلف جهان متفاوت است که سبب اتخاذ سیاست‌های مختلفی برای غلبه بر این بحران می‌شود؛ در این خصوص ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهایی که بعد از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۹ با بحران جدی بیکاری مواجه

شد برای عبور از این بحران، بهبود و ارتقای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را به منظور غلبه بر مشکل روزافزون بیکاری و تولید در دستور کار قرار داد. صرف‌نظر از عملکرد اقتصادی و توسعه منابع انسانی میان کشورها آنچه از آن به‌عنوان چالشی مشترک میان کشورها یاد می‌شود ورود جوانان به عرصه‌های اقتصادی و ممانعت از بیکاری این قشر است. اگرچه اغلب دلایل این بیکاری مشخص شده اما هنوز راه حل قطعی برای این مشکل با وجود توجه روزافزون بخش دولتی و سازمان‌های خصوصی پیدا نشده است. آنچه مسلم است بیکاری جوانان خود نمایانگر عدم کارکرد درست سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی است. فقدان مهارت‌های مناسب منطبق با نیازهای بازار کار و عدم هماهنگی ظرفیت‌های دانشگاهی با نیاز بازار از جمله مهم‌ترین مشکلات آموزشی است که منتج به بیکاری می‌شود.

براساس گزارشی که از سوی بازوی پژوهشی بخش خصوصی گردآوری شده است، می‌توان گفت رویکرد کشورهای نسبت به مقوله بیکاری در مناطق مختلف جهان متفاوت است به همین دلیل سیاست‌های مختلفی برای غلبه بر این بحران اتخاذ می‌شود. در این زمینه برخی از کشورهای جهان، از رویکرد ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق افزایش پویایی در صنایع خود بهره می‌برند؛ در حالی که سایر کشورها از سیاست حمایت از توریسم و سرمایه‌گذاری روی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور تقاضاهای بخش صنعت استفاده می‌کنند. با توجه به پویایی شهر استانبول، سیاست‌گذاران ترک به این نتیجه رسیدند که بهترین و عینی‌ترین راه‌حل برای غلبه بر بیکاری در این شهر گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. استانبول به‌عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای ترکیه که ۲۵ درصد از درآمد ملی این کشور را تولید می‌کند حتی از نرخ بیکاری بالاتر از متوسط کشور ترکیه برخوردار است. اعضای اتاق استانبول ۲۲ درصد از تولید ناخالص ملی ترکیه و ۴۴ درصد از درآمدهای مالیاتی ترکیه را ایجاد می‌کنند، همین موضوع سبب شد تا اتاق استانبول به منظور ایجاد اشتغال در این شهر و غلبه بر مشکل بیکاری به فکر چاره‌جویی باشد. از جمله اقدامات اتاق بازرگانی استانبول در این زمینه مشارکت و حمایت از اجرای پروژه اداره تخصیص دوره‌های آموزشی شغلی (OZIMEK) بود که در سال ۲۰۰۷ اجرای آن آغاز شد.

با همکاری اداره مدیریت استانی استانبول، اداره استانی آموزش ملی ترکیه، اتاق بازرگانی استانبول و اداره اشتغال ترکیه برای استان استانبول انجام شد، یکی از این تلاش‌های مشترک بخش خصوصی و دولتی برای حل مشکل بیکاری در استانبول از طریق ارائه دوره‌های آموزش شغلی به طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی بود. هدف اصلی پروژه (OZIMEK) حفاظت، توسعه و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از طریق زمینه‌سازی تحصیل در سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای برای افراد مختلف جویای شغل است. پروژه OZIMEK مشتمل بر برگزاری دوره‌های آموزشی برای همه کسانی است که از حق تحصیل محروم شده و به دنبال بهبود مهارت‌های حرفه‌ای خود برای تغییر شغل یا کسب شغل جدید هستند. آمار اعلام شده از روند اجرای این شاخص بیانگر افزایش قابل ملاحظه شرکت‌کنندگان در این پروژه در کوتاه‌مدت است. در بلندمدت نیز این پروژه تاثیر زیادی بر اشتغال و جایگاه‌های شغلی در استانبول داشته است، نتایج حاصل از یک نظرسنجی که از سوی اتاق بازرگانی استانبول منتشر شده بیانگر آن است که از ۱۱,۲۸۸ نفر از فارغ التحصیلان این پروژه ۴ / ۲۴ درصد از شرکت‌کنندگان بیکار موفق به یافتن شغل شدند، ۱ / ۱۵ درصد از کارآموزانی که شاغل بودند موفق به تغییر شغل خود شدند و ۶ / ۳۹ درصد از فارغ‌التحصیلان درآمد خود را افزایش دادند. در نتیجه مشارکت سازنده و پاسخگویی‌های به موقع، این پروژه موفق شد امید نسل جوان استانبول را به زندگی در کلان‌شهر استانبول حفظ کند. در واقع روشن‌ترین نتیجه OZIMEK را می‌توان ایجاد امید در کارآموزان برای یافتن شغل مناسب یا درآمد بیشتر دانست. از سوی دیگر پروژه OZIMEK در شناسایی عرضه و تقاضا در حوزه آموزشی بسیار موفق عمل کرده و با تجزیه و تحلیل پروژه İSMEK و BELTEK دوره‌های خود را بدون تقلید و کپی از روی آنها انتخاب کرد. همچنین این کشور سعی کرده تا پروژه‌هایی برای دوری از رقابت غیرضروری با بخش خصوصی در نظر گیرد تا به این طریق از ارائه دوره‌هایی که سایر موسسات آموزش فنی و حرفه‌ای به خوبی پوشش داده‌اند خودداری شود.

ترکیه و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

سوال اساسی سیاست‌گذاران و مجریان سیاستی و مخصوصاً بخش خصوصی در ترکیه در حوزه آموزش‌های شغلی این موضوع است که ترکیه چگونه می‌تواند پتانسیل‌های پنهان نیروی کار خود را که بیش از نیمی از جمعیت نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند به تحرک وادارد. به‌طور کلی به‌دلیل پیچیدگی سیستم آموزش ملی در ترکیه وزارت آموزش ملی امور مرتبط با این وزارتخانه را با همکاری برخی از نهادهای دیگر انجام می‌دهد. از جمله این نهادها می‌توان به کنفدراسیون تجار و صنعتگران ترکیه، اتحادیه اتاق‌های بازرگانی و بورس کالای ترکیه، اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی، شورای تحقیقات فناوری و علمی ترکیه و اداره اشتغال ملی ترکیه اشاره کرد.

اداره اشتغال ملی ترکیه مسوولیت اصلی ارائه خدمات به افراد بیکار ثبت نام شده در ۱۰۹ دفتر موجود این اداره در ۸۱ استان را بر عهده دارد. برنامه‌های آموزشی مهم‌ترین برنامه این نهاد برای ایجاد تحرک در بازار کار است. اکثر دوره‌های آموزشی ارائه شده دوره‌های آموزش شغلی عمومی است که طیف وسیعی از مشاغل را پوشش می‌دهد. دوره‌ها معمولاً رایگان هستند اما هر کارآموز فقط حق شرکت در یک دوره مورد حمایت از سوی اداره اشتغال ملی ترکیه را در بازه زمانی ۵ سال دارد. علاوه بر این دولت ترکیه به منظور توسعه و بهبود آموزش‌های شغلی در این کشور طرح‌ها و سندهای استراتژیک زیادی را نیز به تصویب رساند. از آن جمله می‌توان به سند استراتژیک وزارت آموزش ملی ترکیه، استراتژی ملی برای آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای، استراتژی تحصیلات عالی ترکیه، استراتژی آموزش مادام‌العمر ملی، طرح عملیاتی برای تقویت رابطه میان آموزش و اشتغال، استراتژی اشتغال ملی و طرح عملیاتی برای برابری جنسیتی اشاره کرد.

اهمیت آموزش‌های شغلی در دنیا

یک چالش مشترک میان همه کشورهای صرف‌نظر از عملکرد اقتصادی و توسعه منابع انسانی آن کشور، ورود جوانان به اقتصاد است. بر اساس آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۱۶ نرخ جهانی بیکاری جوانان ۱۲/۵۶ درصد بود. هرچند خاورمیانه و آفریقای شمالی بالاترین نرخ بیکاری جوانان را با ۳۷/۳۰ درصد دارند اما این به آن معنی نیست که آمار اروپا رضایت‌بخش است. نرخ بیکاری جوانان در اتحادیه اروپا در همان سال ۸۹/۲۰ درصد و بالاتر از بیکاری کل در این قاره بود. اگرچه اغلب دلایل این بیکاری مشخص شده اما هنوز راه حل قطعی برای این مشکل با وجود توجه روزافزون بخش دولتی و سازمان‌های پیشرو پیدا نشده است. آنچه مسلم است بیکاری جوانان خود نمایانگر عدم کارکرد درست سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی است. این موضوع همچنین نشان‌دهنده عدم تخصیص مناسب بودجه دولتی است که در نتیجه تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان در جست‌وجوی کار در نهایت شغلی به جز آنچه که برای آن آموزش دیده‌اند را برمی‌گزینند. توسعه مهارت‌ها برای رشد و پایداری همه اقتصادهای در حال توسعه امری حیاتی است. نتیجه آنکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دنیای امروز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در تحقیقات در رابطه با منافع آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای (VET) در سال‌های اخیر رشد زیادی داشته است. در واقع با توجه به اینکه اینگونه آموزش‌ها به منظور آماده‌سازی افراد برای شغل آینده یا یک پیشه تخصصی طراحی شده‌اند بنابراین به‌طور مستقیم با بهره‌وری و رقابت‌پذیری یک کشور در ارتباط هستند. اما این تنها مزایای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیست.

بر اساس یک تقسیم‌بندی که از سوی مرکز اروپایی برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام شد مزایای این آموزش‌ها به دو دسته اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌شود که هر دو این موارد هم در سه سطح خرد، کلان و میانی بررسی می‌شوند. در سطح اقتصادی و به لحاظ کلان اقدامات صورت گرفته بازده اقتصادی و اثرات بر بازار کار را به همراه دارد. اثراتی که در بخش میانی مشمول عملکرد شرکت‌ها و بهره‌وری نیروی کار می‌شود، همچنین در سطح خرد نیز در این بخش شاهد منافع آموزش و پرورش شغلی برای افراد هستیم. اما در بعد اجتماعی نیز در سطح کلان می‌توان گفت اثرات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر نسل‌های درون یک خانواده و اینکه چگونه خانواده بر توسعه مهارت‌ها

تاثیر می‌گذارد، اشاره کرد. از سوی دیگر سطح میانی نیز در این بعد مشمول گروه‌های حاشیه‌ای و با شرایط مساعد از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود. سومین سطح نیز که در برگیرنده سطح خرد می‌شود، اثراتی در رفاه شخصی و بهبود کیفیت زندگی دارد. با وجود نقش حیاتی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مباحث توسعه، هنوز این موضوع با چالش‌های جدی در سراسر دنیا روبه‌رو است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود ساختارهای آموزشی، حقوقی و تسهیلاتی، نداشتن همکاری میان بخش خصوصی و بخش آموزشی و در آخر مشکلات مالی اشاره کرد. مطالعات مرکز اروپایی برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بیشتر با هدف آگاهی‌بخشی به تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران عرصه اقتصادی و ارائه مسیر نو برای طرح سیاست‌های جدید در این زمینه است.

روزنامه گسترش صمت / پنج‌شنبه ۹۶/۰۶/۰۲ شماره ۸۴۷ صفحه ۷

رشد تجارت تولید را به حرکت در می‌آورد

منیر حضوری: در ۴ ماه اول امسال واردات از صادرات پیشی گرفت و باعث شد تراز تجاری کشور ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار منفی شود. بر اساس آمار گمرک مجموع تجارت خارجی ما حدود ۲۹/۲۷۲ میلیارد دلار بوده، ۸/۱۵ میلیارد دلار تومان واردات داشتیم که نشان از رشد حدود ۲۴ درصدی است. میانگین نرخ واردات ۱۳۹۹ دلار در هر تن بوده که از نظر ارزشی ۹ درصد رشد داشته اما از نظر وزنی ۲۳/۹۷ درصد رشد داشته است. صادرات ما هم حدود ۱۳/۵ میلیارد دلار بوده که ۹/۵ درصد نسبت به همین زمان در سال قبل رشد منفی داشته است. تجارت جاده دو طرفه است به این معنی که ما باید صادرات و واردات را در کنار هم داشته باشیم. در این شرایط واردات سهم خود را افزایش داده اما اشکال در این است که چرا صادرات نتوانسته جایگاه خود را حفظ کند و سهم بیشتری بگیرد. این در حالی است که تراز تجاری ایران در سال گذشته بعد از مدت‌ها مثبت شده بود و آمار صادرات از واردات پیشی گرفته بود.

کاهش صادرات ارزشی است

مسعود دانشمند، عضو هیات رئیسه خانه اقتصاد درباره افزایش واردات و کاهش صادرات در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: صادرات از نظر وزنی خیلی تغییر نکرده بلکه از نظر ارزشی کاهش یافته است. بر اساس آمارها صادرات از نظر وزنی ۲/۵ درصد رشد داشته ولی از نظر ارزشی ۹/۵ درصد کاهش داشته است. این مسئله هم خیلی دست ما نیست بلکه تحت تاثیر نرخ جهانی کالاهاست. وقتی نرخ کالاهای کاهش پیدا می‌کند برای همه دنیا اتفاق می‌افتد و خاص یک کشور نیست. او با اشاره به اینکه به رشدی که انتظار داشتیم نرسیده‌ایم بیان کرد: اگر صادرات مان را بخواهیم با ۴ ماه سال قبل مقایسه کنیم می‌بینیم که خیلی تغییر نکرده اما مسئله اصلی این است که واردات کالاهای مصرفی مان افزایش یافته است. در این بین اگر واردات کالاهای واسطه‌ای افزایش پیدا کند مشکلی نیست و نگرانی ندارد به این دلیل که آنها به خط تولید وارد می‌شوند اما کالای آماده و مصرفی وقتی افزایش پیدا کند ایراد دارد. دانشمند به طور مثال به واردات خودرو اشاره کرد و گفت: چند وقتی است که واردات خودرو به کشور افزایش یافته است، نمونه آن هم انواع خودروهای است که در داخل شهر می‌بینید. در این بین وقتی حجم واردات افزایش یابد و صادرات تغییری نکند طبیعی است که تراز بازرگانی منفی شود. عضو هیات رئیسه خانه اقتصاد به عنوان راهکار اظهار کرد: جلوی واردات را نمی‌شود گرفت چراکه اگر این اتفاق بیفتد کالای قاچاق افزایش پیدا کرده و ما از راه غیرقانونی اجازه می‌دهیم کالا وارد شود در حالی که باید کاری کنیم تولیدمان از حالت رکود خارج شود و افزایش یابد. او تاکید کرد: باید تدابیری بیندیشیم که کالای داخلی مصرف شود. در این راه نخستین قدم برای خروج از رکود و افزایش صادرات این است که صنایع کوچک و متوسط به سمت تولید بروند تا مشکلاتشان را حل کنند.

ضعف تولید، عامل افزایش واردات

محمد مهدی رئیس‌زاده، دبیرکل انجمن صنایع نساجی ایران در گفت‌وگو با صمت ضمن اشاره به آمار رسمی واردات و صادرات اظهار کرد: در ۴ ماه اول سال ۹۶ بر اساس آمار رسمی گمرک کل صادرات غیرنفتی ۱۳ میلیارد و ۴۵۹ میلیون دلار بوده که نشان می‌دهد صادرات ما نسبت به سال قبل ۵۴/۹ درصد کاهش داشته است. کل واردات ما هم ۱۵ میلیارد و ۸۱۳ میلیون دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۳/۹۷ درصد رشد داشته است. او سپس به رشد واردات در حوزه نساجی اشاره و تصریح کرد: در بخش پارچه ما دچار کمبود هستیم در نتیجه واردات افزایش یافته است. در بخش پوشاک افزایش واردات داشته‌ایم که البته رقم آن جزئی است و چیزی حدود ۱۲ میلیون دلار است اما آنچه نگران‌کننده است افزایش واردات پوشاک از راه‌های قاچاق است.

رئیس‌زاده افزایش واردات پارچه را از جهت دیگری مثبت دانست و بیان کرد: این امر نشان مثبتی از رشد تقاضاست که اندکی تحریک بازار را در مقایسه با سال قبل نشان می‌دهد. در بخش پارچه کل ظرفیت داخلی ما ۷۰ درصد تقاضای بازار را می‌تواند پاسخ بدهد بنابراین اندکی کمبود داریم که باید منجر به واردات شود البته بحث‌هایی مثل مد هم مطرح است که باعث می‌شود از واردات کالا استقبال شود. او در ادامه واردات کالاهای مصرفی به کشور را امری منفی دانست و اظهار کرد: طبق آمار واردات انواع ماشین‌آلات ما ۱۷۳ میلیون دلار بوده که اتفاق مثبتی است. در واقع هرچه کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات وارد کنیم اگر مرتبط با فناوری روز باشد چیز خوبی است اما آنچه مضر است در مواردی است که ما کالای مصرفی را وارد می‌کنیم در حالی که تولیدات داخلی داشته‌ایم. وقتی وارداتی در آن حوزه داشته باشیم موجب بسته شدن واحدهای تولیدی داخلی می‌شود و آن وقت است که به اقتصاد کشور ضربه می‌زنیم. او تأکید کرد: برای حل این مشکل ما باید واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی را از هم تفکیک کنیم یعنی بینیم چه بخشی کالاهای سرمایه‌ای، ماشین‌آلات، واسطه‌ای و چه بخشی کالاهای مصرفی هستند. دبیرکل انجمن صنایع نساجی ایران ادامه داد: وقتی تولید داخلی نداریم طبیعی است که واردات افزایش پیدا می‌کند. این افزایش نشان از این دارد که اگر همان کالا را در داخل تولید کنیم می‌تواند رونق بگیرد و منجر به صادرات بیشتر شود.

دلایل منفی شدن تراز تجاری ایران

محمد لاهوتی، رئیس کنفدراسیون صادرات در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: افت شدید صادرات به امارات و هند بوده که این اتفاق را مثبت ارزیابی می‌کنم، چراکه این بازارها واسطه‌ای بودند که ما معمولاً کالاهایمان را در زمان تحریم صادر می‌کردیم. هند به دلیل بدحسابی‌هایی که با تاجران ایرانی کرده سهمش کاهش پیدا کرده و صادرات به امارات به دلیل کاهش تحریم‌ها و مراودات مستقیم با کاهش مواجه شده است. لاهوتی اضافه کرد: امارات در عمل خریدار کالا نیست و بیشتر واسطه‌ای بوده که در زمان تحریم به آن بازار و از آن بازار به کشورهای دیگر کالاهای ما صادر می‌شد اما اکنون صادرات به صورت مستقیم انجام می‌شود که اتفاق مثبتی است، چون حذف واسطه در تجارت کاهش نرخ را در پی دارد. همچنین بازارهای صادراتی‌مان به ترتیب چین، عراق، امارات، کره جنوبی و هند بوده‌اند و بازارهای وارداتی‌مان چین، امارات، کره، ترکیه و هند بوده‌اند که مهم‌ترین نکته آن حضور کره جنوبی در میان ۵ کشور اول صادرات و واردات است.

روزنامه جهان صنعت / پنجشنبه ۹۶/۰۶/۰۲ شماره ۳۷۱۳ صفحه ۳

چرخش اقتصادی دولت دوازدهم

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- اتخاذ سیاست‌های جدید از سوی بانک مرکزی به فاصله چند روز پس از روی کار آمدن دولت دوازدهم به طور آشکارا نشان‌دهنده یک چرخش سیاسی از سوی این نهاد ناظر و همچنین تیم اقتصادی دولت است و به نظر می‌رسد برنامه‌های در نظر گرفته شده برای چهار سال آینده با تغییرات و سختگیری‌های بسیاری

نسبت به دولت اول حسن روحانی همراه خواهد بود. صدور ابلاغیه‌ها و اطلاعیه‌ها برای اجرای طرح‌های یادشده که بانک‌های خصوصی، دولتی و موسسات مالی و اعتباری کشور را هدف قرار گرفته‌اند به خوبی این سیگنال را می‌رسانند که دولت دوازدهم تاکید زیادی بر اجتناب از رقابت‌های ناموجه بین بانک‌ها و موسسات اعتباری در جذب سپرده‌ها دارد و سعی می‌کند به هر قیمتی که شده، نقدینگی را به بازارهای مولد هدایت و از ورود آنها به بازارهای سوداگرانه جلوگیری کند. این در حالی است که به‌طور مشخص سیاست‌های اقتصادی دولت یازدهم برپایه سیاست‌های انقباضی بنا شده بود؛ وزارت اقتصاد و بانک مرکزی نیز تمام تلاش خود را برای عدم ورود منابع مالی به بازارهایی چون ارز، سکه و بازارهای سیاه به کار بستند و در این راه، دست بانک‌ها را برای جذب نقدینگی باز گذاشتند تا از طریق اعطای سودهای بالا، مردم مجاب به سپرده‌گذاری در بانک‌ها و موسسات شوند تا به این طریق، کنترل و مقابله با نرخ تورم با سهولت بیشتری صورت پذیرد. هرچند اتخاذ سیاست‌های انقباضی از سوی دولت تنها به سکون پول‌های درشت در جامعه منجر شد و راهکار مناسبی برای هدایت این منابع به سمت بازارهای مولد و صنعتی کشور تدارک دیده نشده بود که نتیجه آن بروز رکود در بسیاری از بخش‌های اقتصادی کشور بود و انتقادات فراوانی را متوجه دولت در سال‌های پایانی حیاتش کرد. به همین دلیل دولت دوازدهم با یک چرخش سیاسی و با هدف بازگرداندن رونق به جامعه پای در کارزار نهاده است و با توجه به قرارگیری گزینه‌های جدید در وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و همچنین تشکیل یک معاونت جدید اقتصادی زیر نظر ریاست‌جمهوری و جا به جایی‌هایی که به فاصله چند ساعت پس از شروع به کار کابینه دوازدهم صورت گرفت، به نظر می‌رسد عزم دولت برای اجرای سیاست‌های جدید انبساطی جزم شده است.

موضوع‌گیری نسبت به صندوق‌های سرمایه‌گذاری

به نظر می‌رسد اعمال نرخ ۱۵ درصدی سود علی‌الحساب سپرده یک‌ساله از سوی بانک‌ها و ابلاغ بخشنامه هشت بندی الزامات سود بانکی از سوی بانک مرکزی، قدم اول برای رسیدن به اهداف اقتصادی پیش‌بینی شده خواهد بود و این در حالی است که تا پیش از این رییس کل بانک مرکزی و معاونان وی به خوبی نسبت به تخطی بانک‌ها از نرخ سود مصوب در سال گذشته آگاه بودند ولی با باز گذاشتن دست بانک‌ها و عدم اعمال سختگیری و فشار، سیاست‌های محتاطانه‌تری را در پیش گرفته بودند. اما اکنون شیوه پرداخت سود به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار با جدیت بیشتری دنبال خواهد شد و عملکرد بانک‌ها باید به گونه‌ای باشد که نرخ موثر سود پرداختی در چارچوب مقررات بانکداری بدون ربا، درخصوص نحوه تعیین نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار و بخشنامه بانک مرکزی صورت پذیرد. همچنین در این بخشنامه آمده است که نرخ‌های سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت نیز مشمول نرخ سود علی‌الحساب مقرر است، در واقع آنگونه که صندوق‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها با پشتوانه نام بانک، در بازارهای سرمایه، اوراق بدهی و به طریقی دیگر به دنبال جذب سود و اعطای آن به مشتریان خود هستند و جذابیت سرمایه‌گذاری در چنین طرح‌هایی نسبت به سپرده بانکی بیشتر است، طبیعی خواهد بود که مردم پول خود را از بانک خارج نخواهند کرد و در قالب طرح‌هایی در صندوق‌های سرمایه‌گذاری با سودهایی که بعضاً به بیش از ۲۳ درصد هم می‌رسد، نزد بانک به امانت خواهند گذاشت. بنابراین بانک مرکزی برای نشان دادن جدیت خود در اجرای نرخ سود مصوب ۱۵ درصدی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت بانک‌ها را نیز مشمول نرخ سود علی‌الحساب مقرر کرده است و به این طریق راه را برای اعطای سود بالا به سپرده‌گذاران توسط بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری خواهد بست. در واقع در حال حاضر بانک مرکزی علیه صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت موضع گرفته و مسوولان این نهاد سیاستگذار عقیده دارند که این صندوق‌ها باعث می‌شوند نرخ‌های بهره به سمت پایین چسبیده باشند. قابل توجه است که اکثر مشتریان صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت در بانک‌ها مشتریان ریسک‌گریزی هستند.

محدود کردن فعالیت بانک‌ها در بازار سرمایه

با این حال دولت و بانک مرکزی پا را از این هم فراتر گذاشته‌اند و برای نتیجه‌بخش بودن سیاست‌های اقتصادی خود، سعی در محدود کردن بانک‌ها برای فعالیت در معاملات ثانویه اوراق بهادار در بورس دارند. به همین دلیل بانک مرکزی با صدور اطلاعیه‌ای تمام بانک‌ها و موسسات مجاز کشور را مکلف کرد تا از معامله ثانویه اوراق بهادار در بورس خودداری کنند. بر این اساس هماهنگی صورت گرفته با سازمان بورس و اوراق بهادار، مقرر شده است کلیه معاملات ثانویه اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار اسلامی (صکوک) از قبیل اوراق مرابحه و اسناد خزانه اسلامی صرفاً در بازارهای متشکل اوراق بهادار تحت نظارت سازمان بورس و با رعایت مقررات این بازارها صورت پذیرد. در واقع از امروز، بانک‌ها و موسسات اعتباری مجاز به انجام معاملات ثانویه هیچ‌یک از انواع اوراق مالی اسلامی در خارج از بازارهای فوق نیستند. به باور کارشناسان انتشار اسناد خزانه اسلامی بانکی به دلیل بازدهی بیشتر موجب شده تا جذب نقدینگی در بورس کاهش پیدا کرده و دادوستد «سخاب» در بازاری غیرمتشکل و خارج از مکانیسم عرضه و تقاضا با سود بیش از ۳۵ درصد انجام شود که این موضوع ریسک‌های خاص خود را دارد. در طول سال‌های گذشته، دولت یازدهم که گفته می‌شود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد، راه‌حل را در انتشار اوراق بدهی یافت. با این کار با تایید مجلس انتشار اوراق بدهی به نام اسناد خزانه اسلامی آغاز شد و دولت این اوراق را از طریق شبکه بانکی تحت نام «سخاب» منتشر کرد. اما به دلیل انتشار این اوراق خارج از سامانه نظارتی فرابورس، نرخ سود این اوراق به شدت افزایش یافته است چراکه تابلویی برای قیمت‌گذاری شفاف این اسناد وجود ندارد و در نتیجه نرخ سود این اوراق به بیش از ۳۵ درصد و حتی به مرز ۴۰ درصد هم رسیده است. به واسطه همین روند نگرانی‌های زیادی ایجاد شده و به نظر می‌رسد تیم اقتصادی دولت دوازدهم قصد دارد جلوی تبعات و نتایج منفی این طرح شکست‌خورده را به هر قیمتی که شده، بگیرد. بنابراین به نظر می‌رسد دولت دوازدهم با قرار دادن برخی مهره‌های اقتصادی جدید در کابینه خود و همچنین تغییر در سیاست‌های کلان خود به دنبال تسلط و کنترل بیشتر بر سیستم بانکی کشور است و با بستن روزه‌های امید بانک‌ها برای جذب سپرده‌های مردمی، قصد دارد جریان نقدینگی موجود در جامعه را از شبکه بانکی خارج و به سمت بازارهای مولدی همچون صنعت، معدن، مسکن یا دیگر بخش‌های اشتغالزا و محرک اقتصادی سوق دهد. به نظر می‌رسد راهی که دولت و بانک مرکزی برای نیل به این اهداف در پیش گرفته‌اند، مسیری پرچالش و دشوار خواهد بود و با کوچک‌ترین لغزشی می‌تواند دستاوردهای دولت را بر باد دهد.

سیاست‌های انبساطی در بازار پول

ابراهیم جمیلی- *رئیس خانه اقتصاد ایران

دولت دوازدهم همه تلاش خود را در راستای پیشبرد سیاست‌های انقباضی اقتصاد در پیش گرفته بود. این در حالی است که هر روز اخباری مبنی بر سیاست‌های مالی متفاوتی در دولت دوازدهم به گوش می‌رسد. کاهش جدی سود سپرده بانک‌ها و از سوی دیگر منع بانک‌ها از حضور در بازار ثانویه بورس همگی خبر از سیاست‌های انبساطی دولت می‌دهند. اما این سیاست‌های انبساطی به گونه‌ای چرخشی یکباره در روش و نگاه اقتصادی دولت است. نگاهی که در چهار سال قبل در راستای مدیریت و مهار تورم با رویکردی انقباضی، یک دوره طولانی‌مدت رکود و انباشت سرمایه‌ها در بانک را به همراه داشت. دوران رکودی که البته حجم پول کشور را از سرازیر شدن به سمت بازارهای موازی دور کرد. این چرخش در عملکرد اقتصادی اما روند اقتصادی را به گونه‌ای تغییر خواهد داد. در شرایط کنونی بانک‌ها با واسطه و بی‌واسطه بنگاهداری می‌کنند. از همین رو کاهش نرخ سود بانک‌ها اگر همراه با آیین‌نامه‌های اجرایی مناسب و جدی باشد در نهایت می‌تواند بانک‌ها را به سیاست‌های بانکی واقعی و نه بنگاهداری بازگرداند. فراموش نکنیم که این آیین‌نامه‌های کاهش‌ی باید با مدیریتی بسیار جدی پیش‌روی کند.

از سوی دیگر کاهش سود بانکی از آنجایی که عده‌ای از مردم با سود این سرمایه‌ها امرار معاش می‌کنند موجب بیرون آمدن سرمایه از بانک‌ها خواهد شد. از همین رو ممکن است این مساله از سوی بانک‌ها مطرح شود که آزاد شدن منابع، منابع در دست بانک را کاهش داده و در نهایت با کسری روبه‌رو شده‌اند. در چنین شرایطی نمی‌توان مثبت بودن عملکرد بانک مرکزی را کتمان کرد. بانک مرکزی تصمیم درستی گرفته است اما در نهایت باید ماهانه آمار و ارقام شفافی منتشر کند تا نتیجه این کاهش سود نرخ بانکی مورد بررسی جدی قرار گیرد. از سویی دیگر منع بانک‌ها از حضور در بازار ثانویه بورس، سرمایه را به سمت شرکت‌های تامین سرمایه سرازیر خواهد کرد و باید دید در مقابل این آیین‌نامه چه عکس‌العملی شکل خواهد گرفت. گردش سیاست‌های بانکی دولت از روشی انقباضی به سوی روندی انبساطی و همچنین کاهش نرخ سود بانک، عواقب مختلفی خواهد داشت. در این بین اما از آنجایی که مردم بخشی از سرمایه خود را برای کسب معاش در بانک‌ها سپرده کرده‌اند احتمال مسایل موازی خطرآفرینی وجود دارد. در گذشته شرکت‌هایی قبل از بانک‌ها سرمایه‌های مردم را جذب می‌کردند و امکان مشکلات بعدی فراهم می‌شد. از همین رو دولت باید آموزش‌های کافی را ارائه دهد و در پی آن مردم نیز آگاهانه باید تصمیم بگیرند. امید است بانک مرکزی با مدیریت درست تصمیمات جدید دولت برنامه‌ریزی‌های هدفمندی انجام دهد. این برنامه‌ریزی در راستای خروج از رکود اقتصاد امروز لازم و ضروری است. به هر روی تغییر سیاست‌های اقتصادی کشور از انقباضی به انبساطی موجب پیش آمدن درصدی از تورم نیز خواهد شد اما از آنجایی که در دولت یازدهم شاهد مهار جدی تورم بسیار بالا بوده‌ایم، سیاست‌های انبساطی نیز نمی‌توانند تورم بسیار بالایی در پی داشته باشند. قطعاً برای رسیدن به رونق اقتصادی تغییراتی باید روی دهد. این تغییرات نیز به طور قطع درصدی از تورم را در پی خواهند داشت اما در نهایت این تورم خیلی نگران‌کننده و جدی نیست. آنچه قابل پیش‌بینی است افزایش قیمت‌های یک یا دو درصدی و نه بیشتر است. برای رسیدن به رونق اقتصادی باید به این جراحی مهم کمک کنیم.

روزنامه دنیای اقتصاد/ پنجشنبه ۹۶/۰۶/۰۲ شماره ۴۱۲۷ صفحه ۳

معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران معرفی کرد

گران‌ترین کالاهای صادراتی ایران

دنیای اقتصاد: گران‌قیمت‌ترین کالاهای صادراتی ایران معرفی شدند. هرچند نام آمار گمرک با کلماتی همچون تراز تجاری، حجم تجارت خارجی، کالاهای عمده صادراتی و وارداتی و کشورهای عمده مقاصد صادرات و مبادی واردات گره خورده، اما این بار معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران به آمارهای گمرک از زاویه دیگر نگاه کرده است. زاویه‌ای که آمار صادرات از ابتدای امسال تا ۲۸ مردادماه را به گونه‌ای مورد بررسی قرار داده که در آن خیری از میعانات گازی و مواد پتروشیمی به‌عنوان سرلیست‌های صادرات نیست. اما از فرش، بستنی و شکلات گرفته تا دارو و کالاهای صنعتی را می‌توان در این لیست دید.

کالاهایی که بیشتر آنها کالاهای تمام شده با ارزش افزوده بالا یا کالاهای واسطه‌ای هستند. بنابراین بدیهی است که موادی همچون میعانات گازی و مواد پتروشیمی که به‌صورت خام صادر می‌شوند در این لیست جایی نداشته باشند. عمده کالاهای صادراتی ایران در آمارهای گمرک، کالاهایی هستند که ارزش افزوده کمتری دارند؛ اما به لحاظ وزنی بیشتر از سایر کالاها صادر می‌شوند. در نتیجه توانسته‌اند صدرنشین کالاهای صادراتی باشند. اما در لیست ۳۰ کالاهای صادراتی گران‌قیمت، جایی ندارند. چراکه آنها به دلیل خام فروشی با قیمت ارزان تر صادر می‌شوند. بر اساس آمارهای این گزارش، از بین ۳۰ قلم عمده صادراتی که از ابتدا تا ۲۸ مرداد سال جاری دارای بالاترین قیمت صادراتی هستند، «فرش و سایر کفپوش‌های نسجی، از سایر مواد نسجی، گره‌باف» با میانگین قیمت صادراتی بیش از ۶۶

هزار دلار به ازای هر تن، رتبه اول را به خود اختصاص داده است. پس از آن «آنتی سرماها، دیگر مشتقات خونی و محصولات مصونیت بخش» و «اجزا و قطعات توربین‌های بخار» در رتبه‌های دوم و سوم این فهرست جای دارند که به ترتیب دارای میانگین قیمتی نزدیک به ۵۴ و ۵۲ هزار دلار به ازای هر تن هستند. همچنین «گرید نساجی(پلی‌اتیلن فتالات)» با میانگین قیمتی ۹۴۹ دلار به ازای هر تن کمترین قیمت را در این فهرست دارد.

بر اساس این گزارش، میزان صادرات «فرش و سایر کفپوش‌های نسجی، از سایر مواد نسجی، گره‌باف» با میانگین قیمتی بیش از ۶۶ هزار دلار، معادل ۴۵۰ تن و با ارزشی نزدیک به ۳۰ میلیون دلار بوده است. همچنین صادرکنندگان در این دوره توانسته‌اند به میزان ۲۳۰ تن از «آنتی سرماها، دیگر مشتقات خونی و محصولات مصونیت بخش» با ارزشی بیش از ۱۲ میلیون دلار را صادر کنند که میانگین قیمتی نزدیک به ۵۴ هزار دلار به ازای هر تن برای آن به ثبت رسیده است. پس از آن «اجزا و قطعات توربین‌های بخار» با میانگین قیمتی نزدیک به ۵۲ هزار دلار به ازای هر تن از دیگر اقلام عمده با میانگین قیمتی بالا است که وزنی معادل ۳ هزار تن و ارزشی بیش از ۱۷۸ میلیون دلار داشته است.

«مواد شروع‌کننده و مواد تسریع‌کننده واکنش شیمیایی» به‌عنوان چهارمین کالا از نظر بالا بودن قیمت صادراتی، با وزن ۵ هزار تن و با ارزش ۸۵ میلیون دلار گزارش شده که میانگین قیمتی آن به بیش از ۱۷ هزار دلار به ازای هر تن می‌رسد. میزان صادرات «لوله‌ها یا پروفیل‌های توخالی بدون درز از فولاد ممزوج با مقطع غیرمردور» در این مدت، معادل یک هزار تن و با ارزش بیش از ۱۷ میلیون دلار به ثبت رسیده و میانگین قیمتی آن بیش از ۱۲ هزار دلار به ازای هر تن بوده است. در ردیف ششم این فهرست، «پسته‌ها یا پوست تازه یا خشک» ثبت شده که به ترتیب دارای وزن و ارزشی معادل ۱۴ هزار تن و ۱۳۶ میلیون دلار است و میانگین قیمتی آن، ۹ هزار دلار به ازای هر تن گزارش شده است. از «انواع دارو» نیز معادل ۲ هزار تن و با ارزشی بیش از ۱۶ میلیون دلار صادرات صورت گرفته که با میانگین قیمتی ۹ هزار دلار به ازای هر تن در ردیف هفتم این فهرست قرار دارد. پس از آن «کفپوش‌های منگوله باف از مواد مصنوعی» با میانگین قیمتی ۹ هزار دلار به ازای هر تن، قرار دارد که به میزان ۴ هزار تن و با ارزشی بالغ بر ۳۵ میلیون دلار در این مدت صادرات داشته است. «کاند و قطعات کاند از مس تصفیه‌شده» هم به ترتیب با وزن و ارزش معادل ۱۵ هزار تن و نزدیک به ۷۲ میلیون دلار، میانگین قیمتی نزدیک به ۵ هزار دلار به ازای هر تن را داراست. دهمین کالا از نظر دارا بودن میانگین قیمت صادراتی بالا، «بستنی و سایر شربت‌های یخ زده، حتی دارای کاکائو» است که با وزنی معادل ۲۳ هزار تن، ارزشی نزدیک به ۱۰۲ میلیون دلار داشته و میانگین قیمتی آن در دوره مذکور به بیش از ۴ هزار دلار به ازای هر تن رسیده است. از «شکلات، حاوی کاکائو، به‌صورت غیر از بلوک، تخته، میله یا قلم» نیز با میانگین قیمتی بیش از ۷ هزار دلار به ازای هر تن، به میزان ۷ هزار تن و با ارزشی بیش از ۲۸ میلیون دلار صادر شده است. همچنین در «سایر پنیرها» میانگین قیمت صادراتی بیش از ۲ هزار دلار ثبت شده که این قلم کالایی دارای وزن و ارزشی به ترتیب معادل ۲۱ هزار تن و نزدیک به ۷۱ میلیون دلار را دارد. «بوتا ۱، ۳ دیکان و ایزوپرن اشباع نشده» وزنی معادل ۴۰ هزار تن و ارزشی نزدیک به ۱۲۳ میلیون دلار داشته که با داشتن میانگین قیمتی بیش از ۳ هزار دلار به ازای هر تن، سیزدهمین قلم کالایی از نظر بالا بودن میانگین قیمت صادراتی گزارش شده است. همچنین در گروه «شیرینی (همچنین شکلات سفید)، بدون کاکائو» نیز صادرکنندگان توانسته‌اند به میزان ۲۴ هزار تن و به ارزش بیش از ۶۶ میلیون دلار از این کالا را با میانگین قیمتی نزدیک به ۲ هزار دلار به ازای هر تن صادر کنند.

از ابتدا تا مرداد سال جاری نیز به میزان ۵۳ هزار تن «روی غیرمردور محتوی ۹۵/۹۹ تا ۹۹/۹۹ درصد وزنی به‌صورت کار نشده» با ارزش بالغ بر ۱۳۳ میلیون دلار و میانگین قیمتی بیش از ۲ هزار دلار به ازای هر تن صادر شده است. پس از آن «سایر کیسه، کیسه کوچک از پلی اتیلن به‌جز کیسه خون، کیسه اسپتیک ۵ لایه مقاوم در مقابل نفوذ هوا و اکسیژن» قرار دارد که با میانگین قیمتی بیش از ۲ هزار دلار به ازای هر تن، به ترتیب وزن و ارزشی معادل ۱۳ هزار تن و بیش از ۲۸ میلیون دلار را به خود اختصاص داده است. در ردیف ۱۷ این فهرست، «سرب تصفیه‌شده به‌صورت کار

نشده» با میزان صادرات ۳۱ هزار تنی و به ارزشی نزدیک به ۵۹ میلیون دلار قرار دارد که میانگین قیمتی آن نزدیک به ۲ هزار دلار به ازای هر تن گزارش شده است. «سایر پلی کلروپنیل، مخلوط نشده با سایر مواد به غیر از سوسپانسیون و امولسیون» با میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن، صادراتی معادل ۸۳ هزار تن و به ارزش بیش از ۱۴۵ میلیون دلار داشته است. همچنین در این مدت، بالغ بر ۷۸ هزار تن «آلومینیوم به صورت کار نشده، غیرممزوج» با ارزش نزدیک به ۱۳۳ میلیون دلار صادر شده که میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن داشته است. «رب گوجه‌فرنگی» نیز با وزنی معادل ۵۱ هزار تن، ارزشی نزدیک به ۷۱ میلیون دلار داشته که میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن را به خود اختصاص داده است.

«پلی استایرن غیرقابل انبساط معمولی» با میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن در ردیف بعدی قرار دارد که به میزان ۲۴ هزار تن و با ارزشی بیش از ۲۹ میلیون دلار صادر شده است. «سایر پلی‌اتیلن گرید تزریقی با چگالی ۹۴ درصد یا بیشتر به‌جز نوع پودری» نیز با وزنی معادل ۲۴۲ هزار تن و با ارزشی بیش از ۲۹۰ میلیون دلار در رده بعدی قرار دارد که دارای میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن است. پس از آن «پلی اتیلن گرید فیلم با چگالی کمتر از ۹۴ درصد به‌جز نوع پودری» با میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن، به ترتیب وزن و ارزشی معادل ۵۳۱ هزار تن و ۶۳۳ میلیون دلار داشته است. میزان صادرات «سایر پلی اتیلن گرید لوله با چگالی ۹۴ درصد یا بیشتر به‌جز نوع پودری» هم در این مدت بالغ بر ۱۰ هزار تن و با ارزشی نزدیک به ۱۲ میلیون دلار بوده که قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن داشته است. همچنین «الکیل بنزن خطی» (LAB) نیز با وزنی معادل ۱۰ هزار تن و ارزشی نزدیک به ۱۱ میلیون دلار، میانگین قیمتی بیش از یک هزار دلار به ازای هر تن را از آن خود کرده است. «سایر پلیمرهای پروپیلن یا پلیمرهای سایر الفین‌ها» هم به ترتیب با وزن و ارزشی معادل ۱۵ هزار تن و بیش از ۱۵ میلیون دلار صادر شده که میانگین قیمت صادراتی آن یک هزار دلار به ازای هر تن گزارش شده است. صادرکنندگان در این مدت توانسته‌اند از گروه کالایی «سایر پلی اتیلن گریدبادی با چگالی ۹۴ درصد یا بیشتر به‌جز نوع پودری» به میزان ۱۲۳ هزار تن با ارزشی نزدیک به ۱۳۲ میلیون دلار و با میانگین قیمتی یک هزار دلاری به ازای هر تن صادر کنند. همچنین در این مدت، میزان صادرات «سایر پلی اتیلن با چگالی کمتر از ۹۴ درصد به غیر از پودری» به ۱۸ هزار تن رسیده که ارزشی بیش از ۱۹ میلیون دلار داشته و میانگین قیمتی آن نیز یک هزار دلار به ازای هر تن به ثبت رسیده است. بعد از آن قلم کالایی «پلی اتیلن گرید فیلم به‌صورت غیر پودر با وزن مخصوص ۹۴ درصد یا بیشتر» قرار دارد که به میزان ۳۰۲ هزار تن و با ارزشی بیش از ۳۱۷ میلیون دلار صادر شده و میانگین قیمتی یک هزار دلار به ازای هر تن را داشته است. در آخر نیز «گرید نساجی (پلی اتیلن فتالات)» با میانگین قیمتی ۹۴۹ دلار به ازای هر تن، به میزان ۳۹ هزار تن و با ارزشی نزدیک به ۳۷ میلیون دلار صادر شده است.

روزنامه گسترش صمت / شنبه ۹۶/۰۶/۰۴ شماره ۸۴۸ صفحه ۴

کارشناسان در گفت‌وگو با صمت از اثر منطقی افزایش نرخ دلار در صورت رکود صادرات خبر

دادند

افزایش نرخ ارز تنگنای تولید

منیر حضوری: نرخ دلار در یک ماه گذشته با شیبی ملایم و روند صعودی بعد از چند ماه از کانال ۲ هزار و ۷۰۰ تومان خارج و به کانال ۲ هزار و ۸۰۰ تومان وارد شده است.

دلار آمریکا با نرخ ۲ هزار و ۷۷۵ تومان در بازار آزاد فروخته شد و در ادامه با روند صعودی به ۲ هزار و ۷۷۹ تومان و بعد هم به ۲ هزار و ۸۰۰ تومان رسید. این نرخ با ادامه حرکت خود در مسیر افزایشی به ۲ هزار و ۸۱۲ تومان رسید و در

ادامه این روند ۲ هزار و ۸۱۹ و ۳ هزار و ۸۲۱ تومان عرضه شد. در نهایت در آخرین روز مرداد نرخ دلار به ۳ هزار و ۸۲۸ تومان رسید که بالاترین نرخ دلار در یک ماه گذشته و همچنین در سال ۱۳۹۶ به شمار می‌آید. به این ترتیب دلار آمریکا در این ماه پرنوسان‌ترین ماه خود را در امسال طی کرده است. فعالان بازار ارز بخشی از این افزایش را ناشی از رشد تقاضا می‌دانند که به دلیل شروع فصل تابستان و موسم حج است. اما بخشی از این افزایش نیز ناشی از رشد نرخ دلار بانکی است. نرخ دلار بانکی که در ابتدای فروردین امسال ۳۲ هزار و ۴۱۸ ریال بود، ابتدای مرداد به عدد ۳۲ هزار و ۶۷۰ رسید، یعنی ظرف ۴ ماه ۲۵۲ ریال افزایش نرخ داشت، اما فقط در مرداد این ارز ۲۳۳ ریال رشد کرد. اصغر سمیعی، رئیس سابق کانون صرافان در گفت‌وگو با ایرنا افزایش نرخ‌ها در بازار آزاد را متناسب با نرخ تورم و حتی کمتر از آن دانسته و گفت: نرخ دلار از مرداد سال گذشته تاکنون حدود ۷ درصد افزایش داشته در حالی که بانک مرکزی نرخ تورم را در پایان تیر امسال حدود ۱۰ درصد اعلام کرده است. او افزود: اگر از نرخ تورم داخلی، میزان تورم آمریکا که حداکثر ۳ درصد است را کم کنیم، می‌بینیم نرخ دلار در محدوده متعادلی افزایش یافته است و امر پیچیده و عجیبی نیست. اکنون بانک‌ها نرخ سود ۲۰ درصدی به مشتریان خود می‌دهند در حالی که بازدهی دلار در یک سال گذشته تاکنون فقط ۷ درصد بوده است.

افزایش نرخ ارز طبیعی است

جواد صلاحی، استاد دانشگاه در گفت‌وگو با صمت به دلایل افزایش نرخ ارز اشاره و بیان کرد: توان تولید داخل، تورم، نرخ بهره، عوامل اجتماعی و سیاسی هر کدام می‌تواند عاملی برای افزایش نرخ ارز باشد. او با اشاره به نظام دونرخی ارز در کشور بیان کرد: نظام ارزی ما مبادله‌ای و آزاد است که البته بیشتر با نرخ ارز بازار آزاد مبادله انجام شود. متأسفانه این وضعیت باعث شده برخی از رانت استفاده و رقابت کنند تا به امتیازاتی برسند. صلاحی با تأکید بر لزوم تک‌نرخی شدن ارز اظهار کرد: برای اینکه رانت از بین برود دولت باید ارز را تک‌نرخی کند. برای این مهم دولت باید شرایطی را فراهم کند تا بازار هم شوک نشود در غیراین صورت جامعه با بحران روبه‌رو می‌شود. یکی از این راه‌ها این است که ورود و خروج ارز با محدودیت روبه‌رو نشود. مورد دیگر اینکه باید صبر کرد تا تحریم‌ها کمی سبک‌تر شود سپس دولت ارز را تک‌نرخی کند. این استاد دانشگاه ادامه داد: نرخ ارز سالانه باید به اندازه تفاوت تورم ایران و تورم طرف‌های تجاری مورد توجه قرار گیرد. این قاعده باید عملی شود تا صادرات ضربه نبیند چراکه افزایش نرخ ارز به نفع تولید داخلی و صادرات است. به طور مثال، وقتی تورم ۱۰ درصد است در کشورهای طرف تجاری از قبیل کشورهای OECD این عدد زیر ۳ درصد است. بنابراین اگر ما از تولیدکنندگان را حمایت نکنیم به رقابت‌پذیری و صادرات کالای خود ضربه زده‌ایم. افزایش نرخ ارز در امتداد بازار است به این معنی که بازار واکنش نشان داده و شوک عجیبی نبوده است.

افزایش نرخ ارز روندی طبیعی است

وحید شقاقی، کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با صمت مطرح کرد: افزایش نرخ ارز به دلیل عرضه و تقاضای روزانه بازار است، بنابراین این مسئله روندی طبیعی است که تداوم ندارد و در همین حدود باقی می‌ماند. او ادامه داد: هیچ اتفاقی نیفتاده که ما شاهد پیشران‌هایی برای تاثیرگذاری بر افزایش نرخ دلار در بازار باشیم. در آینده سیاست‌های دولت می‌تواند نرخ دلار را افزایش یا کاهش دهد و باید منتظر بمانیم که بینیم سیاست دولت برای یکسان‌سازی نرخ ارز چیست. شقاقی با اشاره به یکسان‌سازی نرخ ارز بیان کرد: اگر دولت بخواهد برای یکسان‌سازی نرخ ارز اقدام کند باید منتظر افزایش نرخ دلار در بازار باشیم. او درباره تاثیر افزایش نرخ دلار بر تولید گفت: در هر اقتصادی افزایش نرخ دلار بر بحث تولید و صادرات هم تاثیرگذار است. در این روند تولیدکنندگان کشور در بخش مواد اولیه و واسطه گاهی به ارز نیاز دارند که می‌تواند مشکل‌ساز شود. به طور مثال، ایران‌خودرو را در نظر بگیرید وقتی دلار بالا می‌رود مدیرانش از افزایش قیمت دلار ناراحت بودند چرا که تولیداتشان ارزبری بالایی دارد و وابستگی بالایی به دلار در حوزه مواد اولیه و کالای واسطه دارند. در مقابل برخی صنایع هم از افزایش دلار بهره‌مند می‌شدند چون مواد اولیه‌شان داخل کشور

است مثل صادرکنندگان گیاهان دارویی. به این ترتیب افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی زمانی می‌تواند به نفع اقتصاد و تولید باشد که تولیدکنندگان کشور در حوزه تامین مواد اولیه و واسطه ارزی بالایی نداشته باشند و مواد مورد نیاز خود را بتوانند تا حد امکان از داخل تهیه کنند. این کارشناس اقتصاد به وضعیت کشورهای دیگر اشاره کرد و ادامه داد: در دنیا هم کاهش ارزش پول ملی زمانی می‌تواند به افزایش صادرات غیرنفتی منجر شود که دولت‌ها برنامه مشخص برای صادرات غیرنفتی داشته‌اند و ارزی مواد اولیه و واسطه‌ای بنگاه‌های تولیدی تا حد امکان کاهش پیدا کرده است. او درباره تاثیر افزایش نرخ ارز بر اقتصاد کشور گفت: این مسئله به‌طور قطع در اقتصاد ایران به افزایش هزینه‌های زندگی منجر می‌شود. اقتصاد ایران به‌طور عمده در حوزه مواد مصرفی بیشترین تامین را از واردات انجام می‌دهد و عمده مواد مصرفی ما وارداتی است. بر اساس آمارها ما سالی بیش از ۵۰ میلیارد دلار واردات داریم و عمده مواد مصرفی یا به صورت مستقیم یا قاچاق وارد می‌شود. بنابراین اقتصاد ایران با نرخ دلار ارتباط تنگاتنگی دارد و افزایش نرخ دلار بر افزایش تورم تاثیر مستقیمی دارد و آن هم می‌تواند بر تولیدکنندگان فشار وارد کند. بعد از آن فشار بر مصرف‌کننده است که در نهایت درخواست دستمزد بیشتر می‌کند و این دور ادامه می‌یابد.

روزنامه جهان صنعت / شنبه ۹۶/۰۶/۰۴ شماره ۳۷۱۴ صفحه ۱۲

بررسی کارشناسان نسبت به تحقق وعده‌های تجاری دولت؛

توهم صادراتی مسولان

صفحه کشاورزی و بازرگانی: نسترن یوسف‌بکیان- سال گذشته که دولت از مثبت شدن تراز تجاری و افزایش صادرات غیرنفتی کشور خوشحال بود، فکرسش را هم نمی‌کرد که سال بعد اوضاع جور دیگری رقم بخورد. اما همانطور که کارشناسان هشدار داده بودند، دستکاری آمار صادراتی و جابه‌جا کردن کالاها در گروه‌های مختلف نمی‌تواند حقیقت ماجرا را تغییر دهد و اوضاع صادرات را با بهبود مواجه کند بلکه تنها بیان واقعیت را به تاخیر می‌اندازد. با وجود اینکه تراز تجاری کشور تا فروردین‌ماه مثبت بود اما آمار تجارت خارجی چهارماهه اول سال از کاهش قابل توجه صادرات غیرنفتی و همچنین تراز تجاری منفی حکایت داشت. این در حالی است که این روزها باید آمار پنج‌ماهه تجارت خارجی توسط گمرک اعلام شود اما حتی اگر آمار، شرایط صادرات را خوب جلوه دهد، واقعیت تغییر نخواهد کرد، چرا که به گفته رییس کنفدراسیون صادرات ایران برای بهبود صادرات، باید پنج اولویت واقعی‌سازی نرخ ارز، منطقی شدن نرخ تسهیلات بانکی، ساماندهی وضعیت حمل‌ونقل، احیای ارتباطات بانکی با سایر کشورها و ارائه بسته‌های حمایتی در صدر برنامه‌های دولت قرار گیرد. در غیر این صورت با توجه به اینکه دولت پول چندان در بساط ندارد و همچنین بودجه محدودی را برای صادرات در نظر گرفته است، از این پس شرایط صادرات وخیم‌تر نیز خواهد شد.

البته بخش خصوصی و فعالان اقتصادی بارها در نشست‌های گوناگون چالش‌های صادراتی را مطرح کرده و نسبت به آینده تجارت خارجی کشور هشدار داده‌اند اما دولت به جای اینکه برای توسعه صادرات فکری جدی کند، در توهم صادراتی به سر می‌برد. بر همین اساس علاوه بر اینکه ۱۲۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در برنامه ششم توسعه بیان شده است، دولت نیز افزایش ۲۵ درصدی صادرات غیرنفتی تا پایان سال ۹۶ را در دستور کار قرار داده است؛ همانطور که محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت دولت گذشته در خردادماه امسال، شاه بیت توسعه صنعتی کشور را صادرات برشمرد و از برنامه‌ریزی برای افزایش ۲۵ درصدی صادرات غیرنفتی تا پایان سال خبر داد. با توجه به آمار مربوط به صادرات غیر نفتی در سال ۹۵ که حدود ۴۳ میلیارد و ۹۳۰ میلیون دلار بود، بنابراین طبق این هدفگذاری، باید تا شش ماه دیگر به صادرات ۵۵ میلیارد دلاری دست پیدا کنیم در حالی که به گفته کارشناسان، باز هم از دستیابی به این آمار عقب خواهیم ماند چرا که موانع پیش روی صادرکنندگان هنوز به قوت خودش باقی است. از این رو همانطور که

سال گذشته وعده صادراتی ۶۸ میلیارد دلاری نعمت‌زاده محقق نشد، امسال نیز بعید نیست که دچار عقب ماندگی صادراتی شویم. البته با توجه به تغییر دولت و روی کار آمدن محمد شریعتمداری در راس وزارت صنعت، معدن و تجارت، تجار و صادرکنندگان نسبت به آینده تجارت کشور امیدوار هستند اما معتقدند اگر خیلی خوب هم کار کنیم، نهایتاً به صادرات ۵۰ میلیارد دلاری دست پیدا خواهیم کرد. این در حالی است که شریعتمداری نیز در صدر برنامه‌های خود در دولت دوازدهم به صادرات غیرنفتی ۱۳۰ میلیارد دلاری تا پایان سال ۱۴۰۰ اشاره کرده است که باید دید از این پس برای توسعه صادرات در کشور، چه اقداماتی از سوی او انجام خواهد گرفت. در همین راستا در گفت‌وگو با کارشناسان فعال در حوزه صادرات، علاوه بر بیان چالش‌های موجود در حوزه صادرات کشور، پیش‌بینی هر یک را از آینده تجاری کشور جویا شدیم که در ادامه گفت‌وگوی «جهان‌صنعت» با آنها را می‌خوانید:

اعداد از پیش تعیین شده، فایده‌ای ندارد

عضو کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی تهران در مورد آمارهای هدف‌گذاری شده برای صادرات، گفت: مبحث صادرات در کشور ما دارای چندین مشکل بنیادی است که تا وقتی حل نشود، ارائه اعداد و ارقام از پیش تعیین شده چندان فایده‌ای ندارد و شاید نتوانیم به آنها دست پیدا کنیم. حمیدرضا صالحی با تأکید بر اینکه صادرات در چهار ماهه اول سال ۹۶ نیز کاهش داشته است، اظهار کرد: مساله زیرساخت‌های اقتصاد کلان باید اصلاح شود. از این رو تا زمانی که عدد واقعی نرخ ارز را در نظر نگیریم، بازار رقابتی نخواهد شد و صادرات هم رشد نمی‌کند.

وی افزود: طبق قانون، تعیین نرخ ارز متناسب با تورم داخلی منهای تورم خارجی تکلیف شده است و بانک مرکزی فقط به عنوان ناظر باید به صورت شناور تعیین نرخ را مدیریت کند. بنابراین ما نمی‌توانیم به نفع واردات، نرخ ارز را ثابت نگه داریم و انتظار داشته باشیم که بدون در نظر گرفتن فرمول جهانی تعیین نرخ ارز، پا به پای کشورهای توسعه‌یافته دنیا در صادرات پیش رویم. صالحی بیان کرد: اگرچه عمل کردن به این فرمول، تبعات خاص خود را دارد اما برای دستیابی به اهداف صادراتی باید این تبعات را بپذیریم. البته به نظر می‌رسد این تبعات قابل کنترل باشد. عضو هیات‌مدیره خانه صنعت و معدن تهران گفت: محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت قبل از کسب رای اعتماد مجلس، اظهار نظرهای خوبی در این زمینه ارائه کرد و مشکلات ارز را پذیرفت. بنابراین قرار است با مذاکره با وزارت اقتصاد و شورای پول و اعتبار، برای مبدا قرار دادن فرمول تعیین نرخ ارز متناسب با تورم داخلی منهای تورم خارجی اقدام کند. صالحی با اشاره به رقابتی نبودن قیمت کالاهای ایرانی، عنوان کرد: همچنین یکی دیگر از مشکلاتی که در حال حاضر وجود دارد، فاصله بسیار زیاد نرخ بهره بانکی در داخل کشور با خارج است. به عنوان مثال نرخ بهره بانکی برای تولیدکنندگان ایران ۲۰ درصد است در حالی که این نرخ برای طرف‌های خارجی، دو درصد است. بنابراین اختلاف ۱۸ درصدی بهره بانکی برای تولید، باعث گران تمام شدن تولید در ایران می‌شود که در نهایت کاهش قدرت رقابت تولیدکنندگان کشور را در پی دارد. عضو کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی با تأکید بر اینکه وزیر صنعت جدید باید در جهت کاهش قیمت تمام شده تولید گام بردارد، افزود: برای دستیابی به این منظور باید نرخ بهره بانکی کاهش یابد تا تولیدکنندگان توان رقابت با کالاهای خارجی را داشته باشند. در صورت دستیابی به این هدف، می‌توان به توسعه صادرات نیز امیدوار بود.

نقش مهم دیپلماسی اقتصادی

صالحی در ادامه به یکی دیگر از مسایل بنیادی بسترساز توسعه صادرات اشاره کرد و گفت: دیپلماسی اقتصادی نیز در این بین بسیار نقش دارد. عضو هیات‌مدیره خانه صنعت و معدن تهران با انتقاد از اینکه ما هنوز در کشورمان متولی صادرات نداریم، اظهار کرد: برای افزایش صادرات باید نهادی تشکیل شود که این هدف را به درستی دنبال کند و با استفاده از دیپلماسی اقتصادی و سیاسی، برای افزایش صادرات بسترسازی شود. صالحی با اشاره به اینکه اگر دولت می‌خواهد به علاقه‌مندی‌هایش در خصوص دستیابی به اعداد بزرگ دست پیدا کند، باید روی برخی مسایل متمرکز شود، گفت: باید برای صادرات پتروشیمی، خدمات فنی مهندسی، گاز، چرم و سالامبور، پسته و... مشوق‌های

صادراتی اعطا شود تا به این صورت درآمدهای ارزی کشور افزایش پیدا کند. عضو کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی در ادامه به مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یکی دیگر از چالش‌های پیش روی صادرات اشاره کرد و گفت: مالیات بر ارزش افزوده محصولات صادراتی در هیچ کجای دنیا گرفته نمی‌شود چراکه اخذ مالیات بر ارزش افزوده به معنای افزایش قیمت تمام شده محصول صادراتی و از بین رفتن فاکتور رقابتی آن است. در کشور ما نیز با اینکه طبق قانون، صادرکنندگان از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف شده‌اند اما دولت این مالیات را از صادرکنندگان می‌گیرد به امید اینکه دوباره آن را به آنها بازگرداند. این فعال اقتصادی در ادامه افزود: چرا باید این هزینه را به دولت پرداخت کنیم و بعد به این امید باشیم که دولت آن را به ما پرداخت کند، بنابراین بهتر است که دولت از ابتدا مالیات بر ارزش افزوده را از صادرکنندگان دریافت نکند.

نمی‌توانیم صورت‌مساله را پاک کنیم

صالحی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه نپیوستن به سازمان تجارت جهانی چه تبعاتی برای ایران به دنبال خواهد داشت، اظهار کرد: اگرچه بلوغ لازم برای ملحق شدن به WTO هنوز در ایران به وجود نیامده است اما نمی‌توانیم صورت مساله را پاک کنیم چرا که سازمان تجارت جهانی شرایطی را در دنیا به وجود آورده است که عدم الحاق ایران به این سازمان، باعث از دست رفتن بازارهای صادراتی خواهد شد. عضو پارلمان بخش خصوصی با بیان اینکه تا امروز در حال پاک کردن صورت مساله بودیم، بیان کرد: باید در دولت جدید با برنامه‌ریزی و حرکت آهسته و پیوسته برای ملحق شدن به این سازمان گام برداریم. در غیر این صورت، سهم ایران در بازارهای جهانی کاهش خواهد یافت در حالی که نباید از بازارهای جهانی غافل شویم بلکه باید سهم خود را در این بازارها افزایش دهیم. وی ادامه داد: در این راستا باید روابط سیاسی خود را نیز با کشورهای تقویت کنیم. زیرا اگر روابط سیاسی خوب نباشد، نمی‌توان انتظار داشت کشورهای بازار خود را در اختیار کالاهای ایرانی قرار دهند. صالحی با بیان اینکه این مسایل زنجیره‌وار به یکدیگر متصل هستند، گفت: به نظر می‌رسد شریعتمداری در تحقق این اهداف جدی است اما ما نیز به عنوان فعالان بخش خصوصی در کنار او هستیم و از دولت می‌خواهیم برای مشورت با بخش خصوصی و حضور آنها در نشست‌های تصمیم‌گیری، توجه ویژه داشته باشد. عضو کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی در ادامه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه می‌توان به پرداخت مشوق‌های صادراتی در دولت دوازدهم امیدوار بود، گفت: شرایط صادرکنندگان ایرانی با هم‌تایان خارجی خود بسیار متفاوت است. این در حالی است که مشکلاتی مانند کمبود بودجه به عنوان بهانه‌ای برای معطل ماندن مشوق‌های صادراتی عنوان می‌شود. در حالی که به عقیده من، اراده دولت در این مساله بیشتر دخیل است تا میزان بودجه. وی با بیان اینکه امیدواریم در دولت دوازدهم بودجه برای پرداخت مشوق‌ها به درستی تخصیص یابد، بیان کرد: باید دولت برای تحقق این مساله اراده داشته باشد و این کار را عملی کند. البته در صحبت‌هایی که ما با شریعتمداری داشتیم، برداشت ما از اظهارنظرهای او این بود که ایشان در پرداخت مشوق‌های صادراتی جدی است.

امیدواری به صادرات ۵۰ میلیارد دلاری

صالحی همچنین در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا رشد ۲۵ درصدی صادرات غیر نفتی در شرایطی که حدود شش ماه از سال سپری شده است، قابلیت تحقق دارد یا خیر، گفت: در شرایط فعلی شرایط مناسبی برای افزایش صادرات وجود ندارد و بنده چندان به این موضوع امیدوار نیستم. عضو پارلمان بخش خصوصی افزود: چین مشکلاتی را برای صادرات پتروشیمی ایران به وجود آورده و تا زمانی که این مشکلات حل نشود، نمی‌توان اوضاع خیلی خوبی را انتظار داشت. وی با تأکید بر اینکه روابط کارگزاری‌ها و مشکلات بانکی یکی دیگر از موانع موجود بر سر راه صادرات است، عنوان کرد: دولت باید اشخاصی را شبانه‌روز برای حل مشکلات کارگزاری بانکی تعیین کند تا با پیگیری آنها، این مشکلات هرچه سریع‌تر حل شود. همچنین رییس‌جمهور نیز باید سفرهایی را برای رایزنی برای حل مشکلات بانکی در برنامه خود قرار دهد تا روابط بانکی و بده‌بستان‌های مالی برای تسهیل تجارت و توسعه صادرات اصلاح شود.

عضو کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی با بیان اینکه اگر مشکلات چین برای صادرات پتروشیمی حل شود و اقدامات موثر دیگری هم در دستور کار قرار گیرد، می‌توان به صادرات ۵۰ میلیارد دلاری تا پایان سال ۹۶ امیدوار بود، گفت: البته دستیابی به این عدد هم بد نیست اما ظرفیت کشور بیش از این میزان است. صالحی اظهار کرد: البته دولت باید خودش هم در این زمینه گام بردارد و سفرهای خود را تنها به دیپلماسی سیاسی اختصاص ندهد بلکه بازارهای جدید صادراتی را برای ایران مهیا و بازار ایجاد کند.

به صادرات ۵۵ میلیارد دلاری نمی‌رسیم

همچنین در ادامه دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق بیان کرد: در صورتی که روند قیمت نفت صعودی باشد، تشنجهای سیاسی در کشورهای همسایه کاهش پیدا کند و مشکل نقل و انتقال پول در زمینه صادرات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی حل شود، با توجه به افزایش قیمت جهانی فلزات می‌توان به افزایش صادرات امیدوار بود. حمید حسینی درباره اینکه آیا رشد ۲۵ درصدی صادرات غیرنفتی تا پایان سال محقق خواهد شد یا خیر، گفت: اگرچه صادرات غیرنفتی کشور در چهار ماهه اول سال کاهش قابل توجهی داشته اما صادرات ایران به عراق با رشد ۶/۵ درصدی روبه‌رو شده است یا به عنوان مثال آمارها نشان‌دهنده افزایش ۶۹ درصدی حجم صادرات ایران به نیجریه در چهار ماهه اول سال ۹۶ در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته است. وی اظهار کرد: اگر این روند افزایشی ادامه داشته باشد، پیش‌بینی‌ام این است که به افزایش ۲۵ درصدی یا به عبارتی صادرات ۵۵ میلیارد دلاری تا پایان امسال دست پیدا نخواهیم کرد اما صادرات ۵۰ میلیارد دلاری دور از انتظار نیست.

کاهش واردات عراق

عضو اتاق بازرگانی با بیان اینکه علاوه بر قیمت نفت، عواملی همچون بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه بر تحقق اهداف صادراتی ایران تاثیرگذار است، بیان کرد: ورود داعش به برخی کشورها و همچنین بی‌ثباتی منطقه در عراق و افغانستان، صادرات نفت به این کشورها را دچار مشکل کرده است. از این رو عراق که تا پیش از این ۷۰ میلیارد دلار واردات از ایران داشت، واردات خود را به ۳۲ میلیارد دلار کاهش داده که نشان‌دهنده نصف شدن میزان صادرات ایران است. حسینی ادامه داد: به دلیل مشکلات سیاسی، بخشی از نیازهای وارداتی عراق به سمت تجهیزات نظامی و اسلحه سوق پیدا کرده است. وی افزود: بخشی دیگر از مسایل صادراتی ایران به تصمیم‌گیری‌های داخلی برمی‌گردد و دستیابی به اهداف صادراتی بستگی به عملکرد آقایان و نحوه برنامه‌ریزی آنها دارد. این فعال بخش خصوصی اظهار کرد: اگر تولید ۱۲۰ میلیون تنی محصولات پتروشیمی محقق شود، این محصول به تنهایی می‌تواند بخش عمده‌ای از صادرات را به خود اختصاص دهد.

از ترکیه چیزی کم نداریم

دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق با اشاره به اینکه دستیابی به صادرات ۱۲۰ میلیارد دلاری در برنامه ششم توسعه خیلی کار نشدنی‌ای نیست، گفت: مگر ترکیه نسبت به ایران چه مزیت و پتانسیلی دارد که توانسته به صادرات ۱۴۰ میلیارد دلاری دست پیدا کند؟ حسینی با بیان اینکه زیرساخت‌های ترکیه چندان تفاوتی با ایران ندارد، اظهار کرد: ایران دارای موقعیت استراتژیک و پتانسیل‌های فراوان است که اگر از سوی همه نهادها اراده ملی برای افزایش و توسعه صادرات ایجاد شود، دستیابی به چنین اعداد و ارقامی دور از انتظار نیست. عضو اتاق بازرگانی در مورد شریعتمداری به عنوان وزیر صنعت دولت دوازدهم گفت: وی فردی باتجربه و موفق است که در دوران حضورش در وزارت بازرگانی توانست در صادرات تحول ایجاد کند. وی ادامه داد: معاف کردن صادرات از مالیات، اعطای وام با کارمزد کم به صادرات و همچنین پرداخت جوایز صادراتی نیز از جمله اقدامات او در دوره وزارتش بود. بنابراین در حال حاضر هم همه امیدوار هستیم تا وی اقدامات موثری را در این وزارتخانه دنبال کند.

حسینی بیان کرد: جلوگیری از تثبیت قیمت ارز به نفع واردکننده، تقویت روابط با کشورهای همسایه و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بخش خصوصی از خواسته‌های ما از دولت جدید است که امیدواریم با توجه وزیر صنعت، تحقق یابد.

تجارت محرک تولید

دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق در واکنش به شائبه‌های موجود در مورد قوت گرفتن حوزه بازرگانی و بی‌توجهی به وزارت صنعت در دوران وزارت شریعتمداری، گفت: باید قبول کنیم که تولید و تجارت جدا از یکدیگر نیستند و تجارت محرک تولید است. حسینی با تأکید بر اینکه چرخ لوکوموتیو صنعت، تجارت است، افزود: افرادی که از فرآیند تولید و فروش کالا اطلاعی ندارند، چنین صحبت‌هایی را به میان می‌آورند که این دو از هم جدا هستند. در حالی که واقعیت این است که اگر در زمینه تجارت اقدامات قابل توجهی انجام نشود، حتی اگر تولید هم رونق پیدا کند، کالاها در انبار باقی می‌ماند چرا که به هر حال ما نیازمند توسعه تجارت و افزایش صادرات هستیم. پس باید در جهت رونق بازار داخل، توسعه صادرات، جلوگیری از قاچاق و یافتن بازارهای جدید صادراتی گام برداشته شود. وی با انتقاد از اینکه قاچاق به بازار کالاهای تولید داخل و همچنین صادرات لطمه زده است، اظهار کرد: امیدواریم پیگیری‌های کرباسیان در حوزه فناوری اطلاعات و گمرک بی‌نتیجه نماند و همچنان سیاست هوشمندسازی ورود و خروج کالا در گمرک ادامه یابد تا قاچاق کاهش پیدا کند. عضو اتاق بازرگانی خاطرنشان کرد: در بسیاری از موارد مشکل تولید نداریم بلکه مشکل فروش داریم و نمی‌توانیم کالاهای خود را صادر کنیم. بنابراین باید در این زمینه از تجار قابل اعتماد و فعال کمک گرفت تا توسعه اقتصادی در کشور حاصل شود.

از قافله تجارت جهانی عقب نمانیم

حسینی در ادامه با تأکید بر پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی عنوان کرد: وضعیت صادراتی کشور نگران‌کننده است و باید هر چه سریع‌تر برای پیوستن به WTO دست به کار شویم وگرنه تا چند سال دیگر نمی‌توانیم از لحاظ قیمت تمام‌شده و تعرفه‌ها با سایر کشورها رقابت کنیم و قدرت رقابت ما بیش از حالا کاهش پیدا خواهد کرد. وی گفت: نباید از ترس ضربه خوردن به برخی صنایع یا ترس از واردات کالا، از تلاش جدی برای پیوستن به این سازمان جلوگیری کنیم چراکه با این کار از قافله تجارت جهانی عقب می‌مانیم و باید خسارت‌هایش را هم بدهیم که ممکن است قابل جبران نباشد. پس اگرچه پیوستن به سازمان تجارت جهانی به برخی صنایع آسیب می‌زند اما آنها باید بپذیرند که چاره‌ای جز این کار نیست و برای نجات خود برنامه‌ریزی کنند.

مخفی شدن دولت پشت آمارها

دبیرکل انجمن صادرکنندگان نمونه و برتر ایران نیز در رابطه با میزان صادرات غیرنفتی کشور در چهار ماهه امسال بیان کرد: افتی که در آمارهای مربوط به چهار ماهه سال ۹۶ شاهد بودیم، مساله جدیدی نبود و ما مدت‌هاست که نسبت به این موضوع هشدار داده‌ایم. فراز جلیلی با بیان اینکه عادت کرده‌ایم خودمان را پشت یکسری آمار مخفی کنیم، گفت: چند سالی می‌شود که میعانات گازی، پتروشیمی، گاز طبیعی و محصولات از این دست به گروه صادرات غیرنفتی اضافه شده تا با کمک اینها آمار مربوط به صادرات غیرنفتی رشد کند اما واقعیت این است که اگر عدد صادراتی مربوط به این گروه‌ها را از آمار صادرات غیرنفتی کم کنیم، صادرات در سال‌های قبل هم عدد خوبی نداشته است. وی با اشاره به اینکه بخش کوچکی از صادرات که مربوط به نفت و فرآورده‌های آن نبود، از اول هم شرایط خوبی نداشت، افزود: مشکلاتی که طی چند ماه اخیر بر سر راه صادرات چند قلم کالای صادراتی قابل توجه ایران همچون پتروشیمی به وجود آمد، افت صادرات را رقم زد.

بازار صادراتی محدود

عضو اتاق بازرگانی تهران با تاکید بر اینکه نباید به اصطلاح همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد بگذاریم، اظهار کرد: اگر به آمارهای صادراتی کشور طی چند سال اخیر توجه کنیم، خواهیم دید که بازارهای صادراتی ایران محدود است. جبلی گفت: باید نگاه خود را به بازارهای متفاوتی جز کشورهای همسایه متمرکز کنیم چرا که حتی افغانستان هم عضو سازمان تجارت جهانی شده و شرایط جدیدی را می‌تواند برای تجارت خود با کشورهای دیگر ایجاد کند. در این میان شرایط بازار عراق هم برای صادرات کالاهای ایرانی پایدار نیست و به علت شرایط جنگی که در آن حاکم است، نمی‌تواند بازار مطمئنی برای ایران باشد. دبیرکل انجمن صادرکنندگان نمونه با تاکید بر اینکه نیاز داریم تعداد بازارهای صادراتی خود را گسترش دهیم و سهم خود را از آنها کم کنیم، بیان کرد: اگر این کار انجام شود، کل بازار صادراتی ایران با اندک تنشی در بازارهای منطقه و کشورهای همسایه، از دست نخواهد رفت. این در حالی است که ما کشورهای محدودی را برای صادرات خود در نظر گرفته‌ایم که اگرچه سهم ما از بازارهای آنها زیاد است اما با اندک تغییری در شرایط آنها، کل صادرات کشور تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. وی افزود: البته بعد از اعمال تحریم‌ها، خود به خود بازارهای ایران محدود شد و ناچار بودیم روی بازارهای محدودی کار کنیم. چرا که به دلیل افزایش قیمت تمام‌شده و وجود تحریم‌ها، امکان دسترسی به بازارهای جدید را هم نداشتیم اما در حال حاضر با وجود اینکه بخشی از تحریم‌ها رفع شده و همچنین فضای سیاسی کشور رو به بهبود است، می‌توان برای دستیابی به بازارهای جدید صادراتی دست به کار شد.

اعداد آرمانی

جبلی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا می‌توان به اعداد هدف‌گذاری شده برای صادرات تا سال ۱۴۰۰ دست یافت یا خیر، خاطر نشان کرد: با توجه به شرایطی که وجود دارد، رسیدن به چشم‌اندازهایی که ترسیم شده، کار بسیار دشواری است. بنابراین به عقیده من اعلام چنین آماري نه تنها آرمانی است بلکه چیزی فراتر از این صحبت‌هاست. زیرا در حال حاضر ایران با مشکلات زیادی همچون تولید نامتناسب صادراتی در برخی گروه‌ها یا ناتوانی در بازاریابی بین‌المللی روبه‌رو است. دبیرکل انجمن صادرکنندگان نمونه ادامه داد: در این میان نرخ ارز نیز مشکلات صادرات را افزون کرده است. البته در حال حاضر برخی کارشناسان معتقد هستند که باید ارز هرچه زودتر تک‌نرخ شود اما بنده معتقدم هرچند تک‌نرخ شدن ارز سود زیادی دارد اما تثبیت نرخ آن واجب‌تر است. عضو اتاق بازرگانی تهران با بیان اینکه نرخ ارز نباید بالا و پایین رود، گفت: درست است که برخی معتقدند بالا رفتن نرخ ارز، سود صادرکنندگان را افزایش می‌دهد اما با توجه به اینکه بسیاری از صادرکنندگان، تولیدکننده هم هستند، بالا رفتن نرخ ارز آنها را با مشکل مواجه می‌کند چرا که ناچارند مواد اولیه و تجهیزات را با نرخ جدید وارد کنند. بنابراین در نهایت قیمت تمام‌شده برای آنها نیز افزایش می‌یابد. وی ادامه داد: پس ممکن است با افزایش نرخ ارز، حتی برخی حوزه‌های صادراتی به صادرات آسیب‌بزنند. بنابراین نرخ ارز باید تثبیت شود تا صادرکنندگان و همچنین فعالان اقتصادی از وضعیت آینده مطمئن باشند و تکلیف خود را بدانند.

تا کی چوب برخی صنایع را بخوریم

دبیرکل انجمن صادرکنندگان نمونه همچنین در رابطه با لزوم پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی افزود: با اینکه برخی می‌گویند هنوز ایران آماده پیوستن به سازمان تجارت جهانی نیست اما پیوستن به این سازمان، برای ایران اجباری است چراکه ما برای از دست نرفتن بازارهای صادراتی خود، مجبور هستیم به WTO ملحق شویم. جبلی اظهار کرد: با توجه به قیمت تمام‌شده بالایی که برای تولیدات ایرانی وجود دارد، اگر تا چند سال دیگر به این سازمان ملحق نشویم، نمی‌توانیم با تعرفه‌های اعمال شده حرفی برای گفتن داشته باشیم. عضو اتاق بازرگانی تهران با بیان اینکه

برخی گروه‌ها معتقدند پیوستن به WTO به صنایع داخلی ایران همچون صنعت خودروسازی آسیب می‌زند و نباید در این مسیر گام برداریم، گفت: تا کی می‌توانیم چوب صناعی را بخوریم که خود را نوزاد می‌دانند؟ وی افزود: صنایع ما باید قبول کنند که پیوستن به این سازمان اجباری است و آنها باید خودشان را رشد دهند. در غیر این صورت، تا چند سال دیگر این صنایع نه تنها نوزاد باقی خواهند ماند بلکه عقب‌مانده هم می‌شوند. دبیرکل انجمن صادرکنندگان نمونه با بیان اینکه پروسه پیوستن به سازمان تجارت جهانی دشوار است و چند سال زمان می‌برد، گفت: بنابراین اگر از امروز هم برای پیوستن به این سازمان تلاش کنیم، برای دستیابی به هدف چند سال طول می‌کشد. پس صنایع هم چند سال وقت دارند که خودشان را آماده کنند.

اظهار نظر صادقانه!

جلی خاطر نشان کرد: بسیاری از کشورها هم مشکلات زیرساختی ایران را داشتند اما به این سازمان ملحق شده‌اند چرا که چاره‌ای جز این نیست و تاکنون هم هر کشوری به WTO پیوسته راضی بوده و درخواست خارج شدن از این سازمان را نداشته اگرچه کار راحتی است. عضو اتاق بازرگانی تهران با انتقاد از اینکه طی ۱۰ تا ۱۲ سال اخیر روند پیوستن ایران به این سازمان متوقف شده است، اظهار کرد: اخیراً هم رییس کل سازمان توسعه تجارت اعلام کرد که پیوستن به سازمان جهانی تجارت اولویت ایران نیست. البته با وجود اینکه این اظهار نظر موجب تاسف بسیاری از فعالان اقتصادی شد اما متشکریم که خود سازمان توسعه تجارت هم این موضوع را تایید و صادقانه آن را اعلام کرد. وی با اشاره به حضور محمد شریعتمداری در کابینه دولت دوازدهم بیان کرد: با توجه به سوابق وی در مورد تلاش برای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، امیدواریم با حضور او در وزارت صنعت، این پروسه هرچه سریع‌تر شروع شود چرا که این روند چند سال طول می‌کشد و ممکن است تا سال ۱۴۰۰ هم محقق نشود.

افزایش بیش از ۱۰ درصد، ممکن نیست

دبیرکل انجمن صادرکنندگان نمونه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا می‌توان به افزایش ۲۵ درصدی صادرات غیر نفتی تا پایان سال ۹۶ خوشبین بود، گفت: پیش‌بینی این موضوع دشوار است اما به عقیده من در زمان باقی مانده تا پایان سال، رشد شش تا هفت درصدی صادرات غیرنفتی میسر خواهد شد. جلی با بیان اینکه معمولاً قیمت جهانی محصولاتمانند پتروشیمی تحت تاثیر تقاضای چین و عملکرد این کشور است، اظهار کرد: با توجه به اینکه ۳۰ تا ۳۵ درصد صادرات غیر نفتی کشور ما نیز وابسته به چین محصولات است، پس نمی‌توان در این خصوص پیش‌بینی خاصی داشت اما اگر به بخش باقی‌مانده از کالاهای صادراتی در حوزه غیرنفتی نگاه کنیم، در نهایت می‌توانیم ۱۰ درصد رشد داشته باشیم. این در صورتی است که در حوزه صادرات غیرنفتی خیلی خوب کار کنیم.

روزنامه دنیای اقتصاد/ شنبه ۹۶/۰۶/۰۴ شماره ۴۱۲۸ صفحه ۲

براساس گزارش ۲۰۱۷ یونیدو مشخص شد

حرکت آرام رقابت صنعتی ایران

دنیای اقتصاد: اطلاعات جدید سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) از صعود یک پله‌ای ایران در «شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی» حکایت دارد؛ بر اساس ارزیابی صورت گرفته در سال ۲۰۱۷ در میان ۱۴۸ کشور، جایگاه ۵۸ به ایران اختصاص یافته است. پیش‌بینی‌ها پس از لغو تحریم‌های بین‌المللی از بهبود جایگاه ایران در این شاخص حکایت داشت؛ پیش‌بینی که جدیدترین گزارش منتشر شده از سوی یونیدو نشان‌دهنده تحقق آن است و با این شرایط می‌توان گفت ایران حرکت آرام در راستای بهبود رقابت صنعتی را پیش گرفته است.

رقابت‌پذیری صنعتی عبارت است از توان کشورهای برای افزایش حضورشان در بازارهای داخلی و بین‌المللی ضمن توسعه بخش‌های صنعتی و فعالیت‌هایی با ارزش افزوده بالاتر و حجم فناوری بیشتر. توان رقابت‌پذیری صنعتی کشورها یکی از عوامل اساسی رشد پایدار در بلندمدت محسوب می‌شود و تغییر موقعیت کشورهای نوظهور و صنعتی شده به لحاظ ارزش افزوده صنعتی و صادرات صنعتی به شدت ناشی از تغییرات رقابت‌پذیری صنعتی آنها است. طی سال‌های اخیر، شاخص‌های متعددی برای ارزیابی رقابت‌پذیری صنعتی کشورها به کار گرفته شده که در این میان سه شاخص «عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی»، «رقابت‌پذیری صنعتی جهانی» و «رقابت‌پذیری جهانی» بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. تازه‌ترین آمار منتشر شده از این شاخص‌ها مربوط به شاخص عملکرد جهانی رقابت‌پذیری صنعتی است که سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) هر ساله آن را روی تعدادی از کشورها اندازه‌گیری و آنها را رتبه‌بندی می‌کند. در سال ۲۰۱۷ نیز یونیدو این شاخص را روی ۱۴۸ کشور ارزیابی کرده و ارزیابی صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که قطر در میان کشورهای مورد ارزیابی، بیشترین بهبود رتبه را داشته و صعود ۱۳ پله‌ای را در این شاخص در سال ۲۰۱۷ ثبت کرده است. این کشور با ۱۳ پله صعود نسبت به سال قبل در جایگاه ۴۸ قرار گرفته است. ارزیابی صورت گرفته همچنین بیانگر آن است که عراق نیز با صعود ۶ پله‌ای در سال ۲۰۱۷ در مقایسه با گزارش سال قبل جایگاه ۱۲۹ را به خود اختصاص داده است و ترکیه به‌عنوان یکی از همسایگان ایران نیز بدون تغییر وضعیت همچنان از لحاظ رقابت‌پذیری صنعتی در جایگاه ۲۹ کشورهای جهان قرار دارد. براساس اطلاعات منتشر شده در «شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی» درحالی رتبه ۵۸ به ایران اختصاص یافته که در بین کشورهای منطقه ترکیه، عربستان، امارات، بحرین، کویت، عمان و قطر در رتبه‌های بالاتر از ایران قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، با توجه به گزارش منتشر شده، ۱۰ کشور اول در شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی به ترتیب به «آلمان، ژاپن، چین، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، سوئیس، سنگاپور، بلژیک، هلند و ایتالیا» اختصاص داشته است. ارزیابی صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که از میان ۱۰ کشور اول در این شاخص تنها چین و سنگاپور در سال ۲۰۱۷ بهبود رتبه داشته‌اند و سایر کشورها نسبت به گزارش سال قبل یا تغییری در وضعیت آنها حاصل نشده یا افت رتبه را ثبت کرده‌اند. بر اساس این گزارش، رتبه چین در سال ۲۰۱۷ دو پله و رتبه سنگاپور نیز یک پله صعود را ثبت کرده است. آلمان، ژاپن، سوئیس، هلند و ایتالیا نیز جایگاه‌شان نسبت به سال قبل تغییری نداشته است. اما کشورهای ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی و بلژیک یک پله نزول رتبه داشته‌اند.

ابعاد رقابت‌پذیری صنعتی

شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی یکی از شاخص‌هایی است که برای ارزیابی توان رقابت و عملکرد صنعتی اقتصادهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شاخص با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از زیرشاخص‌ها، توان تولید و صادرات کالاهای صنعتی یک اقتصاد مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و با سایر کشورها مقایسه می‌شود. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) که سابقه‌ای طولانی در تعیین عملکرد صنعتی کشورها دارد، نخستین بار در گزارش توسعه ۲۰۰۲-۲۰۰۳ شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی را با هدف تعیین توان تولید و صادرات کشورها بررسی کرد. براساس مدل تعریف شده از سوی این سازمان، شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی شامل زیرشاخص‌های فرعی می‌شود که سه بعد رقابت‌پذیری صنعتی را در بر می‌گیرند. اولین بعد مربوط به «طرفیت کشورها از نظر تولید و صادرات محصولات صنعتی» است و به وسیله «سرانه ارزش افزوده صنعتی» و «سرانه صادرات صنعتی» کشورها سنجیده می‌شود. بعد دوم «ارتقا و تعمیق فناوری» کشورها را در برمی‌گیرد. به منظور اندازه‌گیری این بعد پیچیده، دو زیرشاخص «شدت (تراکم) صنعتی شدن» و «کیفیت صادرات» در نظر گرفته شده است. شدت (تراکم) صنعتی شدن کشورها از طریق سهم ارزش افزوده صنایع با تکنولوژی پیشرفته و متوسط ارزش افزوده کل صنعت از یکسو و سهم ارزش افزوده صنعت از مجموع تولید ناخالص داخلی از سوی دیگر، سنجیده می‌شود. کیفیت

صادرات کشورها نیز از طریق دو معیار سهم صادرات صنعتی از کل صادرات و سهم صادرات صنعتی با تکنولوژی پیشرفته و متوسط از مجموع صادرات صنعتی سنجیده می‌شود.

در نهایت، سومین بعد رقابت‌پذیری صنعتی در برگزیده اثرات کشورها روی تولیدات صنعتی جهان است که از آن با عنوان «اثر جهانی» یاد می‌کنند. این اثر از طریق «سهم ارزش افزوده هر کشور در ارزش افزوده صنعت جهان و سهم ارزش افزوده هر کشور در تجارت صنعتی جهان» ارزیابی می‌شود. با توجه به اجزای شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در کشورهای مختلف منوط به وضعیت تولید و صادرات محصولات است. از منظر تولید محصولات، سرانه ارزش افزوده صنعت در هر کشور محاسبه و با ارزش افزوده صنعتی جهان و کل تولید یک کشور مقایسه می‌شود. از نظر صادرات محصولات نیز کیفیت صادرات به لحاظ صنعتی بودن و استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته سنجیده می‌شود و سرانه صادرات صنعتی آن با سایر کشورها مقایسه می‌شود.

در ارزیابی‌های صورت گرفته از «شدت (تراکم) صنعتی شدن» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابعاد «شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی» یاد شده است. این شاخص به وسیله دو معیار سهم ارزش افزوده صنعت از مجموع تولید ناخالص داخلی و سهم ارزش افزوده صنایع با تکنولوژی پیشرفته و متوسط از ارزش افزوده کل صنعت سنجیده می‌شود. براساس گزارش‌های منتشر شده شاخص ضمنی مذکور از این جهت دارای اهمیت است که رشد اقتصادی و توسعه صنعتی در بلندمدت توسط رشد فناوری تعیین می‌شود. از این رو، کشورهای مختلف برای دستیابی به رشد مطلوب اقتصادی، ضمن اهتمام به رفع موانع کارکرد صحیح نظام اقتصادی، تلاش خود را بر ارتقای توانمندی تکنولوژیک متمرکز کرده‌اند. هر چند در میان مدت انباشت سرمایه بر عملکرد اقتصاد تاثیر می‌گذارد، لیکن در بلندمدت مهم‌ترین عامل، رشد فناوری است و از این عامل به‌عنوان مهم‌ترین مولفه رشد اقتصادی در جهان و در قرن گذشته یاد شده است.